مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۷۱
Mojahed 871
دوشنبه ۲مهر ۱۳۸۶
۱۲رمضان ۱۴۲۸
September 24 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

پیام رئیس جمهور برگزیده مقاومت به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

ـ اعتراضهای دانشجویان، که بارها شعار مرگ بر دیکتاتور را در صحن دانشگاهها طنین‌انداز کرد، استمرار این اعتراضها، که با دستگیریهای مکرر و اقدامهای مرعوب‌کننده توقف نمی‌پذیرفت، گستره این اعتراضها که به اغلب دانشگاههای کشور سرایت کرد و روحیه شجاعانه دانشجویان که بسیاری طرحهای سرکوبگرانه رژیم ولایت‌فقیه و پرونده‌سازیها و جرم‌تراشیهای جعلی آن‌را نادیده گرفتند، همه و همه، دوران اضمحلال و زوال رژیم حاکم را بازتاب می‌کرد. به همین دلیل، رژیم آخوندی بیش از هر چیز بر مقابله با ستمگیری دانشجویان به طرفداری از شعار سرنگونی رژیم ولایت فقیه، متمرکز بود

مریم رجوی خطاب به دانش‌آموزان و دانشجویان و فرهنگیان گفت:

ـ مرزبندی با رژیم ولایت فقیه را وظیفه مبرم خود تلقی کنید و در همه جا به دفاع از این مرزهای استوار برخیزید

ـ شهر اشرف را که سمبل پایداری در برابر رژیم ولایت فقیه است در همه جای ایران بگسترانید و در هر مدرسه و دانشگاه اشرف پایداری برپا کنید

ـ جریانها و عناصری را که با باندهای درون رژیم مربوطند و به‌رغم مخالفتهای ظاهری، خواهان حفظ تمامیت رژیم آخوندی هستند، افشا و طرد کنید

در صفحه۴

رسانه‌های رژیم آخوندی در یک کر هماهنگ اعلام کردند که در پی شکایت رژیم از طریق بستگان سردژخیم صیاد شیرازی، بازپرسان فرانسوی قصد دارند درباره کیفیافتن او به تحقیق بپردازند

مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، صدیقه حسینی: مجاهدین از هر دادگاه بی‌طرف بین‌المللی برای بازگشایی پرونده سرلشکر بسیجی صیاد شیرازی، به‌غایت استقبال می کنند

ـ بازگشایی پرونده جلاد مجاهدان و مردم کردستان لازم است اما کافی نیست. مجاهدین پرونده لاجوردی و بیت‌العنکبوت خامنه‌ای و پرونده قتل‌عام زندانیان سیاسی و ۴۵۰ فقره عملیات تروریستی رژیم ولایت فقیه در خارج از ایران تا سال۲۰۰۲ و به‌ویژه ۱۵۰فقره عملیات تروریستی این رژیم در عراق علیه مجاهدین را هم به این دادگاه می‌افزایند. هم‌چنین جنایتهای جنگی رژیم شامل پرتاب ۷۷موشک در ۲۹فروردین۱۳۸۰، پرتاب موشکهای اسکاد بی در خرداد۱۳۷۸ و آبان ۱۳۷۳ و پرونده کشتار کارگران اشرف و ربودن مجاهدان خلق حسین پویان و محمدعلی زاهدی، بایستی مورد رسیدگی بین‌المللی قرار بگیرد.

در صفحه۲

مژگان پارسایی، جانشین رهبری مقاومت در اشرف، آمادگی ۳۵۰۰ مجاهد خلق را برای شهادت‌دادن در هر دادگاه بین‌المللی اعلام نمود

در صفحه۳

ـ خانم پارسایی گفت: ولی‌فقیه ارتجاع تفاوت فرانسه امروز با فرانسه در زمان شیراک و تفاوت عراق با فرانسه را نادیده گرفته و از یاد برده است که در هرکجا و در هرشرایطی که هنوز یک قطره قانون و یک ذره آزادی و وجدان وجود دارد، مقاومت ایران پیروز می‌شود

ـ شاهدان قتل عامهای وحشیانه سال۱۳۶۷ در زندانهای رژیم در شهر اشرف، شکایتنامه‌های خود را تنظیم و ارائه کردند

ـ سازمان مجاهدین خلق با استقبال از بازگشایی پرونده سرلشکر بسیجی صیاد شیرازی از قضاییه فرانسه خواست پرونده لاجوردی، جلاد اوین را هم به پرونده صیاد شیرازی بیفزاید

فراخوان جلب و محاکمه ۱۳تن از سردمداران رژیم آخوندی در برابر انظار بین‌المللی

مسئول اول مجاهدین اعلام کرد: ۱۳تن از سردمداران رژیم آخوندی بایستی به این دادگاه جلب و در برابر انظار بین‌المللی مورد استماع قرار بگیرند: ولی‌فقیه ارتجاع، ۲رئیس‌جمهور این رژیم، ۳سرکرده سابق و لاحق سپاه پاسداران، سرکرده نیروی تروریستی قدس، ۴وزیر گشتاپوی آخوندها، آخوند فلاحیان، آخوند دری نجف‌آبادی، آخوند یونسی و آخوند اژه‌ای، و هم‌چنین سردژخیم مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور آخوندها، از مسئولان قتل‌عام۳۰هزار زندانی سیاسی درسال ۱۳۶۷

علی خامنه‌ای | اکبر رفسنجانی | محمد خاتمی | محمود احمدی‌نژاد | آخوند پورمحمدی | قاسم سلیمانی

رحیم صفوی | سبزعلی رضایی | محمدعلی جعفری | آخوند یونسی | آخوند فلاحیان | آخوند دری نجف‌آبادی | آخوند اژه‌ای

Associated Press

آسوشیتدپرس، این پرونده قضایی در زمانی مطرح می‌شود که روابط فرانسه ـ ایران دچار تنشهای شدید است زیرا مقامهای ایران برنامه خود برای غنی‌سازی اورانیوم را دنبال می‌کنند... این دومین بار است که یک پرونده قضایی علیه سازمان مجاهدین در دادستانی پاریس گشوده می‌شود ... در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ یک تور پلیس گسترده علیه سازمان مجاهدین خلق ایران به دستگیری ۱۷۰نفر منجر شد...

Herald Tribune

هرالد تریبیون بین‌المللی: مجاهدین خلق، تلاش می‌کنند حکومت اسلامی ایران را سرنگون نمایند، دولتهای اتحادیه اروپا در ماه ژوئن تصمیم گرفتند که گروه اپوزیسیون ایرانی را در لیست سیاسی تروریستی نگه دارند.

سازمان مجاهدین خلق از آن‌جا که اتحادیه اروپا از دستور دادگاه عالی اروپا مبنی بر باطل‌کردن تصمیم سال۲۰۰۲ برای قرار دادن این سازمان در لیست تروریستی و مسدودنمودن داراییهایش، تبعیت نکرده است، شکایت جدیدی ارائه داده و تلاش می‌کند بیش از یک میلیون یورو معادل یک میلیون و ۳۵۰هزار دلار، خسارت دریافت کند.

LE FIGARO

روزنامه فرانسوی فیگارو در سرمقاله ۲۷شهریور خود تحت عنوان «ایران: زمان دارد از دست می‌رود» هشدار داد: تهران از تعلیق فعالیتهایش در زمینه غنی‌سازی اورانیوم سرپیچی می‌کند و در ماههای اخیر برنامه هسته‌یی‌اش را تسریع کرده است. تا آن زمان که جمهوری اسلامی به بمب اتمی دست پیدا بکند ما چندین سال فاصله نداریم بلکه فقط یک، دو یا سه سال فاصله داریم. برای متوقف‌کردن این شمارش معکوس و برای پرهیز از دو «آلترناتیو فاجعه‌بار» که عبارتند از «دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی یا جنگ علیه این رژیم» حتی هفته‌ها هم مهم هستند و باید به حساب بیایند...

حکم جلب رفسنجانی از سوی آرژانتین

قاضی آرژانتینی رودولفو کانیکوبا به خبرگزاری فرانسه (۳۰شهریور۸۶) گفت از انترپل خواسته است تا رفسنجانی را طی یک حکم جلب تحویل آرژانتین بدهد تا به اتهام «جنایت علیه بشریت» محاکمه شود.

یادآوری می‌شود در یک بمبگذاری تروریستی در آرژانتین که تصمیم آن در جلسه‌یی با حضور خامنه‌ای و رفسنجانی اتخاذ گردید و عوامل حزب‌الله رژیم آن را اجرا کردند، ۸۵نفر کشته شدند و بیش از ۳۰۰نفر مجروح گردیدند.

روزنامه کلارین، پرتیراژترین روزنامه آرژانتین، در مقاله‌یی تحت‌عنوان «کرشنر پرونده انفجار بوئنوس‌آیرس را به سازمان ملل می‌برد»، نوشت: بسیاری از آرژانتینی‌ها انتظار دارند سازمان ملل متحد، در بیانیه‌یی، عدم همکاری رژیم ایران با قضات پرونده بمبگذاری در مرکز یهودیان آرژانتین را محکوم سازد. محسن بهاروند سفیر رژیم آخوندی در آرژانتین تهدید کرد اگر نستور کرشنر این موضوع را در اجلاس مجمع عمومی مطرح کند به معنای اعلان جنگ است.

لازم به ذکر است روز ۱۸آبان۱۳۸۵ دستگاه قضاییه آرژانتین حکم جلب بین‌المللی رفسنجانی رئیس‌جمهور سابق رژیم ایران و ۷تن از وزیران و مقامهای بلندپایه دوران ریاست جمهوری وی را به جرم «جنایت علیه بشریت» و به‌عنوان طراحان و مجریان انفجار تروریستی سال ۱۹۹۴ صادر نمود.

علاوه بر رفسنجانی، ۷تن از وزیران و مقامهای بلندپایه دوران ریاست جمهوری وی که حکم جلب بین‌المللی آنها توسط دستگاه قضایی آرژانتین صادر شده، عبارتند از:

علی اکبر ولایتی وزیر خارجه، آخوند علی فلاحیان وزیر اطلاعات، محسن رضایی سرکرده سپاه پاسداران، احمد وحیدی سرکرده سپاه تروریستی قدس، محسن ربانی و احمد رضا اصغری دیپلومات تروریستهای رژیم و عماد مغنیه سرکرده سابق بخش امنیتی حزب‌الله لبنان

پاسدار سرتیپ محمود فرهادی سرکرده قرارگاه ظفر نیروی تروریستی در عراق به‌دام افتاد

روز۲۹شهریورخبرگزاریها اعلام کردند که یک سرکرده قرارگاه رمضان، مسئول اطلاعات منفور آخوندی در شمال عراق و فرماندار رژیم در قصرشیرین، در شمار ماموران دستگیر شده رژیم آخوندی توسط نیروهای آمریکایی در سلیمانیه در کردستان عراق است.

سخنگوی مجاهدین گفت: رژیم، پاسدار سرتیپ فرهادی، فرمانده قرارگاه ظفر نیروی تروریستی قدس را ابتدا یک تاجر بیگناه ایرانی، سپس عضو هیأت همکاریهای تجاری و آن‌گاه کارشناس وبا و طاعون! و بعد کارگزار تبلیغاتی رژیم و دست آخر نفر فعال سپاه معرفی نمود!

در صفحه۶

سرمقاله

اشتباه محاسبه خامنه‌ای

۴سال پیش، که هنوز خاتمی رئیس‌جمهور و رئیس شورای‌عالی‌امنیت‌رژیم‌بود، مجاهدین سند اختصاص یک میلیون دلار بودجه برای پرونده‌سازی علیه مجاهدین در فرانسه را که علی ربیعی (از پایه‌گذاران وزارت اطلاعات و دبیر اجرایی وقت شورای عالی امنیت) عهده‌دارش بود، افشا و اعلام کردند که رژیم، از جمله، درصدد گشودن پرونده سرلشکر بسیجی صیاد شیرازی، جلاد کردستان و قاتل مجاهدین خلق ایران است. در همان زمان نشریه مجاهد به افشای دستورالعمل شورای عالی امنیت رژیم در مورد«خط حقوقی در مقابل منافقین» مبادرت کرد. شورای عالی امنیت رژیم که در حساسترین امور (مثلا اتمی) دولت و وزارتخانه‌ها را کنار می‌زند و زیر نظر مستقیم خامنه‌ای سررشته را به‌دست می‌گیرد، دستورالعمل مزبور را برای قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، وزارت خارجه و به‌طورمستقیم برای ادارات کل این ارگانها در استانهای مختلف فرستاده و تأکید کرده بود: «خط مؤکد، حالا اسمش را خط حقوقی بگذاریم یا هرعنوانی، در معنا لاجرم سیاسی است و مقصود این است که با بازگشایی پرونده حقوقی برای منافقین آنها را در مجامع بین‌المللی دنیا به‌چالش بکشانیم... بعد امنیتی ـ سیاسی در جای خودش درست است، ولی الان زمینه این است که اینها را در بعد حقوقی به‌چالش بکشانیم. بحثهای سیاسی قابل‌نقض است. کشورها زیر بارش نمی‌روند. ولی اصول حقوقی در کل دنیا اصول پذیرفته‌شده‌یی است، بحثهای اطلاعاتی را نمی‌شود درست ارائه داد، ولی همین اطلاعات در بحث حقوقی بسیار مستند است و قابل‌ارائه است. در چنین شرایطی که منافقین در عراق در انزوا قرار گرفتند، قوه قضاییه باید به وزارت اطلاعات و وزارت خارجه کمک کند و نقش جدی بازی بکند تا بتوانیم ضربه درستی به‌منافقین بزنیم که نتوانند تا چند سالی کمر راست کنند» («مجاهد»۶۶۰- ۵خرداد۸۳).

۴سال و۴ماه بعد از انشا و ابلاغ این دستورالعمل توسط خامنه‌ای و اختصاص میلیونها دلار بودجه و شراکت فعال تمام باندهای آخوندی وحمایتهای کشاف مماشاتگران خاتمی دوست و آخوندپسند مثل شیراک؛ می‌توان به ایستادگی مجاهدین (که قراربود«نتوانند تاچند سالی کمرراست کنند») و به موقعیت آنها در مقابل رژیم ولایت‌فقیه درصحنه سیاسی و بین‌المللی و به تحولاتی مثل حکم دادگاه عدالت اروپا مبنی بر لغو برچسب تروریستی، نظرکرد و قاطعانه گفت که خامنه‌ای کورخوانده بود. اما این‌که آخوند کور خوانده، آن‌هم در وضعیت یکپایگی و در موقعیت تحریم بین‌المللی، باردیگر به همان بازی سوخته روی آورده و ۱۳مردخبیث فاشیسم مذهبی را هم در معرض جلب و پیگرد قرار داده، دلیلی جز سرگیجه مرحله پایانی نمی‌تواند داشته باشد. خواهر مجاهد مژگان پارسایی درباره «اشتباه محاسبه جدی فاشیسم مذهبی»، دراین زمینه می‌گوید:«ولی‌فقیه ارتجاع، تفاوت فرانسه امروز با فرانسه در زمان شیراک و تفاوت عراق با فرانسه را نادیده گرفته و از یاد برده است که در هرکجا و در هرشرایطی که هنوز یک قطره قانون و یک ذره آزادی و وجدان وجود دارد، مقاومت ایران پیروز می‌شود. علاوه براین، آخوندها هرگز گمان نمی‌کردند که مجاهدین، به‌ویژه در فاز انحلال و سرنگونی رژیم، به‌گونه‌یی تمام‌عیار،خواهان و در انتظار بازگشایی این پرونده‌ها باشند».

در صفحات دیگر

کاندولیزا رایس: آمریکا و فرانسه برسر راه‌کارهای اعمال فشار به رژیم ایران برای توقف فعالیتهای حساس اتمی توافق کردند

ـ در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک، وزیران خارجه آمریکا و فرانسه بر سر اعمال فشار بیشتر به رژیم ایران به توافق رسیدند.کوشنر، وزیر خارجه فرانسه با اشاره به این‌که «ایران مسلح به جنگ‌افزار اتمی خطری برای امنیت جهانی است» گفت... نگاه کنید به ماجراجوییهای امروز رژیم ایران و تصور کنید روزی که رژیم تهران فکر کند با چتر اتمی محافظت می‌شود چگونه خواهد بود.

در صفحه۵

بازتابهای اجماع بین‌المللی علیه رژیم ایران برای تشدید تحریمها

ـ الشرق‌الاوسط: یک اجماع بین‌المللی از جانب آمریکا، انگلستان، فرانسه و روسیه علیه رژیم ایران به‌وجود آمده است. پیام آشکار این اجماع این است که اوضاع به کام رئیس‌جمهور تندرو رژیم ایران پیش نمی‌رود و جهان برسر مسأله هسته‌یی رژیم ایران کوتاه نخواهد آمد.

ـ لیبراسیون: رژیم به تنهایی به «محورشر» فرانسه تبدیل شده است

ـ تلویزیون ب.اف.ام فرانسه: به‌نظر می‌رسد آغاز جنگ اقتصادی میان فرانسه و رژیم ایران پیشاپیش اعلام شده باشد

در صفحه۵

وحشت رژیم آخوندی از مواضع شدید فرانسه علیه طرحهای اتمی رژیم

ـ ۲۳۲تن از نمایندگان مجلس رژیم، دولت فرانسه را تهدید کردند: دولت جدید فرانسه باید به‌خوبی بداند که منطقه خلیج‌فارس منطقه‌یی حساس، نفتی و گره‌خورده با اقتصاد جهانی است و برافروختن هر آتشی در این دریای نفت همه منطقه را به آتش خواهد کشید

ـ آخوند احمد خاتمی: تازه‌به‌دوران رسیده‌های حکومت در فرانسه باید توجه داشته باشند با طناب پوسیده آمریکا به چاه نروند

در صفحه۵

الی ویزل برنده جایزه صلح نوبل: احمدی‌نژاد ننگ و خفت دیپلوماسی، ننگ روابط بین‌المللی و ننگ فرهنگ است

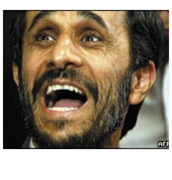

تلویزیون سی.ان.ان ۳۱شهریور: دانشگاه کلمبیا درهای خود را به روی مردی که کشتار یهودیان توسط نازیها را انکار کرده باز کرده است. الی ویزل یک برنده جایزه صلح و کسی که خود شخصاً یکی از بازماندگان این نسل‌کشی بود گفت اگر به‌عهده من بود، احمدی‌نژاد را اخراج می‌کردم. این مرد یک ننگ و خفت برای دیپلوماسی، ننگ برای روابط بین‌المللی و ننگ برای فرهنگ است.

در یک کنفرانس مطبوعاتی در بلژیک، سخنرانان نقض فاحش حقوق‌بشر در ایران و مماشات اروپا با دیکتاتوری ضدبشری آخوندی در این زمینه را محکوم کردند

به‌دعوت انجمن ایرانیان مدافع حقوق‌بشر و فرهنگ و هنر در بلژیک، صبح چهارشنبه ۲۸شهریور، یک کنفرانس مطبوعاتی تحت‌عنوان نقض حقوق‌بشر در ایران و سیاست دوگانه اتحادیه اروپا، در بروکسل با شرکت ژان‌پیر مالمندیر، عضو سابق پارلمان بلژیک و محمدرضا روحانی، مسئول کمیسیون امور ملیتها برگزار گردید.

در صفحه۴

۳ زندانی در اهواز اعدام شدند
در ۹ماه اول امسال بیش از ۲۵۰تن توسط رژیم آخوندی به‌دار آویخته شدند

به گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا رژیم ضدبشری آخوندی روز ۲۲شهریور ماه، ۳زندانی را در اهواز به اتهام «بمبگذاری» اعدام کرد. دادستان جنایتکار اهواز، موسی پیریایی گفت: «تعداد دیگری از عوامل بمبگذاری در نوبت اعدام» هستند.

در صفحه۳

بازنگری فعالیتهای اقتصادی «سپاه پاسداران» ـ بخش دوم

یزدان حاج‌حمزه

در صفحه۷

شرکت پاسدار احمدی‌نژاد در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل با موجی از اعتراض و ابراز تنفر روبه‌رو شده است

ـ شهردار نیویورک درخواست پاسدار احمدی‌نژاد برای دیدار از محل ساختمان تجاری را رد کرد

ـ کریستین کوئین رئیس شورای شهر نیویورک گفت: حضور احمدی‌نژاد در هر کجای این شهر برای همه نیویورکیها توهین‌آمیز است

در صفحه۵

مقالات:

ـ عکسهای فوری ـ خبرهای کوتاه
زخمهای آشکار و پنهان یک شهر طاعون‌زده (۲)
صفحه۸
ـ زنده باد آقای کریمی یعنی مرگ بر شاه
جمشید پیمان
ـ از دریچه چماق
علی مقدم
ـ صفحه ۹
ـ اسلام پویا و درک دینامیک از قران
مهدی ابریشمچی
ـ خروج از مجرای تنگ کلمه (شعر)
کاظم مصطفوی
ـ کارگردانهای فستیوالی
جمشید آشوغ
صفحه۱۰
ـ مفهوم پویای قدر و تقوی
جلال گنجه‌ای
ـ این علی کیست
فرهاد صداقتی
ـ حماسه خونین سپیده‌دمان آزادی
محمد لبیبی
صفحه۱۱

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

رسانه‌های رژیم آخوندی اعلام کردند که در پی شکایت رژیم از طریق بستگان سر دژخیم صیاد شیرازی، بازپرسان فرانسوی قصد دارند درباره کیفریافتن او به‌تحقیق بپردازند

مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران: مجاهدین از هر دادگاه بیطرف بین‌المللی برای بازگشایی پرونده سرلشگر بسیجی صیاد شیرازی به‌غایت استقبال می‌کنند

مسئول اول مجاهدین اعلام کرد: ۱۳ تن از سردمداران رژیم آخوندی بایستی به این دادگاه جلب و در برابر انظار بین‌المللی مورد استماع قرار بگیرند: ولی فقیه ارتجاع، ۳رئیس‌جمهور این رژیم، ۳سرکرده سابق و لاحق سپاه پاسداران، سرکرده نیروی تروریستی قدس، ٤وزیر گشتاپوی آخوندها: آخوند فلاحیان، آخوند دری نجف‌آبادی، آخوند یونسی و آخوند اژه‌ای، و هم‌چنین سردژخیم مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور آخوندها از مسئولان قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی در سال۱۳٦۷

علی خامنه‌ای — اکبر رفسنجانی — محمد خاتمی — محمود احمدی‌نژاد — آخوند پورمحمدی — محسن رضایی — رحیم صفوی — محمد جعفری — قاسم سلیمانی — آخوند یونسی — آخوند فلاحیان — آخوند دری نجف‌آبادی — آخوند اژه‌ای

خبرگزاریها، رادیو تلویزیون و مطبوعات و سایتهای رژیم آخوندی در یک کر هماهنگ اعلام کردند که در پی شکایت رژیم از طریق بستگان سر دژخیم صیاد شیرازی، بازپرسان فرانسوی قصد دارند درباره‌ی کیفر یافتن او به‌تحقیق بپردازند.

مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، خانم صدیقه حسینی اعلام کرد:

مجاهدین از هر دادگاه بیطرف بین‌المللی در فرانسه و هر کشور اروپایی دیگر برای بازگشایی پرونده سرلشگر بسیجی صیاد شیرازی، قاتل مجاهدین در عملیات فروغ جاویدان، جلاد مردم کردستان، عامل تصفیه و اعدام پرسنل مردمی ارتش و جانشین رئیس ستاد کل قوای مسلح فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، به‌غایت استقبال می‌کنند.

مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران افزود: بازگشایی پرونده جلاد مجاهدان و مردم کردستان لازم است اما کافی نیست. مجاهدین پرونده لاجوردی و بیت‌العنکبوت خامنه‌ای و پرونده قتل‌عام زندانیان سیاسی و ٤٥٠فقره عملیات تروریستی رژیم ولایت فقیه در خارج از ایران تا سال۲۰۰۲ و به‌ویژه ۱۵۰فقره عملیات تروریستی این رژیم در عراق علیه مجاهدین را هم به این دادگاه می‌افزایند. هم‌چنین جنایتهای جنگی رژیم شامل پرتاب ۷۷موشک در ۲۹فروردین ۱۳۸۰، پرتاب موشکهای اسکاد بی در خرداد۱۳۷۸ و آبان ۱۳۷۳ و پرونده کشتار کارگران اشرف و ربودن مجاهدان خلق حسین پویان و محمدعلی زاهدی بایستی مورد رسیدگی بین‌المللی قرار بگیرد.

مسئول اول مجاهدین اعلام کرد: ۱۳تن از سردمداران رژیم آخوندی بایستی به این دادگاه جلب و در برابر انظار بین‌المللی مورد استماع قرار بگیرند: ولی فقیه ارتجاع، ۳رئیس‌جمهور این رژیم، ۳سرکرده سابق و لاحق سپاه پاسداران، سرکرده نیروی تروریستی قدس، ٤وزیر گشتاپوی آخوندها: آخوند فلاحیان، آخوند دری نجف‌آبادی، آخوند یونسی و آخوند اژه‌ای، و هم‌چنین سردژخیم مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور آخوندها از مسئولان قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی درسال۱۳٦۷

خانم صدیقه حسینی افزود: اکنون برعهده ۱۳سردمدار خبیث رژیم آخوندی است که اگر ریگی به نعلین ندارند، بلادرنگ آمادگی خود را برای حضور در دادگاه بین‌المللی اعلام کنند.

مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران همچنین از کلیه هموطنان و پشتیبانان مقاومت ایران و هواداران مجاهدین در کشورهای مختلف جهان خواست برای تشکیل این دادگاه بین‌المللی و جلب سردمداران رژیم به آن پافشاری کنند و شهود و اسناد لازم را آماده نمایند. چنین دادگاهی تمامیت رژیم آخوندی و جنایتهای آن علیه مردم ایران را به‌محاکمه خواهد کشید.

رادیو و تلویزیون رژیم روز ۲۸شهریور خبر دادند: در پی شکایت خانواده‌ی سپهبد صیاد شیرازی، بازپرسان فرانسوی قصد دارند درباره ترور وی به‌دست منافقین تحقیق کنند... مقامات قضایی که نخواستند نامشان فاش بشود گفتند خانواده شیرازی دو سال پیش شکایت‌نامه‌یی را به‌عنوان قتل و مشارکت در قتل به سیستم قضایی فرانسه ارائه کردند و تحقیقات جدید از این شکایت منشأ می‌گیرد. مقامات قضایی فرانسه می‌گویند قدرت تحقیق درباره این مسأله را دارند چون شاخه سیاسی گروهک منافقین در اورسوراواز در شمال پاریس مستقر است.

خبرگزاریهای حکومت آخوندی ازجمله خبرگزاریهای ایرنا، ایسنا، فارس و خبرگزاری مهر آخوندی گزارش کردند:

مقامات قضایی که خواستند نامشان فاش نشود افزودند که تحقیقات جدید در پی شکایت بستگان صیاد شیرازی در خصوص «قتل و تبانی در قتل» انجام می‌شود که دو سال قبل در سیستم قضایی فرانسه مطرح شد.

مقامات قضایی که خواستند نامشان فاش نشود، گفتند خانواده شیرازی دو سال پیش شکایت نامه‌یی را با عنوان «قتل و مشارکت در قتل» به سیستم قضایی فرانسه ارائه کرد و تحقیقات جدید از این شکایت منشأ می‌گیرد.

از سوی دیگر خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش کرد: پرونده قضایی مورد بحث در ۲ اوت گذشته، به‌دنبال شکایتی به‌خاطر «قتل و همدستی در قتل» که دو سال پیش از این توسط خانواده این نظامی ایرانی ثبت شده بود، گشوده شده است.

این پرونده قضایی در زمانی مطرح می‌شود که روابط فرانسه-ایران دچار تنشهای شدیدی است به‌دلیل این که ایرانیها برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را دنبال می‌کنند.

این دومین بار است که یک پرونده قضایی که سازمان مجاهدین را هدف قرار می‌دهد، ظرف کمتر از دو سال توسط دادستانی پاریس گشوده می‌شود. اولین مورد در سال۲۰۰٤ به‌دنبال شکایت یک زن ایرانی بود که می‌گفت در یک سوءقصد به مقر خامنه‌ای در فوریه ۲۰۰۰ در تهران مجروح شده است. این عملیات توسط سازمان مجاهدین ایران به‌عهده گرفته شده بود.

آسوشیتدپرس می افزاید: از سال۲۰۰۱، سازمان مجاهدین خلق ایران موضوع تحقیقاتی از سوی دستگاه قضایی فرانسه است که درابتدا به‌خاطر « یک اقدام جمعی تروریستی » گشوده شد اما در ژوئن۲۰۰۳ به «تأمین مالی تروریسم» و سپس در مارس۲۰۰۷ به «پولشویی» تبدیل شد.

در ۱۷ژوئن۲۰۰۳، یک تور پلیسی گسترده علیه سازمان مجاهدین خلق ایران به دستگیری ۱۷۰ نفر منجر شد. اما فقط ۱۷ نفر از جمله مریم رجوی، همسر کاریسماتیک رهبر جنبش، مورد پیگرد قرار گرفتند.

هرالد تریبیون بین‌المللی در همین باره گزارش کرد: مجاهدین خلق، تلاش می‌کنند حکومت اسلامی ایران را سرنگون نمایند، دولتهای اتحادیه اروپا در ماه ژوئن تصمیم گرفتند که گروه اپوزیسیون ایرانی را در لیست سیاسی تروریستی نگه دارند.

مریم رجوی، رئیس‌جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، شاخه سیاسی گروه، تصمیم اتحادیه اروپا را محکوم کرد. در ماه ژوئن، هزاران نفر از اعضای گروه به حمایت از او در تجمعی در خارج از پاریس شرکت نمودند.

سازمان مجاهدین خلق از آن‌جا که اتحادیه اروپا از دستور دادگاه عالی اروپا مبنی بر باطل کردن تصمیم سال۲۰۰۲ برای قرار دادن این سازمان در لیست تروریستی و مسدودنمودن داراییهایش، تبعیت نکرده است، شکایت جدیدی ارائه داده و تلاش می‌کند بیش از یک میلیون یورو معادل یک میلیون و ۳۵۰هزار دلار، خسارت دریافت کند.

رژیم آخوندی در محاصره بحرانهای داخلی و خارجی تلاش می‌کند با مصرف دوباره و چندباره تلاشها و زدوبندهای بی‌نتیجه چند سال گذشته‌اش در جهت پرونده‌سازی برای سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت در فرانسه، به نیروهایش روحیه و امید بدهد.

رژیم آخوندی در این تلاش مذبوحانه بر روی حمایت برخی طرفهای خارجی حساب کرده‌است که از اتخاذ یک سیاست قاطع علیه این رژیم به‌شدت متضرر می‌شوند، بی‌جهت نیست که این موضوع درست روز بعد از اظهارات اخیر وزیر خارجه فرانسه علیه رژیم آخوندی و پروژه‌های اتمی‌اش مطرح می‌شود.

سابقه این پرونده‌سازیها به ٥سال پیش بر می‌گردد و بخشهای زیادی از آن در سالهای گذشته توسط مقاومت ایران افشا شده است.

وزارت اطلاعات از سال۱۳۸۱با صرف هزینه‌های کلان و به‌خدمت گرفتن شماری از وکلای فرانسوی و بردن آنها به‌تهران و فرستادن مأموران خود به فرانسه، تلاش کرد تا شکایاتی را از سوی این مأموران، تحت عنوان شاکیان خصوصی که قربانی عملیات مجاهدین بوده‌اند، در دادگستری فرانسه ثبت کند.

از آن زمان تاکنون سازمانها و شخصیتهای مدافع حقوق بشر و حقوقدانان بزرگ فرانسوی، بارها براین حقیقت تأکید کرده‌اند که طرح این شکایات از سوی رژیم ایران در مراجع قضایی فرانسه هیچ موضوعیتی ندارد. آنها بارها تأکید کرده‌اند، رسیدگی به عملیات نظامی مشروع مقاومت ایران که در خارج از خاک فرانسه علیه غیرفرانسویان و توسط غیرفرانسویان و یا افراد مقیم فرانسه صورت گرفته است، هیچ ربطی به دستگاه قضایی فرانسه ندارد.

یکی از این شکایتها متعلق به مزدورانی بود که مدعی شده‌اند شهروندان عادی بوده‌اند و در عملیات خمپاره‌باران مقر وزارت اطلاعات در اهواز مجروح شده‌اند.

شکایت دیگر متعلق به مأموران وزارت اطلاعات است که ادعا کرده‌اند در جریان تهاجم مجاهدین به بیت‌العنکبوت خامنه‌ای زخمی شده‌اند. سومین شکایت متعلق به سر دژخیم صیاد شیرازی است.

در برخی موارد وزارت اطلاعات تلاش کرد تا این شاکیان خصوصی را وارد پرونده ۱۷ژوئن۲۰۰۳نماید تا از این طریق به اطلاعات این پرونده دست یابد.

هزینه‌های رژیم برای پرونده‌سازی علیه مجاهدین

نشریه مجاهد شماره ٦٥٥مورخ ۲۲اردیبهشت۱۳۸۳سندی را فاش کرد که گوشه‌یی از هزینه‌های رژیم برای این پرونده‌سازیها را نشان می‌داد.

طبق این سند علی ربیعی «مسؤل اجرایی دبیرخانه شورای عالی امنیت رژیم آخوندی» در تاریخ ۲٦شهریور۱۳۸۲ درخواست کرده است تا با توجه «به تصمیمات متخذه در شورایعالی امنیت در خصوص پیگیری قضایی مطروح در دادگاههای فرانسه»، پرداخت «مبلغ یک میلیون دلار از محل سهمیه ارزی نهاد ریاست‌جمهوری» به « بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شود».

هشدار سازمانهای حقوق‌بشری

سازمانهای حقوق بشری، فرانس لیبرته (بنیاد دانیل میتران)، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، لیگ حقوق بشر فرانسه و جامعه دفاع ازحقوق بشر در ایران در ۲۰ژوییه۲۰۰٤، طی بیانیه مشترکی نسبت به پذیرش شکایت شاکیان خصوصی علیه مجاهدین از سوی دادسرای ضد تروریستی فرانسه هشدار دادند و نوشتند که در این صورت «تمامی عناصر این پرونده به دولت ایران منتقل می‌گردد... دادگستری فرانسه نبایستی کار سرویسهای پلیس رژیم تروریستی را تسهیل نماید که به‌وسیله آن شکنجه و وحشت حاکم کرده‌است».

سندیکای قضات فرانسه در بیانیه ای تحت عنوان «بخش ضدتروریستی: یک دادگستری آلت دست»، نوشت «امروز در حالیکه تحقیق و پیشرفت در پرونده(۱۷ژوئن) در نقطه مرگ است مقامهای ایرانی از طریق درست‌کردن شاکیان خصوصی هدایت شده در تلاش هستند اطلاعات موجود این پرونده را به‌دست بیاورند. سندیکای قضات سر فرود آوردن دادسرای ضدتروریستی را که می‌تواند از طریق یک روند غیرقابل‌توجیه موجب شناسایی مخالفان رژیم ایران شود و آنها را به‌خطر بیندازد، افشا می‌کند».

ویلیام بوردون، وکیل و حقوقدان برجسته فرانسوی، در کنفرانسی به تاریخ ۲۱اسفند۱۳۸۳در پاریس، گفت: «وکلایی هستند که از ۱۸ماه پیش، با مخارج گزاف به ایران مسافرت کرده‌اند. آنها با کوله‌باری پر از وکالت‌نامه «قربانیان سوءقصد» بازگشته‌اند با این هدف که اتهامات جنایی علیه رهبران شورای ملی مقاومت اقامه کنند. من می‌دانم و ما می‌دانیم که دادسرا کمی قبل به‌دادستانی پاریس اطلاع داد که نهایتاً باید پذیرفت که اتهامات شاکی خصوصی قربانیان ایرانی قابل‌پذیرش نیست».

پروفسور برنارد بولوک، استاد و نظریه‌پرداز حقوق جزا در دانشگاه سوربن پاریس، دریک نظریه مبسوط در مهر ماه۱۳۸۳ نتیجه‌گیری کرد: «دادگاه استان پاریس برای رسیدگی به‌وقایعی که در فوریه ۲۰۰۰در تهران اتفاق افتاده چه به‌عنوان صلاحیت داخلی در غیاب وقایع مشخص‌کننده جرائم در فرانسه و چه تحت عنوان صلاحیت فرامرزی در غیاب کشف عامل یا متعاون وقایع مجرمانه صلاحیت ندارد». وی در نتیجه‌گیری خود افزود از آن‌جا که شرایط ضروری ماده ۲-۱۲۱قانون جزا برآورده نشده است، در نتیجه گشودن یک پرونده رسیدگی برای وقایع تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران عملاً و به‌لحاظ حقوقی پایه‌یی ندارد».

ویلیام بوردون، در کنفرانسی به تاریخ ۳۰اردیبهشت ۱۳۸۳، گفت: «آن‌چیزی که در ماه آوریل۲۰۰٤ اتفاق افتاد که دادسرای پاریس یک تحقیقات را درباره یک عملیات نظامی، تأکید می‌کنم، اکیداً نظامی که در تاریخ ٥فوریه۲۰۰۰ توسط سازمان مجاهدین خلق در ایران صورت گرفته آغاز کرده است، بسیار وخیم می‌باشد. تصور می‌کنم که در اینجا یک بندبازی حقوقی باورنکردنی و بی‌سابقه‌یی مطرح می‌شود که دادسرای پاریس به آن دست زده است» وی افزود گشودن این تحقیقات در حالیست که «دادسرای پاریس از ۱۵سال پیش تاکنون به‌طور مستمر به تمامی قربانیان شکنجه که در خواست دستگیری مظنونین به ارتکاب این رفتار را کرده‌اند» عملاً پاسخ منفی داده است«اما از چند هفته پیش تا کنون چه اتفاقاتی می‌افتد؟ با استناد به عملیات نظامی که مسئولیت آن توسط سازمان مجاهدین خلق ایران به‌عهده گرفته شده است دستور یک تحقیقات قضایی داده می‌شود؟»

پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، در این کنفرانس گفت: «قربانیان چه کسانی هستند؟ آیا آنها قربانیان شورای ملی مقاومت هستند یا قربانیان رژیم کنونی ایران؟ پاسخ قطعاً جای بحث زیادی ندارد. آن‌چه به‌طور خاص تکاندهنده است، نوعی همدستی عینی از جانب مسئولان فرانسوی با مسئولان ایرانی در رفتارشان با شورای ملی مقاومت ایران می‌باشد».

در همین کنفرانس دیدیه روبو، استاد حقوق گفت: «آیا می‌توان هنگامی که با ارتکاب یک جرم در خاک اسپانیا، ایتالیا، انگلیس یا فرانسه روبه‌رو هستیم، این قانون را به همان نحو اعمال کنیم که در قلمرو یک دیکتاتوری به‌وقوع می‌پیوندد؟ و الا نتیجه این خواهد بود که با به‌کارگیری قوانین ضدتروریستی، هرگونه اقدام ناشی از مقاومت در برابر یک رژیم خودکامه را ممنوع کنیم... این‌جاست که باید طبیعت عملیات مورد ارزیابی قرار گیرد. این بسیار واضح است که عملیات کور و عملیات علیه غیرنظامیان بایستی به‌عنوان عملیات تروریستی تلقی شوند».

مقاومت ایران از شرکت در دادگاه بین‌المللی و هر دادگاه بیطرفی استقبال می‌کند

مقاومت ایران با یادآوری این حقیقت که سردمداران رژیم آخوندی به‌خاطر اعدام و قتل‌عام ۱۲۰هزار زندانی سیاسی، کشتار و اعمال تبعیضهای وحشیانه علیه اقلیتهای قومی و مذهبی و ٤٥٠عملیات تروریستی در سراسر جهان از مصادیق بارز مجرمین علیه بشریت هستند و می‌بایست در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شوند، تأکید می‌کند تلاشهای مذبوحانه این رژیم برای پرونده‌سازی علیه مجاهدین نه‌تنها به هیچ‌جایی نخواهد رسید بلکه اراده مردم ایران برای سرنگونی این رژیم را جزم‌تر می‌کند.

مقاومت ایران از شرکت در دادگاه بین‌المللی و هر دادگاه بی‌طرف دیگری که از انگیزه‌های مماشات‌گرایانه سیاسی تهی باشد، به‌غایت استقبال می‌کند و هموطنان خود را به آمادگی تمام‌عیار برای ارائه اسناد و شواهد معتبر فرامی‌خواند. بی‌گمان فاشیسم مذهبی خود در چاهی خواهد افتاد که گمان می‌کند برای اپوزیسیون خود و مقاومت عادلانه مردم ایران کنده است!

دیدار دو تن از اعضای سنای بلژیک با رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران

فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران و لیگ حقوق بشر اعلام کردند:

دادگستری فرانسه نبایستی با رژیم ایران همکاری کند

کلیشه شماره ۱

سندیکای قضات فرانسه سرفرود آوردن دادسرای ضدتروریستی در مقابل رژیم آخوندی را افشا می‌کند

Le Monde

کلیشه شماره۲

فیگارو: در موضوع ایران زمان دارد از دست می‌رود

LE FIGARO

روزنامه فرانسوی فیگارو در سرمقاله ۲۷شهریور خود تحت عنوان «ایران: زمان دارد از دست می‌رود» هشدار داد: در موضوع ایران، زمان دارد از دست می‌رود. تهران از تعلیق فعالیتهایش در زمینه غنی‌سازی اورانیوم سرپیچی می‌کند و در ماههای اخیر برنامه هسته‌یی‌اش را تسریع کرده است. تا آن زمان که جمهوری اسلامی به بمب اتمی دست پیدا بکند ما چندین سال فاصله نداریم بلکه فقط یک، دو یا سه سال فاصله داریم. برای متوقف‌کردن این شمارش معکوس و برای پرهیز از دو «آلترناتیو فاجعه‌بار» که عبارتند از «دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی یا جنگ علیه این رژیم» حتی هفته‌ها هم مهم هستند و باید به حساب بیایند...

فیگارو ادامه می‌دهد: رژیم ایران اکنون منزوی است و به‌سختی می‌تواند چرخهای اقتصادش را به گردش دربیاورد. باید فشار را بر روی این رژیم حفظ کرد. ولی در سازمان ملل تضمینی وجود ندارد که قطار جدیدی از مجازاتها به تصویب برسند. مشکل در این‌جاست که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران یک مهلت چند ماهه داده تا آن کشور توضیحاتی را در مورد فعالیتهای هسته‌یی مشکوکش ارائه بدهد. رئیس این آژانس، آقای البرادعی، اسباب رضایت تهران را فراهم کرده تا بازرسان آن آژانس بتوانند در میدان باقی بمانند. او به‌رژیم ایران چند ماه مهلت داده تا در این زمینه پاسخ بدهد. درطول این مهلت، حصول اتفاق نظر در شورای امنیت برای تصویب یک قطعنامه جدید دشوار خواهد بود.

فیگارو در سرمقاله خود می‌افزاید:

به‌منظور حفظ فشار بر روی ایران، فرانسه تلاش می‌کند که مجازاتهایی در خارج از کادر سازمان ملل از سوی اتحادیه اروپا به اجرا گذاشته شوند. این تدابیر مکمل تدابیر اتخاذ شده توسط آمریکا خواهند بود و رژیم تهران را بسیار تحت فشار قرار خواهند داد زیرا این مجازاتها مانع از دسترسی اقتصاد ایران به‌سیستم مالی بین‌المللی می‌شوند. برای نشان‌دادن راه، پاریس از شرکتهای فرانسوی خواسته است که سرمایه‌گذاریهای خود در ایران را متوقف کنند...

سخت‌ترشدن موضع فرانسه، در واژه‌های به‌کاربرده‌شده نیز مشهود هستند. برنارد کوشنر بدون آن‌که تردیدی به‌خود راه بدهد وضعیت را بسیار وخیم توصیف کرد و گفت که اگر تهران همواره از تعلیق برنامه هسته‌یی‌اش سرپیچی کند باید خود را برای بدترین سناریو یعنی برای جنگ آماده کنیم.

هدف این نیست که وضعیت را به‌سوی تقابل سوق بدهیم، بلکه هدف این است که افکار عمومی را بیدار کنیم تا همه متوجه شوند که اوضاع وخیم است.

در مورد فرضیه‌یی که کوشنر به آن اشاره کرد نباید توهمی داشته باشیم. بیهوده است که نسبت به این فرضیه، بی‌توجه باقی بمانیم. چنین فرضیه‌یی کاملاً وجود دارد.

شکست در عراق می‌تواند آمریکا را به این فکر بیندازد که به ایران حمله بکند تا نشان بدهد که توانایی استراتژیک آن کشور به اتمام نرسیده است. به‌جای این‌که این واقعیت را انکار کنیم بهتر است خود را برای این احتمال آماده کنیم تا بهتر بتوانیم از این احتمال پرهیز کنیم.

سازمان مجاهدین با استقبال از بازگشایی پرونده صیاد شیرازی، از قضاییه فرانسه خواست پرونده لاجوردی جلاد اوین را هم به پرونده صیاد شیرازی بیفزاید

سازمان مجاهدین خلق ایران، بار دیگر با استقبال اکید از بازگشایی پرونده سرلشگر بسیجی صیاد شیرازی، قاتل مجاهدین در عملیات فروغ جاویدان، جلاد مردم کردستان، عامل تصفیه و اعدام پرسنل مردمی ارتش و جانشین رئیس ستاد کل قوای مسلح فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، از قضاییه فرانسه خواست وقت کافی برای استماع کلیه شهود در دادگاه در نظر بگیرد و برای سهولت در کار دادگاه، پرونده لاجوردی جلاد اوین را هم به پرونده صیاد شیرازی بیفزاید

فراخوان مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران از اشرف برای آمادگی هموطنانمان به‌منظور شرکت و ارائه اسناد و شهود در پرونده صیاد شیرازی و جلب ۱۳تن از سردمداران رژیم به این دادگاه در فرانسه یا هر کشور اروپایی دیگر با موج گسترده استقبال هموطنانمان مواجه شد.

از سوی دیگر سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو، با یادآوری فرصت بسیار ارزنده‌یی که بازگشایی پرونده سرلشگر بسیجی صیاد شیرازی، قاتل مجاهدین در عملیات فروغ جاویدان، جلاد مردم کردستان، عامل تصفیه و اعدام پرسنل مردمی ارتش و جانشین رئیس ستاد کل قوای مسلح فاشیسم مذهبی فراهم می‌کند، از قضاییه فرانسه خواست وقت کافی برای استماع کلیه شهود در دادگاه در نظر بگیرد و برای سهولت در کار دادگاه، پرونده لاجوردی جلاد اوین را هم به پرونده صیاد شیرازی بیفزاید.

سخنگوی مجاهدین هم‌چنین از قضاییه فرانسه خواست، برای سهولت در رفت‌وآمد شهود، پرونده بیت‌العنکبوت خامنه‌ای و هم‌چنین پرونده آدمربایی منوچهر متکی وزیر خارجه آخوندها نیز در همین دادگاه مورد بررسی قرار بگیرد.

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو تأکید کرد، هم‌چنین سه شاهد زنده آدمربایی و تروریسم رژیم آخوندی در ترکیه، آقایان ابوالحسن مجتهدزاده، محمد محدثین و حسین عابدینی و هم‌چنین خانواده شهید زهرا رجبی عضو شورای رهبری مجاهدین و مجاهدان شهید علی مرادی و علی‌اکبر قربانی باید در دادگاه مورد استماع قرار بگیرند.

یادآوری می‌کنیم روز چهارشنبه گذشته خانم صدیقه حسینی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، اعلام کرد: ۱۳تن از سردمداران رژیم آخوندی بایستی به این دادگاه جلب و در برابر انظار بین‌المللی مورد استماع قرار بگیرند: ولی‌فقیه ارتجاع، ۳رئیس‌جمهور این رژیم، ۳سرکرده سابق و لاحق سپاه پاسداران، سرکرده نیروی تروریستی قدس، ٤وزیر گشتاپوی آخوندها: آخوند فلاحیان، آخوند دری نجف‌آبادی، آخوند یونسی، آخوند اژه‌ای و هم‌چنین سردژخیم مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور آخوندها، از مسئولان قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی درسال۱۳٦۷.

در پی ادعای رژیم آخوندی مبنی بر بازگشایی پرونده دژخیم صیاد شیرازی

خواهر مجاهد مژگان پارسایی، جانشین رهبری مقاومت در اشرف، آمادگی ۳۵۰۰ مجاهد خلق را برای شرکت و شهادت‌دادن در هر دادگاه بین‌المللی اعلام نمود

ولی‌فقیه ارتجاع، تفاوت فرانسه امروز با فرانسه در زمان شیراک و تفاوت عراق با فرانسه را نادیده گرفته و از یاد برده است که در هرکجا و در هرشرایطی که هنوز یک قطره قانون و یک ذره آزادی و وجدان وجود دارد، مقاومت ایران پیروز می‌شود.

• علاوه بر این، آخوندها هرگز گمان نمی‌کردند که مجاهدین، به‌ویژه در فاز انحلال و سرنگونی رژیم به‌گونه‌یی تمام‌عیار، خواهان و در انتظار بازگشایی این پرونده‌ها باشند

خواهر مجاهد مژگان پارسایی، جانشین رهبری مقاومت در اشرف، آمادگی ۳۵۰۰مجاهد خلق را برای شرکت و شهادت‌دادن در هر دادگاه بین‌المللی در فرانسه یا هر کشور دیگر اروپایی که براساس حقوق بین‌الملل و موازین جهان‌شمول قضایی تشکیل شود، اعلام نمود.

جانشین رهبری مقاومت، ترس و وحشت سران رژیم آخوندی را در پی درخواست مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برای حضور ۱۳تن از سردمداران رژیم در این دادگاه، اشتباه محاسبه جدی فاشیسم مذهبی در ارزیابی وضعیت کنونی بین‌المللی توصیف کرد

خانم پارسایی گفت: ولی‌فقیه ارتجاع، تفاوت فرانسه امروز با فرانسه در زمان شیراک و تفاوت عراق با فرانسه را نادیده گرفته و از یاد برده است که در هرکجا و در هرشرایطی که هنوز یک قطره قانون و یک ذره آزادی و وجدان وجود دارد، مقاومت ایران پیروز می‌شود.

علاوه بر این، آخوندها هرگز گمان نمی‌کردند که مجاهدین، به‌ویژه در فاز انحلال و سرنگونی رژیم، به‌گونه‌یی تمام‌عیار، خواهان و در انتظار بازگشایی این پرونده‌ها باشند.

رژیم آخوندی که از موضعگیری مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران درباره بازگشایی پرونده صیاد شیرازی و ضرورت استماع از ۱۳سردمدار خبیث رژیم در همین دادگاه، غافلگیر شده است، در یک واکنش پیمناک و دردآلود، مجاهدین و رهبری مقاومت را به‌مغلطه»، «سفسطه»، «جنایت‌کاری در برابر قانون فرانسه»، «جعل» و «سوءاستفاده از برخی قوانین فرانسه»، متهم کرد.

رجوی در ترفندی ضدانسانی و کثیف، با صدور بیانیه، از جانب صدیقه حسینی از عراق، برای شرکت در دادگاه اعلام آمادگی کرده است.

رژیم آخوندی،زبونانه از کلیه شکایتهایش از مجاهدین در فرانسه عقب‌نشینی نموده و مقاومت ایران را متهم به جعلیاتی کرده است که هیچ مبنایی در عالم واقع ندارد! نخستین جعل مجاهدین و مقاومت ایران به روایت دیدبان ارتجاع این است که شاکی خصوصی پرونده صیاد شیرازی و لاجوردی را نادیده گرفته و ادعا کرده‌اند «شکایتها از جانب رژیم ایران به‌عمل آمده است»!

دیدبان نظام می‌افزاید: این اعمال از نظر حقوقی و قضایی و بر اساس قوانین بین‌الملل، اعمالی مجرمانه هستند و در جریان یک رسیدگی غیرسیاسی و عادلانه، بدون شک عدالت درباره آمران و عاملان آن جنایات باید اجرا شود.

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو، با تشکر غلیظ از ولی‌فقیه و دیدبان ارتجاع که سرانجام برای نخستین‌بار پذیرفت که اعمال مجرمانه باید مورد رسیدگی عادلانه قرار بگیرد و عدالت بدون شک بایستی در باره آمران و عاملان جنایات به اجرا درآید، گفت: با خوشقتی از این میزان چرخشمداری و عدالت محوری، خواهشمند است ۱۳سردمدار خبیث نظام، خود را به دادگاه بین‌المللی معرفی نمایند و اگر امکانپذیر است جلادان و دژخیمانی را که با جرائقال به اعدام جوانان در خیابانها اشتغال دارند نیز با خود به دادگاه بیاورند.

در غیراین‌صورت، عدالت، ناگزیر روزی در داخل ایران و توسط مردم ایران به اجرا در می‌آید. روزی که جرائقلهای نظام دیگر کمک کارتان نخواهد بود.

اعلام جرم و دادخواهی چند شاهد از شهر اشرف علیه ۱۳ سردمدار جنایتکار رژیم آخوندی

در پی تأکید خواهر مجاهد مژگان پارسایی، جانشین رهبری مقاومت در اشرف، بر آمادگی ۳۵۰۰مجاهد خلق برای شهادت در هر دادگاه بین‌المللی علیه جنایات ۱۳تن از سردمداران رژیم آخوندی، شماری از شاهدان قتل‌عامهای وحشیانه سال۱۳۶۷ در زندانهای رژیم در شهر اشرف، شکایتنامه‌های خود را تنظیم و ارائه کردند.

اکبر صمدی که مدت ۱۰سال را در زندانها و شکنجه‌گاههای مخوف رژیم آخوندی گذرانده و از نزدیک شاهد قتل‌عام همسلولیهایش توسط دژخیمانی که هم‌آکنون نیز در بالاترین مقامهای رژیم آخوندی قرار دارند، بوده، در بخشی از نامه خود نوشته است:

شکایتنامه مجاهد خلق اکبر صمدی

«این جانب اکبر صمدی که از اول مرداد سال ۱۳۶۰ تا تیر سال ۱۳۷۰ در زندانهای اوین، قزلحصار و گوهردشت، شخصاً شاهد اعدام شمار بسیاری از همبندان و همسلولیهای خود در مردادماه۱۳۶۷ بودم. خودم در روزهای ۱۲، ۱۵ و ۲۲مرداد با هیأت مرگ روبه‌رو شدم و روز ۱۸مرداد به‌طور جداگانه احضار و توسط آخوند شوشتری و آخوند مصطفی پورمحمدی مورد سؤال قرار گرفتم و برای آخرین‌بار روز ۵شهریور۱۳۶۷ به سالن مرگ برده شدم. شخصاً شاهد بودم که با چند سؤال، زندانیانی که اغلب مدت زندانشان پایان یافته یا رو به اتمام بود را به سالنی می‌فرستند تا حلق‌آویز شوند. کار این هیأت، قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی در زندانهای تهران و شهرستانها بود که بی‌وقفه ادامه داشت.

گرچه مشاهدات من به‌طور مشخص به تعدادی از سردمداران جانی رژیم مربوط می‌شود، اما می‌خواهم به‌عنوان شاهدی به‌نمایندگی از بسیاری از خانواده‌های مجاهدین قتل‌عام شده، با کمک مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، علیه ۱۳سردمدار جنایت در رژیم آخوندی اعلام جرم و دادخواهی کنم.

من به‌طور مشخص علیه آخوند مصطفی پورمحمدی، وزیر فعلی کشور که در سال۶۷ یکی از اعضای هیأت سه نفره صدور احکام مرگ برای هزاران زندانی سیاسی بود و دو نفر دیگر آخوند خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت و آخوند رفسنجانی رئیس مجلس ارتجاع در سال۶۷، که جزء ۱۳سردمدار خبیث از آمران و عاملان قتل‌عام هولناک مرداد۶۷ بودند، شکایت دارم. از نظر من در پیشگاه عدالت محض، هر شخص یا جریانی که با هریک از این سیزده تن یا حاکمیت آنان به مذاکره و معامله بنشیند در جرم هولناک نسل‌کشی سهیم و تأیید‌کننده آنست».

اکبر صمدی اسامی و مشخصات نزدیک به ۳۰۰تن از زندانیان و همبندانش را که طی ۱۰سال اسارتش توسط دژخیمان رژیم آخوندی به شهادت رسیدند، به همراه این شکایت نامه ضمیمه کرده است.

شکایتنامه مجاهد خلق حسین فارسی

حسین فارسی که از تیرماه سال ۱۳۶۰ تا آذرماه سال ۱۳۷۲ در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم آخوندی در اسارت بوده، در شکایت نامه خود ضمن برشمردن موارد متعددی از جنایات هولناک سردمداران خبیث رژیم آخوندی که خود شاهد آنها بوده، نوشت:

«طی ۱۲سالی که در زندانهای اوین، گوهردشت و قزلحصار بودم شخصاً شاهد صدور احکام زندانیان توسط چندتن از سران رژیم که به هیأت مرگ شهرت داشتند، بودم. آخوند مصطفی پورمحمدی، نماینده اطلاعات آخوندها در این هیأت بودکه درحال‌حاضر وزیر کشور کابینه پاسدار احمدی‌نژاد است. رأی به اعدام زندانیان سیاسی پس از چند سؤال و به‌مجرد تأکید فرد بر هواداری از مجاهدین، صادر می‌گردید. کار این هیأت تا ماهها، قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی در زندانهای تهران و شهرستان بود.

ازجمله کسانی‌که در این مقطع اعدام شدند: ابوالقاسم محمدی ارزنگی، معبود سکونی، محمود میمنت، محمدرضا عباسی، امیرمهران بی‌غم و دهها زندانی دیگر که از همبندان خودم بودند.

حسین فارسی هم‌چنین در شکایت نامه خود به کارنامه سراسر جنایت محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات کنونی رژیم اشاره کرده و نوشته است که این دژخیم قبل از قتل‌عامها نیز احکام شکنجه‌های ضدانسانی را صادر می‌کرده است.

شکایتنامه مجاهد خلق محمود رؤیایی

محمود رؤیایی زندانی سیاسی از شهریور۱۳۶۰ تا خرداد۱۳۷۰ که در زندانهای اوین، قزل‌حصار و گوهردشت در اسارت بوده، در شکایتنامه خود از سه تن از سران رژیم آخوندی، که دست اندرکار صدور احکام زندانیان سیاسی در سال۱۳۶۷ بودند، نام برده است. وی اسامی این سه تن را مصطفی پورمحمدی وزیر کشور، محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات احمدی‌نژاد و محمدی ریشهری وزیر اسبق اطلاعات رژیم مجاهدین در داخل کشور، از هر موضعی رضایت داده و شهود و اسناد مربوطه را پذیرد، این دادگاه به همان چیزی که رژیم آخوندی به‌شدت از آن می‌ترسد، یعنی محاکمه تمامیت رژیم پلید ولایت‌فقیه و سردمداران خبیث آن تبدیل می‌شود و رژیم آخوندی می‌تواند این را تعهد اکید مجاهدین نسبت به خودش محسوب کند. تعهدی که در آن هیچ شبهه و شکافی نخواهد یافت.

ثانیاً: آخوندها تا دیروز می‌گفتند که استکبار جهانی اطلاعات منفور آخوندی با درماندگی و خشم و کین بسیار علیه مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، درباره جلب ۱۳سردمدار خبیث فاشیسم مذهبی به دادگاه صیاد شیرازی، نوشت: خانم صدیقه حسینی چنان از این دادگاه استقبال کرده که گویا قرار است دادگاه برای رسیدگی به اعمال فرد تروریست دیگر تشکیل شود و اعلام کرده که این دادگاه لازم است اما کافی نیست و باید به اعمال باقی تروریست‌ها توسط سازمان هم رسیدگی شود!

اطلاعات آخوندها روز ۳شهریور، در یک سایت شناخته‌شده مزدوران خود، به‌نحو ابلهانه‌یی نوشت: فرمان قتل صیاد شیرازی، به‌دستور مخابرات صدام و حزب بعث عراق انجام شده و عامل آن را هم مجاهدین خودشان به‌کشتن دادند تا تنبیه شود!

وانگهی، انتظار این بود که مجاهدین یا در مقابل برگزاری دادگاه صیاد شیرازی در فرانسه اعلام می‌کردند بله ما او را ترور کردیم و باز هم این‌کار را در مورد بقیه خواهیم کرد/ یا سکوت و تکذیب می‌کردند و می‌گفتند ما این‌کار را نکردیم و این یک کار خودسرانه بوده است!

اطلاعات بدنام آخوندی می‌افزاید: اما سازمان مجاهدین هیچ‌کدام از این دو موضع را نگرفته و آن‌چنان از این دادگاه استقبال کرده که گویا قرار است دادگاهی برای رسیدگی به اعمال صیاد شیرازی تشکیل شود! کسی چه می‌داند، شاید این سیاست همان سیاست سازمان برای رهایی از حکم این دادگاه باشد!

درماندگی و خشم رژیم در قبال استقبال مجاهدین از تشکیل دادگاه

دادگاه صیاد شیرازی به صحنه محاکمه تمامیت رژیم آخوندی تبدیل می‌شود

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین، سرگیجه و ازدست‌رفتن تعادل سردمداران و اطلاعات و مزدوران نظام در این موضوع را به مصداق اسگ داند و پینه دوز که در انبان چنین دادگاهی چیست؟» بسیار قابل‌فهم توصیف کرد و افزود: اولاً: اگر دادستانی فرانسه یا هر کشور دیگری به برگزاری یک دادگاه در مورد صیاد شیرازی و لاجوردی و سایر عملیات ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور، از هر موضعی رضایت داده و شهود و اسناد مربوطه را پذیرد، این دادگاه به همان چیزی که رژیم آخوندی به‌شدت از آن می‌ترسد، یعنی محاکمه تمامیت رژیم پلید ولایت‌فقیه و سردمداران خبیث آن تبدیل می‌شود و رژیم آخوندی می‌تواند این را تعهد اکید مجاهدین نسبت به خودش محسوب کند. تعهدی که در آن هیچ شبهه و شکافی نخواهد یافت.

ثانیاً: آخوندها تا دیروز می‌گفتند که استکبار جهانی مسئول کیفرپافتن لاجوردی و صیاد شیرازی و دیگر مهره‌ها و خرمهره‌های رژیم آخوندی است، اکنون می‌گویند این کارها دستور صدام و بعث و مخابرات عراق بوده اما از دست مجاهدین به فرانسه و انگلیس و چین و ماچین و استرالیا و آمریکا و کانادا و آلمان و ایتالیا و سایر کشورها شکایت می‌کنند! خواهشمند است ۱۳سردمدار خبیث رژیم ولایت، برای رفع شبهه بین استکبار جهانی و بعث عراق که بالاخره به‌دستور کدامیک از آنها لاجوردی و صیاد شیرازی و امثال آنها کیفر یافته‌اند، هرچه سریعتر برای حضور در دادگاه بین‌المللی، اعلام آمادگی نمایند و از این هم که دادگاه چه حکمی در باره مجاهدین خواهد داد، افسرده و نگران نباشند و دچار قولنج رأفت اسلامی نشوند! زیرا که مجاهدین به داغ و درفش و اعدام و شکنجه و «مهرورزیهای» امام باطل راحل و دم و دنبالچه‌های او عادت دارند.

اعلام آمادگی چهار تن دیگر از مجاهدان مستقر در اشرف، شاهدان جنایت قتل‌عام برای ادای شهادت در دادگاه

در پی فراخوان مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برای ارائه اسناد و شهود در مورد جنایات ۱۳تن از سردمداران رژیم آخوندی، شماری از زندانیان سیاسی مستقر در اشرف که سالها در زندانها و شکنجه‌گاههای این رژیم بوده و خود شاهد جنایات بیشمار دژخیمان ازجمله قتل‌عام سیعانه زندانیان سیاسی در سال۱۳۶۷ بودند، طی نامه مشترکی به کمیته بین‌المللی حقوقدانان، آمادگی خود را برای دادن شهادت در مورد این جنایات اعلام کردند.

متن نامه مشترک این زندانیان سیاسی از این قرار است:

ما امضاکنندگان این نامه که سالها به‌دلیل فعالیتهای سیاسی و هواداری از مجاهدین در زندانهای مختلف رژیم آخوندی بوده و هم‌اکنون ساکن شهر اشرف هستیم، در پاسخ به فراخوان مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، بدین‌وسیله مشاهدات خود را درباره جنایات سیزده تن از سران و سردمداران خبیث رژیم مکتوب نموده و آمادگی خود را برای ادای گواهی نزد مراجع بین‌المللی، درمورد جنایاتی که طی سه دهه توسط دیکتاتوری آخوندی علیه مردم ایران اعمال شده است، اعلام میداریم. گواهی ما به‌طور خاص مبتنی بر مشاهداتمان از جنایات سردمدران رژیم آخوندی در داخل زندانهاست که طی یک دهه اسارت خود از نزدیک با آن مواجه بوده و لمس نموده‌ایم. ازجمله همگی ما گواه یکی از هولناکترین وقایع تاریخ ایران در سال۱۳۶۷ بودیم. شاهد قتل‌عام سی هزار زندانی سیاسی در زندانهای تهران و شهرستانها که در یک مقطع کوتاه صورت گرفت. جنایتی که توسط بالاترین رده حاکمان فعلی ایران به‌طور مباشر یا معاونت در جرم صورت گرفت. زندانیان سیاسی اعدام شده سپس به‌گورهای جمعی در محلهای نامعلوم منتقل شدند که به‌جز چند نقطه، بقیه تاکنون کشف‌ناشده باقی مانده است.

شهادت ما شامل مشاهدات مشترکمان از زندانهای سارى، اوین، گوهردشت، قزل‌حصار و همچنین شنیده‌هایمان از سایر زندانیان سیاسی از شهرها و زندانهای سراسر ایران می‌باشد.

گواهی از ماوقع قتل‌عام در زندانهای ساری توسط این‌جانب حسین سروآزاد است که ۱۰سال به‌عنوان زندانی سیاسی محبوس بودم و در مقطع سال۶۷ در زندان ساری شاهد اعدام اکثر قریب به‌اتفاق زندانیان سیاسی در فاصله کمتر از چند روز بودم به‌طوری‌که از مجموع زندانیان سیاسی استان مازندران تنها ۷ نفر باقیماندند.

گواه قتل‌عام زندانیان سیاسی در زندانهای گوهردشت، اوین و قزل‌حصار، محمد زند، محمد کریمی راهجردی و محمد سرخیلی هستیم. من محمد زند یازده سال را به‌عنوان زندانی سیاسی در زندانهای مختلف گذراندم. برادر بزرگترم رضا زند، درحالی‌که هفت سال از محکومیت دهساله خود را گذرانده بود، در سالن حسینیه زندان گوهردشت با حکم هیأت مرگ که وزیر کشور فعلی یکی از اعضای مؤثر آن بود حلق‌آویز گردید.

اینجانب محمدسرخیلی نیز خود شاهد صدور حکم اعدام زندانیان سیاسی به‌خاطر جواب یک سؤال بودم. هرکس هویت مجاهدی خود را بیان می‌کرد در کمتر از چند دقیقه به‌عنوان محارب به‌محل اعدام منتقل و حلق‌آویز می‌شد.

من، محمد کریمی راهجردی که در سن ۱۷سالگی به‌دلایل سیاسی دستگیر و ۷سال در زندان بودم. در مقطع قتل‌عام زندانیان سیاسی در زندان بدنام اوین شاهد حلق‌آویز زندانیان سیاسی توسط احکام هیأت مرگ بودم که گروه گروه زندانیان سیاسی را بدون هیچ دلیل، بدون هیچ جرم و بدون هیچ محاکمه و وکیل و بدون دارابودن حق دفاع به زیرزمین بند۲۰۹ این زندان برای اعدام می‌فرستادند. گواهی ما در مورد جنایاتی است که تصمیم آن توسط بالاترین سران رژیم آخوندی شامل ۱۳عنصر خبیث ازجمله شخص خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، آخوند ریشهری، آخوند محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات و آخوند پورمحمدی، وزیر کشور کابینه احمدی‌نژاد می‌باشد. این جنایتکاران نه‌تنها در صدور حکم اعدام، بلکه در اجرای آن دست و نقش داشتند .

محمد سرخیلی ـ محمد کریمی راهجردی ـ حسین سرو آزاد

ـ رونوشت به کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و مراجع بین‌المللی ذیربط

شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی اعدام شده در جریان قتل‌عام سال۱۳۶۷، آمادگی خود را جهت ادای گواهی نزد مراجع قضایی و مجامع بین‌المللی در مورد سیزده تن از سران خبیث و جنایتکار رژیم آخوندی اعلام نمودند. آنان که همگی از ساکنان شهر اشرف می‌باشند، به‌دنبال فراخوان خانم مژگان پارسایی، جانشین رهبری مقاومت در شهر اشرف، با تنظیم متون و شهادتنامه‌های جداگانه‌یی اعلام داشتند که تعدادی از سران کنونی رژیم آخوندی به‌طور مستقیم یا به سبب موقعیت شغلی خود در مقطع اعدام عامی هزار زندانی سیاسی، در قتل‌عام زندانیان سیاسی آمر یا معاون بوده‌اند.

علی تهوّری که سه خواهر و یک برادرش توسط دژخیمان خبیث اعدام شده‌اند، طی سند تکاندهنده‌یی نحوه به‌شهادت‌رساندن آذر، ناهید و مجید تهوّری را که در عنفوان جوانی در راه آزادی مردم ایران جان باختند، بازگو کرده است. وی در این سند به‌طور مشخص علیه خامنه‌ای، رفسنجانی، ریشهری، محسنی اژه‌ای و آخوند مصطفی پورمحمدی که رأساً در صدور حکم اعدام مجاهد شهید لیلا تهوّری مباشرت داشتند اعلام جرم نموده و اظهار می‌دارد: «لیلا نوجوان ۱۷ساله جزء زندانیان سیاسی بود که در سال۶۷ توسط هیأت مرگ رژیم آخوندی در زندان اوین حلق‌آویز شد. این حکم توسط دژخیمان شناخته‌شده ازجمله پورمحمدی، وزیر کنونی کشور رژیم و محسنی اژه‌ای، وزیر کنونی اطلاعات رژیم که در آن زمان جزء هیأت مرگ بودند، بی‌دلیل و بدون محاکمه صادر و بلافاصله اجرا گردید».

قدرت‌الله غلامی نیز در شکوابیه مشابهی از شهادت برادرانش حجت‌الله و محمدنقی غلامی توسط سران خبیث رژیم آخوندی ادای گواهی و تأکید می‌کند که هر دو به‌خاطر هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران دستگیر و روانه زندان شده بودند. وی می‌نویسد: «محمدنقی در سال۶۰ دستگیر و به‌فاصله کوتاهی در زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا جان باخت. حجت‌الله برادر دیگرم نوجوانی بود که در سال۶۰ دستگیر و به ۱۰سال زندان محکوم شده بود، او را پس از گذراندن ۷سال در دوران محکومیتش در پی یک سؤال و جواب چند دقیقه‌یی در زندان اوین حلق‌آویز کردند. این جنایت توسط هیأت مرگ که ازهای وزیر فعلی اطلاعات رژیم، پورمحمدی وزیر کشور کابینه احمدی‌نژاد و رئیسی، معاون کنونی قوه قضائیه رژیم در آن شرکت داشتند، عملی گردید. خانواده غلامی تنها توانستند چند قطعه لباس او را به‌علامت شهادت فرزندشان از زندان دریافت کنند. سران خبیث رژیم هزاران زندانی سیاسی قتل‌عام‌شده را در گورهای جمعی، به‌طور مخفیانه و بزدلانه به خاک سپرده یا به‌طرق دیگر سربه‌نیست کردند.

حمزه سخایی از شهر اشرف، در مورد اعدام مجاهدین شهید اسدالله سخایی، منصور سخایی و اسماعیل سخایی، که هر سه زندانیان سیاسی در زندان عادل‌آباد شیراز بودند، ادای گواهی کرده و از گورهای ناشناخته جمعی در شهر و اطراف شیراز به‌عنوان محل دفن این شهدا یاد می‌کند. وی سردمداران رژیم و به‌خصوص اعضای هیأت مرگ و سران اصلی رژیم در آذرماه۱۳۶۷ ازجمله خامنه‌ای جنایتکار، رفسنجانی، محسنی اژه‌ای و مصطفی پورمحمدی را به‌عنوان آمر و مباشر قتل‌عام زندانیان اعلام و معرفی کرده و خواهان محاکمه و مجازات آنان شده است.

اطلاعیه‌های دبیرخانه شورای ملی مقاومت

۳زندانی در اهواز اعدام شدند در ۹ماه اول امسال بیش از ۲۵۰تن توسط رژیم آخوندی به‌دار آویخته شدند

به‌گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا رژیم ضدبشری آخوندی روز ۲۲شهریور ماه، ۳زندانی را در اهواز به اتهام «بمبگذاری» اعدام کرد.

دادستان جنایتکار اهواز، موسی پیرایی، گفت: «تعداد دیگری از عوامل بمبگذاری در نوبت اعدام» هستند.

به این ترتیب شمار زندانیان اعدام شده از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون از ۲۵۰تن بیشتر می‌شود. در میان اعدام‌شدگان و محکومان به اعدام، شماری از زندانیان سیاسی به‌چشم می‌خورند که تحت عنوان جرائم عادی محاکمه می‌شوند. ازجمله می‌توان به اعدام آقایان فاضل رمضانی وحاج مراد محمدی در ۷مرداد، اعدام آقایان مجید و حسین کاووسی‌فر در ۱۱مرداد و اعدام آقای عبدالرسول قربانژاده در ۱۴شهریور، اشاره کرد.

رژیم آخوندی با تشدید موج اعدامهای وحشیانه در سراسر ایران مذبوحانه تلاش می‌کند تا از گسترش خیزشهای اجتماعی و از سقوط محتوم خود جلوگیری کند.

اهواز و دیگر شهرهای خوزستان، طی سه سال گذشته صحنه خیزشها و اعتراضهای ضدحکومتی مردم محروم این استان، به‌ویژه هموطنان عرب‌زبان بوده است. مردمی که از سرکوب گسترده، فقر شدید و تبعیض وحشیانه، به‌ستوه آمده‌اند. در جریان این خیزشها شمار زیادی از جوانان کشته و شمار بیشتری دستگیر شدند. دژخیمان، اجساد برخی از دستگیرشدگان را که پس از شکنجه‌های وحشیانه به‌قتل رسانده بودند، در نزدیکی منازلشان رها کرده بودند.

مقاومت ایران دیرکل، شورای امنیت، کمیسر عالی حقوق بشر و شورای حقوق بشر ملل متحد و دیگر سازمانها و مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به اقدام فوری برای ممانعت از روند فزاینده اعدامها فرامی‌خواند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۷شهریور۱۳۸۶ (۱۸سپتامبر۲۰۰۷)

تنها در زندان بندرعباس ۴۶تن به‌دستور مستقیم پورمحمدی جنایتکار، اعدام و تیرباران شدند

در پی فراخوان مقاومت ایران برای گردآوری مدارک و اسناد مربوط به جنایات ۱۳تن از سردمداران رژیم آخوندی به‌منظور ارائه به دادگاههای بین‌المللی، لیست اسامی و مشخصات ۴۶تن از کسانی که به‌دستور مستقیم پورمحمدی، از آمران جنایتکار قتل‌عام ۳۰هزار زندانی، تیرباران شده‌اند به‌دست آمد.

این لیست شامل اسامی و مشخصات ۴۶تن از کسانی است که به‌دستور مستقیم پورمحمدی جنایتکار، تنها در زندان بندرعباس اعدام و تیرباران شدند. این دژخیم از سال۱۳۵۸ تا سال۱۳۶۵ دادستان رژیم در بندرعباس، خوزستان، کرمانشاه و مشهد بود و پس از آن در سال۶۷ به‌عنوان نماینده اطلاعات در کمیته مرگ ازجمله آمران قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی بود.

در میان شهدایی که در بندرعباس با حکم پورمحمدی تیرباران شدند، شماری از کودکان زیر ۱۸سال بودند ازجمله: مهدی ایزدشناس ۱۶ساله، علیرضا قاسمیان ۱۷ساله، نادر روستا ۱۷ساله و حسین روحانی ۱۷ساله

هم‌چنین اسامی شماری از شهدایی که هرکدام ۱۸سال سن داشته و به‌دستور پورمحمدی دژخیم اعدام گردیدند، از این قرار است: محمد زحمت‌پیشه، کامیار اسماعیل‌زاده، محمد عظیمی، حمید معتقدی و محمد سلیمانی.

هم‌چنین دهها دانش‌آموز نیز که سن آنها دقیقاً مشخص نشده اما بین ۱۶تا ۱۸ساله بوده‌اند، به‌فرمان پورمحمدی جلاد اعدام گردیدند ازجمله:

محمد معینی، پرویز شنگی‌پور، عارف بلوکی، حسین زکنی، محمد فیروزی و شریفیان،

در دوران دادستانی پورمحمدی جنایتکار در بندرعباس این افراد نیز به‌دستور مستقیم شخص وی به جوخه اعدام سپرده شدند:

مهشید معتضد کیوان (خانه‌دار که چند ماه پس از به‌دنیاآوردن فرزندش در زندان بندرعباس تیرباران شد)، نعمت بشخور ۲۳ساله معلم، به‌مدت دو روز از تیر برق در میدان مرکزی شهر بندرعباس آویزان بود.

محمد سرافراز، درجه‌دار نیروی دریایی، دارای همسر و دو فرزند، محمدحسن صحافی، معلم، محمد رمضان‌پور، ۲۲ساله، دیپلمه و محمدامین ترابی که پس از اعدام، حکم سه سال زندان وی توسط دیوان عالی کشور تأیید شد.

این جنایات، اگرچه در مقایسه با نقش پورمحمدی آدمکش در قتل‌عام وحشیانه هزاران زندانی در سال۱۳۶۷، ناچیز به‌نظر می‌رسند اما هرکدام در دادگاهها و مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی برای محاکمه این دژخیم به اتهام «جنایت علیه بشریت» قابل پیگرد است.

پیام رئیس جمهور بر گزیده مقاومت ایران به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید به دانش آموزان، دانشجویان و فرهنگیان

مرزبندی با رژیم ولایت فقیه را وظیفه مبرم خود تلقی کنید و در همه جا به دفاع از این مرزهای استوار برخیزید

شهر اشرف را که سمبل پایداری در برابر رژیم ولایت فقیه است در همه جای ایران بگسترانید و در هر مدرسه و دانشگاه اشرف پایداری برپا کنید

دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان، دبیران، استادان و فرهنگیان و دانشگاهیان ارجمند ایران،

در آغاز سال تحصیلی جدید و از سرگیری اجتماعات جوشان و سرزنده میلیونها جوان و نوجوان آگاه و مشتاق آزادی، به همه شما درود می‌فرستم و برایتان سالی پربار و پر از موفقیت آرزو می‌کنم و امیدوارم گامهای هرچه بلندتری در مسیر پیشرفت کشورمان به سوی آزادی و رهایی بردارید.

هم‌چنین درود می‌فرستم به دانشجویان و جوانانی که به‌خاطر اعتراض و مقاومت علیه استبداد وحشی حاکم دستگیر و زندانی شده‌اند. سلام به زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز که در زندانهای اوین، گوهردشت، ارومیه، اصفهان، اهواز، بیرجند، بندر عباس، کرمانشاه، همدان و سایر زندانها تحت شکنجه‌ها و فشارهای ضداانسانی بسر می‌برند.

۱۵میلیون دانش‌آموز، بیش از دو میلیون دانشجو، یک میلیون و هفتصد هزار معلم و دبیر و هزاران استاد دانشگاه، ثقل اجتماعی عظیمی را تشکیل می‌دهند که نوخواهی و درخواست تغییر از مهمترین مشخصه‌های آن است و کسب آزادی در صدر خواسته‌های آن قرار دارد. یعنی نیرویی است ترقیخواه، نوجو و جوشان که یک جامعه مدرن و یک زندگی نو و پیشرفته یعنی زندگی در آزادی و دموکراسی را می‌خواهد.

اما آخوندها که رژیمشان در حال اضمحلال است، این خواسته‌ها را با کشتار پاسخ می‌دهند. جرائقالها و حلقه‌های دار در خیابانها و میدانها به‌پا کرده‌اند و جوانان و نوجوانان را دست‌دسته به کام مرگ می‌فرستند. یک روز هفده نفر در مشهد، یک روز دوازده نفر در اوین تهران، یک روز سه نفر در زاهدان یک روز هفت نفر در ماهان و یک روز در بندرعباس یا سنندج یا اهواز و گرگان و رشت و همدان.

دانش‌آموزان را با رعب و تحقیر به بند کشیده‌اند، دانشگاهها را به پادگان نظامی تبدیل کرده‌اند و در هر شهر ومحله‌یی جوانان و نوجوانان را به بهانه مبارزه با اراذل و اوباش قلع و قمع می‌کنند و شنیع‌ترین رفتارها را برای خردکردن شخصیت آنان به‌کار می‌گیرند.

حقیقت این است که آخوندهای حاکم هیچ‌گاه تا این حد از مقاومت و اعتراض دانش‌آموزان و دانشجویان و فرهنگیان ایران احساس خطر نکرده‌اند.

اعتراضهای سال گذشته معلمان و دانشجویان در سراسر کشور که از لحاظ گستردگی و استمرار بی‌سابقه بود، عزم جمشگیر اقشار آگاه ایران برای تغییر اوضاع کنونی را آشکار کرد.

اعتراضهای معلمان بارها به تشکیل اجتماعات خشمگینانه در برابر مجلس آخوندها انجامید و بارها به تعطیلی کلاسها و اعتصابهای سراسری راه برد. در برخی مقاطع در بیش از نیمی از استانهای کشور اعتصابهای معلمان جریان داشت. این اعتصابها به حدی فراگیر بود که به عنوان نمونه گاه بیش از ۷۰درصد معلمان و دبیران در تهران یا ۹۰درصد معلمان خراسان را دربرمی‌گرفت. در این اعتراضها زنان معلم نقش چشمگیری داشتند و در برابر اهانتها و سرکوبگریهای پاسداران روحیه شجاعانه‌یی از خود نشان دادند.

معلمان معترض، بارها خواستار اجرای نظام پرداخت هماهنگ و رفع تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا شده‌اند. آنها از بی‌عدالتی و نابرابری به ستوه آمده‌اند. سؤال این است که چرا یکی از شریفترین و زحمتکش‌ترین اقشار مردم ایران تا این درجه فقیر و نهیدست شده‌اند. چرا نادیده گرفته می‌شوند و این همه تحقیر و اهانت نسبت به آنها روا می‌شود؟ و چرا آخوندها به خود حق می‌دهند که با معلمان به عنوان یک قشر درجه دو رفتار کنند؟

پاسخ آخوندها به اعتراضهای سال گذشته معلمان سرکوب و تحقیر و دستگیری بود که البته موجی از انزجار عمومی را درپی داشت و به خصوص اهانت و هتک حرمت آنان نسبت به زنان معلم خشم و بیزاری بسیاری را برانگیخت.

در روزهای اخیر نیز آخوندها صدها حکم انفصال و توبیخ و تبعید علیه معلمانی که سال گذشته در حرکتهای اعتراضی شرکت کرده‌اند صادر کردند تا به جامعه معلمان جنگ ودندان نشان دهند. زیرا ظرفیت کمترین عقب‌نشینی در برابر خواستهای معلمان و سایر اقشار جامعه را ندارند و از آن وحشت دارند که اندکی کوتاه‌آمدن راه سیلاب خروشان اعتراضها و خواستهای متراکم جامعه را باز کند.

در دانشگاهها نیز، اعتصابها و اعتراضهای دامنه‌دار سال گذشته، نشان داد که غلیان نارضایتی جامعه چگونه آخوندها را محاصره کرده است. این اعتراضها که به‌خصوص در دانشگاه پلی‌تکنیک بارها فوران کرد، رژیم ولی فقیه و پاسدار احمدی‌نژاد را هدف قرار داده بود. به‌نحوی که در سال گذشته در برابر خود او، دانشجویان شجاع پلی‌تکنیک عکسهایش را به آتش کشیدند.

رژیم آخوندی برای مهار اعتراض دانشگاهها، رشحه‌یی از طرحهای سرکوبگرانه را به کار بست: بسیجی کردن مدیریت دانشگاهها، اخراج استادان، ستاردار اعلام‌کردن دانشجویان معترض، انحلال تشکلهای دانشجویی، قراردادن انتظامات دانشگاهها تحت‌کنترل وزارت اطلاعات، تقویت کمیته‌های انضباطی، حراست و نهاد نمایندگی ولایت‌فقیه و سرانجام دستگیری و شکنجه وحشیانه دانشجویان. با این همه نتوانست صدای اعتراض و مقاومت دانشگاهها را خاموش کند.

اعتراضهای دانشجویان، که بارها شعار مرگ بر دیکتاتور را در صحن دانشگاهها طنین‌انداز کرده استمرار این اعتراضها، که با دستگیریهای مکرر و اقدامهای مرعوب‌کننده توقف نمی‌پذیرفت،گسترده این اعتراضها که به اغلب دانشگاههای کشور سرایت کرد و روحیه شجاعانه دانشجویان که بسیاری طرحهای سرکوبگرانه رژیم ولایت‌فقیه و پرونده‌سازیها و جرم‌تراشیهای جعلی آذرا نادیده گرفتند، همه و همه، دوران اضمحلال و زوال رژیم حاکم را بازتاب می‌کرد. به همین دلیل، رژیم آخوندی بیش از هر چیز بر مقابله با سمگیری دانشجویان به طرفداری از شعار سرنگونی رژیم ولایت فقیه متمرکز بود. واکنش جنون‌آسای آخوندهای حاکم در برابر این اعتراضها، به این خاطر بود که از پس اعتصابهای بی‌وقفه دانشجویان و اعتراضها و اجتماعات معلمان، امواج خروشانی را می‌بینند که کنار زدن کل نظام آخوندی را هدف قرار داده است.

دانش‌آموزان، دانشجویان،
فرهنگیان و دانشگاهیان آزاده ایران،

سال تحصیلی جدید در حالی شروع می‌شود که رژیم آخوندی در وخیم‌ترین بحران تمام دوران حکومتش گرفتار شده است. این دوران وظایف مهمی را بر عهده اقشار آگاه جامعه ایران قرار می‌دهد. شما در جنبش آزادیخواهی مردم ایران از نقش عمده‌یی برخوردارید.

به بندکشیدن جوانها و تباه‌کردن این نسل لازمه ادامه یک دیکتاتوری مذهبی است. ناآگاه نگهداشتن و به‌بطالت کشاندن آنها لازمه ادامه رژیم ارتجاعیشان است. دیکتاتوری ارتجاعی می‌خواهد جوانان ایران، منفعل، سرخورده، مأیوس، خموده و معتاد باشند. و کاری به کار رژیم حاکم و سرنوشت مردم ایران نداشته باشند...

اما ما آزادی می‌خواهیم و برآنیم که جوانان و نوجوانان ایران از آزادی برخوردار باشند.

ـ پس بر شماست که آگاه و هوشیار، و سرزنده و سرشار باشید.

ـ درس و فا و فدا یاد بگیرید و یاد بدهید و با خودتان و مردمتان در صدق و وحدت باشید.

ـ در کار جمعی و در همکاری مشترک باهم، یاد بگیرید که چگونه هرچه متحدتر و جمعی‌تر کار کنید و کمک کنید تا اهدافتان را پیش ببرید.

ـ زندگی و شرح حال قهرمانها و شهیدان این مقاومت و تاریخچه نیردهای آن را بخوانید که پر از حماسه و آموزش و افتخار است.

ـ در هرکجا که حق‌طلبی و فریادی برای آزادی ایران هست، جلودار و پیشتاز باشید.

ـ اعتراضها و اعتصابهای خود را در مدارس و دانشگاهها گسترش دهید و به تظاهرات واجتماعات اعتراضی سایر هموطنان علیه حکومت آخوندی یاری برسانید.

ـ عموم هموطنان را علیه دخالتهای جنایتکارانه رژیم آخوندی در عراق و برنامه ضدملی آن برای تولید سلاح اتمی برانگیزید.

ـ به همه بگویید مردم ایران نه به بمب اتمی می‌خواهند نه دخالت در عراق و لبنان و افغانستان. این کنار زدن استبداد مذهبی و برقراری دموکراسی و آزادی است که نیاز و خواسته مبرم مردم و کشور ماست.

ـ مجاهدان آزادی در شهراشرف را که با هیولای ارتجاع جنگ‌دور جنگ شده‌اند، الگوی خود قرار دهید و از پایداری و شهامت و شور و ایمان آنان در مبارزه برای کسب آزادی بیاموزید.

ـ شهر اشرف را که سمبل پایداری در برابر رژیم ولایت فقیه است در همه جای ایران بگسترانید و در هر مدرسه و دانشگاه اشرف پایداری برپا کنید.

ـ جریانها و عناصری را که با باندهای درون رژیم مربوطند و به‌رغم مخالفتهای ظاهری، خواهان حفظ تمامیت رژیم آخوندی هستند، افشا و طرد کنید.

ـ و مرزبندی با رژیم ولایت فقیه را ـ که دریا دریا خون میان خود و مردم ایران فاصله انداخته است ـ وظیفه مبرم خود تلقی کنید و در همه جا به دفاع از این مرزهای استوار برخیزید.

بله شما آزادی ایران از یوغ ستم آخوندی را ممکن و محقق خواهید کرد.

شما باید ایران را گلستان آزادی و عدالت کنید.

سلام بر دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان، استادان
فرهنگیان و دانشگاهیان ایران
سلام بر مردم ایران
مریم رجوی

در یک کنفرانس مطبوعاتی در بلژیک، سخنرانان نقض فاحش حقوق‌بشر در ایران و مماشات اروپا با دیکتاتوری ضدبشری آخوندی را محکوم کردند

از راست محمود نوبری، ژاپیر مالمندیر، محمدرضا روحانی

به‌دعوت انجمن ایرانیان مدافع حقوق‌بشر و فرهنگ‌و هنر در بلژیک، صبح چهارشنبه ۲۸شهریور، یک کنفرانس مطبوعاتی تحت عنوان نقض حقوق‌بشر در ایران و سیاست دوگانه اتحادیه اروپا، در بروکسل برگزار گردید.

این برنامه با پخش یک فیلم کوتاه ازصحنه‌های اعدامهای وحشیانه در ماههای اخیر آغاز گردید.

سپس آقای محمود نوبری ضمن خوشامدگویی به‌حاضرین از آقای ژان پیر مالمندیر، از شخصیتهای برجسته حقوق‌بشری در بلژیک برای اجرای سخنرانی دعوت کرد.

ژان‌پیر مالمندیر: بلژیک نباید صدای مماشات با رژیمی باشد که در تلاش برای دستیابی به بمب اتمی است

آقای مالمندیر که سالها از سیاستمداران شناخته‌شده در پارلمان بلژیک نیز بوده است، ضمن محکوم‌کردن نقض حقوق‌بشر در ایران، با اشاره به سفر وزیر خارجه بلژیک به ایران جهت تحویل‌گرفتن گروگان آزاد شده بلژیکی، گفت: چیزی که برای من خیلی ناکام‌دهنده بود این است که برای آزادسازی یک گروگان حاضریم دست به هرکاری بزنیم درحالی که اساساً اشاره‌یی به وضعیت مردمی که در همان کشور زندگی می‌کنند و در چه شرایط اسفباری به‌سر می‌برند، نمی‌شود. همه ما خبر داریم که امسال صدها نفر در ایران اعدام شده‌اند من مشخصاً گزارشی به‌دستم رسید مبنی بر اعدام جمعی۱۷ نفر، لذا بلژیک نباید صدای مماشات با رژیمی باشد که تمامی مرزها را پاره کرده و در تلاش برای خریدن زمان برای دستیابی به بمب اتمی است. رژیمی که با مردم خودش آن‌چنان رفتار وحشتناکی دارد قابل‌تصور است که با مردم کشورهای دیگر چه رفتاری خواهد کرد. این یک رژیم استبدادی و فردوسطایی است که در آن، جان انسان هیچ ارزشی ندارد.

آقای مالمندیر هم‌چنین به برخورد دوگانه اتحادیه اروپا به‌خصوص با مقاومت ایران پرداخت و گفت: من هم‌چنین می‌خواهم در مورد راه‌حلی صحبت کنم که خانم رجوی از مدتها پیش آن را به‌نام راه‌حل سوم اعلام کرده است. راه‌حل سوم به مردم ایران این امکان را داده است که از داخل با این رژیم در بیفتند و بخشی از آن هم طبعاً رفتار با مجاهدین خلق است که باید از لیست تروریستی خارج شوند. حال باید پرسید چرا اروپا چنین رفتاری را کرده است؟

من مدتهاست که با اپوزیسیون ایران در تماس هستم. آنها گروه دموکراتیکی هستند که رفتارشان در کادر تلاش برای برقراری حقوق بشرو دموکراسی است. البته من متخصص نیستم ولی توان این‌را دارم که تشخیص دهم افراد دوروبر من کسانی که با آنها تماس دارم چه کسانی هستند و شهادت می‌دهم که جز برای آزادی در ایران کاری نمی‌کنند.

محمدرضا روحانی: همه تکنوکراتهای بلژیک باید اقدام وزیرخارجه بلژیک را محکوم کنند

سخنران بعدی آقای محمدرضا روحانی، حقوقدان ومسئول کمیسیون امور ملیتها در شورای ملی مقاومت ایران، در سخنان خود گفت: از زمان روی کارآمدن این رژیم بیانگرد و قرون‌وسطایی حداقل ۱۲۰هزار نفر در ایران توسط آخوندها اعدام شده‌اند. در اجرای این محاکمات و اعدامها حتی دادگاه، وکیل یا قاضی وجود نداشته و باید گفت که اینها قتل بوده و ملایان قاتل مردم ایران هستند.

پلیس تهران گفته بود که طی تنها ۲ماه ۹۷۰هزار زن را در خیابانها بازداشت کرده‌اند و تفتیش خیابانی راه انداخته‌اند.

در چنین شرایطی، وزیر خارجه بلژیک تحت‌عنوان آزاد سازی یک گروگان به تهران می‌رود. او در آن‌جا نه‌تنها با اهانت به مقاومت مشروع ایران حق‌کشی می‌کند، بلکه به تمامی نهادهای دموکراتیک کشور خودش بلژیک نیز دهن‌کجی می‌نماید. او به درخواست صریح آخوندها رئیس سنای کشورش را محکوم می‌کند، چرا که رئیس سنا خانم مریم رجوی را به سنا دعوت کرده بود. چیزی که امروز خیلی برای ما مهم می‌باشد این است که به همه تکنوکراتها بگوییم که اقدام وزیر خارجه بلژیک را باید محکوم کنند.

محمود نوبری: انجمن ایرانیان مدافع حقوق‌بشر و فرهنگ و هنر سفر وزیر خارجه بلژیک به ایران را در حالی‌که اعدامهای جمعی در ایران ادامه دارد، محکوم می‌کند

در خاتمه آقای محمود نوبری، از سوی انجمن ایرانیان مدافع حقوق بشر و فرهنگ و هنر، گفت: نزدیک به ۶۰زندانی سیاسی در ایران از زمان روی کارآمدن احمدی‌نژاد اعدام شده‌اند و تعداد ۶۰۰ نفر در انتظار حکم اعدام در زندان گوهردشت کرج به‌سر می‌برند. هزاران کارگر، معلم، دانش‌آموز و جوانان، دستگیر و به زندان فرستاده شدند و یا به‌وحشیانه‌ترین‌وجه تحت شکنجه قرار گرفتند. اعدام جوانان هم‌چنان ادامه دارد به همین جهت ما ازتمامی وجدانهای آگاه برای محکوم‌کردن موج جدید اعدامها در ایران درخواست کمک می‌کنیم.

وی اضافه کرد: انجمن ما سفر وزیر خارجه بلژیک آقای دوگوخت به ایران و پرداخت نیم میلیون یورو به ملایان را درحالی‌که اعدامهای جمعی در ایران ادامه دارد، محکوم می‌کند. رهبران رژیم ایران همگی مسئولین پخش مواد مخدر در ایران و صرف درآمد حاصله ازآن برای صدور تروریسم و بنیادگرایی در خارج از کشور هستند، گروگانگیری خارجیها وآزادکردن آن در ازای پول، یک محمل قدیمی ملاهاست.

لذا اتحادیه اروپا نباید به دام این بازی بیفتد. به‌جای اعمال فشار بر اپوزیسیون ایران، باید احمدی‌نژاد و رژیم ملایان را تحت فشار قراردهد.

لذا ما خواهان یک سیاست جدید در قبال ایران هستیم. یک سیاست که از تغییر دموکراتیک در ایران حمایت کند.

قاسم نادعلی‌پور قهرمان دو و میدانی نیمه ماراتن بزرگسالان در شانزدهمین دوره مسابقات بین‌المللی دو ماراتن و پیاده‌روی در شهر کارلسروحه آلمان اول شد

قاسم نادعلی‌پور، قهرمان دومیدانی بزرگسالان جهان، در شانزدهمین دوره مسابقات بین‌المللی دو ماراتن و پیاده‌روی در شهر کارلسروحه آلمان اول شد.

ساعت ۹صبح روز یکشنبه ۲۵شهریور، شانزدهمین دوره مسابقات بین‌المللی دو ماراتن و پیاده‌روی در شهر کارلسروحه آلمان با شرکت بیش از ۹هزار نفر از کشورهای مختلف جهان برگزار گردید.

قاسم نادعلی‌پور، از هواداران مجاهدین و قهرمان دومیدانی بزرگسالان جهان در رشته ۲۱کیلومتر نیمه ماراتن، در مدت ۲ساعت و ۱۳دقیقه و ۱۰ثانیه بعد از پشت سر گذاشتن سایر شرکت‌کنندگان برنده اول این مسابقه شد. در این مسابقه نادعلی پور ۱۵دقیقه از نفر دوم فاصله داشت.

ایرانیان آزاده و هواداران مقاومت مقیم کارلسروحه و شهرهای اطراف، در نقطه پایانی مسابقات، استقبال گرمی از نادعلی‌پور به‌عمل آوردند و افتخارآفرینیهای مداوم او را ستودند.

در گذشته رژیم ضدبشری آخوندی با تهدید و تطمیع و با استفاده از کانالهای متعدد به‌غایت تلاش کرده بود قاسم نادعلی‌پور را از پشتیبانی مقاومت و مجاهدین برحذر دارد و بدین‌منظور وعده‌های فراوانی برای بازگرداندن او به ایران داده بود. اما این قهرمان همواره با قاطعیتی قابل‌ستایش، با جواب دندان‌شکن تأکید کرده است که هرگز افتخار قهرمان‌بودن برای مردم و مقاومت ایران را با ننگ رفتن به زیر حاکمیت پلید آخوندی معاوضه نخواهد کرد.

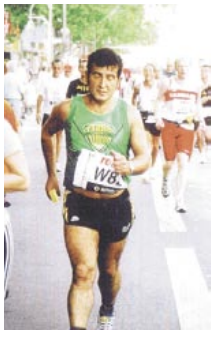

قاسم نادعلی‌پور، از هواداران مجاهدین و قهرمان دومیدانی بزرگسالان جهان در رشته ۲۱کیلومتر نیمه ماراتن، در مدت دو ساعت و ۱۳دقیقه و ۱۰ثانیه بعد از پشت سر گذاشتن سایر شرکت‌کنندگان برنده اول این مسابقه شد. در این مسابقه نادعلی پور ۱۵دقیقه از نفر دوم فاصله داشت

مراسم افطار در پاریس با حضور مسلمانان فرانسوی و شخصیتهای برجسته از کشورهای اسلامی

بقیه از صفحه آخر

پیر کاستانیو: من اصرار داشتم در این مراسم حضور یابم چون برای مقاومت ایران احترام قائلم

در آغاز این مراسم، آقای پیرکاستانیو شهردار منطقه ۱۴ پاریس، منطقه محل برگزاری این مراسم، در سخنانی به اعضای مقاومت ایران و همه حاضران خوشامد گفت. آقای پیر کاستانیو گفت من اصرار داشتم که در این مراسم حضور یابم چون برای مقاومت ایران احترام قائلم و در مبارزه آن در دفاع از ارزشهای دموکراتیک و حقوق بشر خود را سهیم می‌دانم. من می‌خواهم یک پیام امید به شما منتقل کنم. کسانی که از شما و مبارزه شما حمایت می‌کنند، روز به‌روز افزوده می‌شوند و این اسباب خوشوقتی برای ماست.

غالب بن شیخ: نباید پیام حقیقی اسلام را با آن‌چه جمعی تنگ‌نظر به نام اسلام ارائه می‌کنند، مشتبه کرد

سخنران دیگر آقای غالب بن‌شیخ، اسلام‌شناس و رئیس کنفرانس جهانی ادیان هوادار صلح ضمن تقدیر از خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران بر بردباری و شکیبایی اسلام تأکید کرد و گفت پیام دوستان ایرانی ما این است که نباید پیام حقیقی اسلام را با آن‌چه جمعی تنگ‌نظر به نام اسلام ارائه می‌کنند، مشتبه کرد.

آقای بن شیخ کسانی را که به عنوان نواب خدا یا پیامبر و مفسران احکام خدا به جعل و ربا دست می‌زنند محکوم کرد و بر همبستگی خود با مجاهدین که ارزشهای واقعی اسلام و کرامت انسانی را ترویج می‌کنند، تأکید نمود.

عبدالله ذکری: باید راه جنایتکاران را بست و هیچ مذاکره‌یی با آنان مجاز نیست

سخنران دیگر این مراسم، آقای عبدالله ذکری عضو شورای مسلمانان فرانسه و نماینده ریاست مسجد پاریس جنایتهایی را که به اسم اسلام در خاورمیانه صورت می‌گیرد به شدت محکوم کرد و تأکید نمود باید راه جنایتکاران را بست و هیچ مذاکره‌یی با آنان مجاز نیست.

شیخ خلیل مرون: این‌جا جمع شده‌ایم تا پیام محکمی بدهیم به کسانی که به کشتن بی‌گناهان مبادرت می‌کنند

شیخ خلیل مرون مدیر مسجد اوری واز معروفترین چهره‌های اسلامی فرانسه سخنران بعدی مراسم افطار در پیامی از سوی تجمع مسلمانان فرانسه با خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ابراز همبستگی کرد.

آقای مرون در سخنان خود ترور و کشتار تحت نام اسلام را محکوم کرد و افزود در ماه رمضان جمع شده‌ایم تا به کسانی که به کشتن بی‌گناهان مبادرت می‌کنند، پیام محکمی بدهیم. وی از پایداری رزم‌آوران و اعضای مقاومت ایران تجلیل کرد.

انیسه بومدین: الجزایر هم از نحوست بنیادگرایی رنج می‌برد

خانم انیسه بومدین حقوقدان، اسلام‌شناس، همسر هواری بومدین رئیس‌جمهور پیشین الجزایر در سخنانی در این مراسم از شهامت و پشتکار مجاهدین و مقاومت ایران و به‌ویژه خانم مریم رجوی در مبارزه برای کسب آزادی تجلیل کرد و افزود این برای من افتخاری است که در کنار اعضای مقاومت ایران باشم.

خانم بومدین گفت کشور من الجزایر از نحوست بنیادگرایی و تروریسم رنج می‌برد و ما از بنیادگرایی به ستوه آمده‌ایم. وی به قوانین ضدانسانی در ایران نیز اشاره نمود و گفت از خواندن قانون مدنی کنونی ایران وحشتزده شده‌ام این قانون سادیسم است و نه اسلام.

خانم انیسه بومدین از نقش زنان در مقاومت در برابر بنیادگرایی تجلیل کرد.

شیخ زهیر محمود: باید حقوق مجاهدین در شهر اشرف محترم شمرده شود

شیخ زهیر محمود مدیر دانشکده مطالعات اسلامی و انستیتوی علوم انسانی اروپا از کشور عراق به وضعیت فاجعه‌بار این کشور پرداخت که اکنون تحت حکومت شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران درآمده است.

آقای زهیر محمود خاطر نشان کرد که برخلاف آن‌چه اکنون حاکم شده، مسلمانان با ملیتها و مذاهب مختلف قادرند در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند.

شیخ زهیر محمود در این سخنرانی، ضمن دورد به مجاهدان شهر اشرف تأکید کرد که حقوق مجاهدین شهر اشرف بایستی محترم شمرده شود.

بتول فکار: آرزو می‌کنم شما که حاملان اسلام بردبار هستید موفق شوید

خانم بتول فکار نویسنده و نخستین زن عضو شورای مسلمانان فرانسه در سخنانی در این مراسم برای مبارزه مجاهدین در ایران آرزوی پیروزی کرد و افزود: آرزو می‌کنم شما که حاملان اسلام بردبار هستید در مبارزه خود موفق شوید و ارزشهایی هم‌چون بردباری را که مورد احترام است، گسترش دهید.

مولود آنونیت: مقابله با ملعمه‌یی از بنیادگرایی و تروریسم که زیر نام اسلام پنهان شده است ضرورت دارد

آقای مولود آنونیت دبیرکل جنبش ضدنژاد پرستی (مرآب) در سخنانی بر همبستگی با مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده آن خانم مریم رجوی تأکید کرد. وی بر ضرورت مقابله با ملعمه‌یی از بنیادگرایی و تروریسم که زیر نام اسلام پنهان شده، تأکید کرد.

استاد جلال گنجه‌ای: مدعیان شریعی که به‌نام اسلام در تهران حکومت می‌کنند در مقابل حضرت محمد ایستاده‌اند

استاد جلال گنجه‌ای مسئول کمیسیون مذاهب و آزادی ادیان شورای ملی مقاومت در سخنان خود در این مراسم رویکرد سرشار از رحمت و شکیبایی حضرت محمد(ص) به هنگام فتح مکه را تشریح کرد که در آن پیامبر اکرم با تأکید بر این که «عموم مردم فرزندان آدم هستند» اصل بنیادین برابری و آزادی آسیانها را خاطرنشان ساخت.

مدعیان شریر و خونریزی که به نام اسلام در تهران حکومت می‌کنند، امروز در مقابل حضرت محمد ایستاده‌اند. استاد جلال گنجه‌ای از خدای بزرگ مسألت نمود امانت حبیب خدا یعنی پیام برادری و برابری به بشریت نیازمند بازگردانده شود.

کاندولیزا رایس: آمریکا و فرانسه بر سر راه‌کارهای اعمال فشار به‌رژیم ایران برای توقف فعالیتهای حساس اتمی توافق کردند

وزیر خارجه فرانسه: مسلح‌شدن رژیم ایران به بمب اتمی، یک تهدید جهانی است

آمریکا و فرانسه بر سر اعمال فشار بیشتر بر رژیم ایران توافق کردند

روز جمعه ۳۰شهریور، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک وزیران امور خارجه آمریکا و فرانسه اعلام شد این دو کشور بر سر اعمال فشار بیشتر بر رژیم ایران به توافق رسیده‌اند.

کاندولیزا رایس، وزیر امورخارجه آمریکا، گفت ایالات متحد و فرانسه بر سر راه‌کارهای اعمال فشار بیشتر بر رژیم ایران، برای توقف فعالیتهای حساس اتمی این کشور، توافق کرده‌اند. رایس با اشاره به موضع مشترک دو کشور برای تشدید تحریمها علیه رژیم ایران، افزود: «به‌نظر من تفاوتی بنیادی در دیدگاهها نسبت به ارزیابی موقعیت ایران و اقداماتی که جامعه بین‌المللی باید در پیش بگیرد، وجود ندارد».

وزیر خارجه فرانسه، در این کنفرانس با اشاره به پیشنهاد فرانسه به‌اتحادیه اروپا برای اعمال تحریمهای خارج از چارچوب سازمان ملل متحد علیه رژیم ایران، گفت این اتحادیه در حال مذاکره درباره پیشنهاد فرانسه است.

کوشنر با اشاره به این که «ایران مسلح به جنگ افزار اتمی، خطری برای امنیت جهانی است»، گفت: «به آنها که می‌گویند باید با دستکش با ایران برخورد کرد چرا که ثبات منطقه بهم خواهد خورد، من می‌گویم نگاه کنید به ماجراجوییهای امروز رژیم ایران و تصور کنید چگونه خواهد بود اگر تهران روزی فکر کند با چتر اتمی حفاظت می‌شود».

همزمان با این کنفرانس، نمایندگان کشورهای فرانسه، آمریکا، انگلیس، چین و روسیه به همراه آلمان، مذاکرات خود را بر سر شیوه برخورد با برنامه هسته‌یی رژیم، در واشینگتن آغاز کردند.

رهبران جهان به ایران اخطارهای بازهم بیشتری می‌دهند

شبکه جهانی تلویزیون بی.بی.سی، روز ۳۰شهریور گزارش داد: در اجلاس ۵کشور عضو دائمی شورای امنیت به اضافه آلمان، تحریمهای شدیدتر علیه رژیم ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. بی.بی.سی، گفت: رهبران جهان به ایران اخطارهای بازهم بیشتری می‌دهند که نباید سلاح اتمی تولید کند. این هشدارها در پی اخطار برنارد کوشنر در روز یکشنبه گذشته است که گفته بود: جهان خود را باید برای یک جنگ آماده کند تا رژیم ایران را از دست‌یافتن به‌بمب اتمی بازدارد. نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه نیز به این باور رسیده که رژیم ایران حقیقت را نمی‌گوید. ویتالی چورکین نماینده دائم روسیه در سازمان ملل متحد روز ۲۹شهریور، به‌خبرگزاری ریانووستی گفت اگر تشدید تحریمها برای پیشرفت در پرونده هسته‌یی رژیم ایران ضروری باشد، مسکو از آن حمایت می‌کند.

فعالیتهای فرانسه برای اعمال تحریمهای شدیدتر علیه رژیم ایران

خبرگزاری فرانسه از بروکسل گزارش داد: اتحادیه اروپا تحت فشار فرانسه سرگرم تصویب تحریمهای و مجازاتهای جدیدی خارج از چارچوب سازمان ملل متحد علیه رژیم ایران است. ۲۷کشور عضو اتحادیه اروپا از اواخر سال۲۰۰۶ و از زمان خودداری این رژیم از قبول پیشنهاد همکاری جامعه بین‌المللی، دو سیاست موازی را در پیش گرفتند. یک سیاست عبارت بود از حمایت از روند اعمال تحریمهای تدریجی در چارچوب شورای امنیت و سیاست دوم باز نگه‌داشتن باب گفتگو با تهران.

خبرگزاری فرانسه باتوجه به بی‌نتیجه بودن مذاکرات، نوشت: اما از زمانی که نیکولا سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه، در اواخر ماه اوت طی سخنانی در جمع سفرای فرانسوی خواستار سختگیری بیشتر علیه رژیم ایران شد، هیچ گونه تغییری در موضع پاریس ایجاد نشده است این در حالی است که تا پیش از این فرانسه اولویت را به مذاکرات از طریق سازمان ملل متحد می‌داد و از مجازاتهای خارج از چارچوب این سازمان سخنی به میان نمی‌آورد. برنار کوشنر وزیر امور خارجه فرانسه روز یکشنبه با لحنی شدید گفت دنیا باید خود را برای بدترین شرایط آماده کند به عبارت دیگر اگر رژیم ایران هم‌چنان به خودداری از تعلیق غنی‌سازی اورانیوم ادامه دهد امکان بروز جنگ علیه این رژیم وجود دارد.

به گفته خبرگزاری فرانسه انگلیسیها نیز از مدتها قبل با تشدید تحریمها علیه رژیم ایران موافقت کرده‌اند.

یک دیپلومات به خبرگزاری فرانسه گفت: به کار برده‌شدن کلمه جنگ توسط کوشنر را باید زنگ هشدار مهمی قلمداد کرد(خبرگزاری فرانسه ۲۷شهریور).

ریاست دوره‌یی اتحادیه اروپا: اتحادیه اروپا آماده است تحریمهای گسترده‌تری علیه این رژیم، اعمال کند

نخست‌وزیر پرتغال که کشورش، ریاست دوره‌یی اتحادیه اروپا را به‌عهده دارد، اعلام کرد: اتحادیه اروپا آماده است، به‌منظور مقابله با برنامه هسته‌یی رژیم ایران، تحریمهای گسترده‌تری علیه این رژیم، اعمال کند. خوزه سکراتس افزود: اروپا حاضر است در این راستا با استفاده از کلیه امکانات خود به رعایت حقوق بین‌الملل کمک کند و درصورتی که رژیم ایران حقوق بین‌الملل را رعایت نکند، اتحادیه اروپا به هرگونه تحریم ممکن علیه این رژیم دست خواهد زد(رادیو آلمان ۲۸شهریور۸۶).

رئیس‌جمهور آمریکا: جامعه جهانی اجازه نخواهد داد رژیم ایران به‌سلاح اتمی مجهز شود

جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید بار دیگر تصریح کرد جامعه جهانی اجازه نخواهد داد رژیم ایران به سلاح اتمی مجهز شود.

رئیس‌جمهور آمریکا گفت: من به‌طور مستمر تصریح کرده‌ام امیدوارم بتوانیم رژیم ایران را متقاعد کنیم که تمامی جاه‌طلبی خود را در رابطه با تولید برنامه هسته‌یی را کنار بگذارد و این را هم به‌طور مسالمت‌آمیز بکند. ما با کمک متحدین و دوستانمان مشغول همین کار هستیم که پیام صریحی به رژیم ایران بفرستیم. یکی از راههای ارسال این پیام سازمان ملل متحد است. علاوه بر این ما با وزیران دارایی کشورهای مختلف مذاکره می‌کنیم تا از آن طریق هم پیامی به رژیم ایران بفرستیم که جهان آزاد حاضر نیست دستیابی شما به تکنولوژی هسته‌یی یا توانمندی رسیدن به‌تولید سلاح هسته‌یی را تحمل کند. من تهدیداتی را که از زبان رئیس‌جمهور رژیم ایران مطرح می‌شود بسیار جدی تلقی کنیم.

جرج بوش در کنفرانس مطبوعاتی خود افزود: ما به مردم ایران احترام می‌گذاریم. ما اعتقاد داریم رژیم ایران تصمیمهایی را می‌گیرد که راه رسیدن به آرزوها وتوانمندی کامل مردم ایران را از آنها سلب می‌کند. اقتصاد ایران بحرانی است. بخشی از آن به‌دلیل مدیریت بد رژیم ایران است و بخشی هم به دلیل فشارهای بین‌المللی است. مردم ایران باید بدانند که رنج و بدبختی آنها به‌دلیل وجود چنین رژیمی است. رژیمی که به‌شیوه‌یی مسئولانه با جامعه جهانی همکاری نمی‌کند و بر ادامه غنی‌سازی اورانیوم اصرار می‌ورزد. به همین جهت ما فشار را روی این رژیم حفظ خواهیم کرد(تلویزیون بی.بی.سی ۲۸شهریور۸۶).

رئیس‌جمهور فرانسه: رژیم تهران تلاش می‌کند به سلاح اتمی دست یابد

نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه پنجشنبه شب طی مصاحبه‌یی با شبکه‌های تلویزیونی این کشور، گفت رژیم تهران تلاش می‌کند به‌سلاح اتمی دست یابد. وی افزود اما این از نظر ما امری غیرقابل‌قبول است.

رئیس‌جمهور فرانسه با اشاره به اظهارات روز یکشنبه وزیر امور خارجه این کشور، گفت ما خواهان جنگ با رژیم تهران نیستیم، اما به مردم فرانسه می‌گویم دستیابی این رژیم به سلاح اتمی را قبول نخواهیم کرد. پرونده هسته‌یی رژیم تهران، پرونده‌یی سخت و پیچیده است. ما با اعمال تحریم تلاش می‌کنیم رژیم تهران را وادار سازیم از برنامه هسته‌یی خود دست بکشد، اما اگر تحریمهای کنونی کافی نبود، آن را تشدید خواهیم کرد.

رئیس‌جمهور فرانسه در سخنان خود ایرانیان را مردمانی متمدن نامید و گفت ملت ایران حتماً لیاقت بیش از اینها را در خود دارا است(خبرگزاری فرانسه ۲۹شهریور۸۶).

هشدار مقامات و رسانه‌های فرانسه علیه دستیابی رژیم آخوندها به بمب اتمی

اروه مورن، وزیر دفاع فرانسه، دستیابی رژیم ایران را به بمب هسته‌یی یک «فاجعه» توصیف کرد و بر ضرورت جلوگیری از آن تأکید نمود و گفت: «باید هر کاری را انجام داد تا از یک فاجعه که دستیابی رژیم ایران به‌بمب یا مجبورشدن برخی کشورها به‌بمباران ایران است، جلوگیری شود»(رویتر ۲۸شهریور۸۶).

برنارد آکوآیر رئیس مجلس ملی فرانسه، روز ۲۸شهریور، هشدار داد: مجهزشدن رژیم ایران به‌سلاح اتمی خطرناک است. وی اوضاع پرونده هسته‌یی رژیم ایران و رویارویی آن با جامعه جهانی را وخیم توصیف کرد و خواستار بررسی این موضوع در مجلس ملی فرانسه گردید.

شرکت پاسدار احمدی‌نژاد در مجمع عمومی ملل متحد با موجی از اعتراض و ابراز تنفر روبه‌رو شد

موج مخالفت تمامی شخصیتها و جریانهای سیاسی با درخواست رئیس حکومت آخوندی

شصت و دومین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک روز ۲۷شهریور، آغاز به‌کار کرد. این اجلاس را وزیر خارجه سابق مقدونیه افتتاح کرد. رؤسای‌جمهور و سران کشورهای مختلف جهان در این اجلاس سخنرانی می‌کنند. پاسدار احمدی‌نژاد نیز در این اجلاس شرکت کرده است ولی اعلام سفر وی به نیویورک و سخنرانی او در مجمع عمومی ملل متحد، با موجی از اعتراض و ابراز انزجار روبه‌رو شد(خبرگزاری فرانسه ۲۷شهریور۸۶).

واشینگتن‌تایمز: این یک اهانت به اصول و رسالت ملل‌متحد است اگر اجازه بدهد احمدی‌نژاد در برابر این ارگان جهانی سخنرانی کند

روزنامه واشینگتن‌تایمز در شماره ۲۷شهریور خود، راه‌دادن پاسدار احمدی‌نژاد به نیویورک و شرکت وی در اجلاس مجمع عمومی ملل متحد را اهانت به اصول و موازین ملل متحد دانست و خواستار جلوگیری از آن شد. واشینگتن تایمز نوشت: این یک اهانت به اصول و رسالت ملل‌متحد است اگر اجازه بدهد احمدی‌نژاد در برابر این ارگان جهانی سخنرانی کند. احمدی‌نژاد نه برای یک گفتگوی شرافتمندانه، بلکه برای فراخوان به یک نسل‌کشی دیگر می‌آید و این به معنای بی‌اعتنایی آشکار به مأموریت ملل‌متحد است.

واشینگتن‌تایمز وزارت خارجه آمریکا را که اعلام کرده است حاضر به‌دادن ویزا به پاسدار احمدی‌نژاد است مورد انتقاد قرار داد. این روزنامه افزود: میت رامنی، کاندیدای ریاست جمهوری ایالات متحده از حزب جمهوریخواه، به‌درستی انزجار خود را نسبت به‌حضور احمدی‌نژاد در نیویورک ابراز کرده است. وی طی نامه‌یی به بان کی‌مون یادآور شده این دیکتاتور از تلاشهای حزب‌الله حمایت می‌کند، جامعه بین‌المللی را با برنامه اتمی‌اش به سخره گرفته است و از شبه‌نظامیان در عراق حمایت می‌کند.

سناتور جان مک‌کین، کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا پذیرش احمدی‌نژاد در خاک آمریکا را محکوم کرد.

واشینگتن تایمز افزود: ما از سیاستمداران از هر دو حزب می‌خواهیم فشار بیاورند تا مانع از ورود احمدی‌نژاد به‌سازمان ملل متحد شوند.

شهردار نیویورک درخواست پاسدار احمدی‌نژاد برای دیدار از محل ساختمان تجاری را رد کرد

به گزارش خبرگزاری فرانسه در روز ۲۹شهریور۸۶، مقامات شهر نیویورک، درخواست پاسدار احمدی‌نژاد را برای دیدار از محل برجهای دوقلوی ساختمان تجارت جهانی که در حملات تروریستی ۱۱سپتامبرفرو ریخت، رد کردند. پال براون، رئیس پلیس نیویورک، طی اطلاعیه‌یی گفت این درخواست احمدی‌نژاد طی جلسه مشترک مقامات اداره پلیس شهر و سرویس مخفی آمریکا و مقامات بندر نیویورک و نیوجرسی به دلایل امنیتی، رد شد. درخواست پاسدار احمدی‌نژاد، مخالفینی که رژیم ایران را دولت حامی تروریسم می‌دانند به‌خشم آورده است.

رودی جولیانی، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا که در زمان حمله ۱۱سپتامبر، شهردار نیویورک بود، از مقامات این شهر خواست تا درخواست پاسدار احمدی‌نژاد را رد کنند. جولیانی گفت: «کمک به پاسدار احمدی‌نژاد در سفرش به محل برجهای دوقلو که به زمین مقدسی برای آمریکاییان تبدیل شده، توهین‌آمیز است».

سناتور سام براون بک، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا از حزب جمهوریخواه، تقاضای رئیس‌جمهور رژیم ایران را توهین‌آمیز و غیرقابل‌قبول خواند. دفتر سناتور براون بک، طی اطلاعیه‌یی، رژیم ایران و رئیس‌جمهور آن را «بزرگترین حامی تروریسم در جهان نامید».

دولت آمریکا از دادن ویزا به علیرضا معیری خودداری کرد

دولت آمریکا از صدور ویزا برای علیرضا معیری نماینده رژیم آخوندی در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو خودداری کرد. معیری قرار بود برای شرکت در نشست هفته آینده در مجمع عمومی سازمان ملل، به نیویورک برود. به‌گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۲۹شهریور، سخنگوی هیأت آمریکا در سازمان ملل متحد، دلیل عدم‌صدور ویزا برای نماینده رژیم را نقش داشتن وی در گروگانگیری دیپلوماتهای آمریکایی در سال ۱۹۷۹ ذکر کرد.

سی.ان.ان: احمدی‌نژاد هنوز به نیویورک نرسیده خشم بسیاری را برانگیخته است

تلویزیون سی.ان.ان در روز ۲۹شهریور، گفت: قرار است احمدی‌نژاد روز سه‌شنبه در مجمع عمومی ملل متحد سخنرانی کند. این که وی قبل از این روز در کجا سخنرانی خواهد کرد و از کجا دیدن می‌کند، هنوز فاش نشده است.

روزنامه‌های روز نیویورک خطاب به احمدی‌نژاد نوشتند: «اگر خیال کرده‌یی که می‌توانی به محل برجهای دوقلو بیایی، بهتر است به‌جهنم بروی».

روزنامه نیویورک پست نیز نوشت: «احمدی‌نژاد هیچ شانسی برای بازدید از این محل نخواهی داشت».

گزارشگر سی.ان.ان در نیویورک گفت با برخی از توریستها که در محل صحبت کردیم، مخالف دیدار رئیس‌جمهور رژیم ایران از محل برجهای تجارت جهانی بودند.

جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در کنفرانس خبری خود در کاخ سفید به روزنامه‌نگاران گفت: «بهتر است که او چنین کاری نکند».

پلیس نیویورک اعلام کرده است به احمدی‌نژاد اجازه نخواهد داد به‌این محل برود.

گزارشگر سی.ان.ان افزود برخی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا اعلام کرده‌اند که نباید به احمدی‌نژاد اجازه ورود به سازمان ملل داده می‌شد. ولی تصمیم سفر احمدی‌نژاد در دست سازمان ملل متحد می‌باشد.

روزنامه نیویورک‌پست ۲۸شهریور، نوشت: مقامات شهر نیویورک تلاش رئیس‌جمهور شیطانی رژیم ایران را برای بازدید از محل ساختمان تجارت جهانی که در ۱۱سپتامبر منفجر شد، رد کردند. این پاسخی بود که به درخواست هیأت رژیم که به ملل‌متحد آمده، داده شد. این هیأت از مقامات ایالتی و فدرال خواسته بود احمدی‌نژاد که کشتار یهودیان توسط نازیها را رد می‌کند از این محل بازدید کند.

کریستین کوئین، رئیس شورای شهر نیویورک، روز ۳۰شهریور گفت: «حضور احمدی‌نژاد در هر کجای این شهر برای همه نیویورکیها توهین‌آمیز است. روز دوشنبه قرار است وی در یک جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه کلمبیا شرکت کند اما شورای شهر نیویورک از دانشگاه کلمبیا درخواست کرده است با لغو دعوتنامه مانع نفرت‌پراکنی وی شود».

کریستین کوئین سپس گفت: احمدی‌نژاد فقط به یک دلیل این‌جاست تا به نفرت‌پراکنی زننده خود در صحنه جهانی بپردازد».

وی در ادامه گفت: «احمدی‌نژاد می‌تواند هر چیزی دلش می‌خواهد در گوش هر خیابان بگوید، اما نباید تریبون یکی از معتبرترین مراکز آموزش عالی نیویورک را در اختیارش نهاد».

بازتابهای اجماع بین‌المللی علیه رژیم ایران برای تشدید تحریمها

الشرق‌الاوسط: روسها و فرانسویها علیه رژیم ایران

روزنامه الشرق‌الاوسط چاپ لندن، در شماره ۲۸شهریور خود، طی مقاله‌یی با عنوان، «روسها و فرانسویها علیه رژیم ایران» نوشت: برای اولین بار از زمان برقراری جمهوری اسلامی، یک اجماع بین‌المللی از جانب آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه علیه رژیم ایران به‌وجود آمده است. پیام آشکار این اجماع این است که اوضاع به‌کام احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور تندرو رژیم ایران، پیش نمی‌رود و جهان بر سر مسأله هسته‌یی رژیم ایران کوتاه نخواهد آمد.

این روزنامه با اشاره به اظهارات برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه، نوشت: در یک نتیجه‌گیری عام، شکی در این نیست که جنگ در راه است و طرفین، خود را همه جانبه آماده می‌کنند.

الشرق الاوسط افزود: انتخابات فرانسه، حادثه غیرمنتظره‌یی بود که حساب و کتابهای رژیم ایران را به‌هم ریخت. چرا که سارکوزی از راه رسید و سیاست شدیدتری را علیه رژیم ایران اتخاذ کرد. اما آن‌چه که رهبران رژیم ایران نسبت به فرانسه انجام دادند، چیزی جز فحاشی به‌رئیس‌جمهور جدید فرانسه نبوده است. آن‌چه که در مسکو و پاریس و برلین شنیده می‌شود، همه یکسان است. واقعیتی که در جنگ عراق وجود نداشت. در مورد وضعیت ایران متفاوت است چرا که همه قانع هستند که رژیم ایران با اصرار بر غنی‌سازی و گام‌برداشتن به سمت سلاح هسته‌یی و گسترش فعالیتهای نظامی در منطقه، با آتش بازی می‌کند.

تلویزیون ب.اف.ام فرانسه: به‌نظر می‌رسد آغاز جنگ اقتصادی میان فرانسه و رژیم ایران پیشاپیش اعلام شده باشد

تلویزیون ب.اف.ام فرانسه در روز ۲۵شهریور، نوشت: به‌نظر می‌رسد آغاز جنگ اقتصادی میان فرانسه و رژیم ایران پیشاپیش اعلام شده باشد. از یک سو برنارد کوشنر از شرکتهای بزرگ فرانسوی می‌خواهد که دیگر به پیشنهادهای رژیم ایران پاسخ ندهند و از سوی دیگر پروژه‌های فرانسه در ایران مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرند. اولین واکنش به سخنان برنارد کوشنر از سوی وزیر نفت رژیم ایران صورت گرفت. وی در مصاحبه با روزنامه تایمز مالی اعلام کرد، می‌خواهد پروژه گازی بسیار مهم شرکت توتال را در جنوب کشور، مورد تجدیدنظر قرار دهد. این شرکت نفتی فرانسوی که از فعالان تاریخی در ایران بوده، برای هر قراردادی، با شرکت انگلیسی هلندی شل و شرکت انی ایتالیا به رقابت می‌پردازد و به‌زودی شرکتهای آسیایی هم وارد این رقابت خواهند شد».

لیبراسیون: رژیم ایران به‌تنهایی به«محور شر» فرانسه تبدیل گردیده است

برنارد کوشنر، وزیر خارجه فرانسه، به نقل از کارشناسان هشدار داد: رژیم ایران برای دستیابی به بمب اتمی، تنها به هشت تا نُه ماه زمان نیاز دارد. از این رو باید فوراً اقدام کرد.

روزنامه لیبراسیون طی گزارشی در روز ۳۱شهریور، تحت عنوان «در واشنگتن، رئیس دیپلوماسی فرانسه قاطعیت خود را در قبال رژیم ایران حفظ می‌کند»، نوشت: «رژیم ایران که منفور آمریکاییها است، به‌تنهایی به «محور شر» فرانسه تبدیل گردیده است. کوشنر توضیح می‌دهد، در عراق که «بدترین وضعیت را دارد، رژیم ایران همه کاره است. آنها در این سرزمین، هر فعالیت قابل تصوری را انجام می‌دهند». وی تأکید کرد که اگر رژیم ایران بمب اتمی در اختیار داشته باشد، «کشورهای منطقه نیز بلادرنگ خود را به آن مسلح خواهند ساخت. این از یک تهدید جهانی فراتر خواهد بود و شروع یک انفجار به‌شمار خواهد رفت».

فیگارو: یک ایران مجهز به سلاح اتمی غیرقابل قبول است

روزنامه فیگارو نیز طی گزارشی از سخنان برنارد کوشنر در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، به نقل از وی، نوشت: «یک ایران مجهز به سلاح اتمی، برای ما چشم‌اندازی غیرقابل‌قبول است... آنها به‌دنبال خریدن زمان هستند... رژیم تهران رویارویی با جامعه بین‌المللی را انتخاب کرده، این انتخاب ما را مجبور می‌کند که فشار را افزایش بدهیم».وی طی یک کنفرانس مطبوعاتی نیز، گفت: «وضعیت بسیار خطرناک بوده و به‌شدت وخیمتر شده است، آشوبها در این منطقه گسترده هستند، رخدادهایی وجود دارند که موجب نگرانی می‌شوند».

لوموند: سخت‌تر شدن لحن پاریس در قبال رژیم ایران

هم‌چنین روزنامه لوموند ۳۰شهریور، با عنوان «(پرونده) هسته‌یی رژیم ایران در قلب دیدار برنارد کوشنر در واشنگتن»، تصریح کرد: «در هر حال موضعگیریهای برنارد کوشنر در واشنگتن سخت‌ترشدن لحن پاریس در قبال رژیم ایران و هم‌چنین نزدیک‌شدن دیپلوماسیهای فرانسه و آمریکا را بر سر این پرونده، مورد تأیید قرار دادند».

السفیر: اولویت مسأله ایران برای فرانسه

روزنامه لبنانی السفیر در شماره ۳۰شهریور، نوشت: به‌نظر می‌رسد موضوع ایران برای مقامات فرانسوی اولویت اول را پیدا کرده و حتی از مسائل داخلی هم برای آنها مهمتر شده است. اظهارات برنارد کوشنر علیه برنامه هسته‌یی رژیم ایران در واقع تکمیل سخنان ماه گذشته نیکولا سارکوزی است که اعلام کرده بود با ادامه روند کنونی جهان باید بین بمب هسته‌یی ایران و حمله هوایی به آن یکی را انتخاب کند.

وحشت و سوز و گداز رژیم آخوندی از مواضع شدید فرانسه علیه طرحهای اتمی حکومت آخوندی

نامه ۲۳۲ نماینده مجلس ارتجاع: مواضع خصمانه و غیرعقلایی تأسف‌بار است، در مواضع اقتصادی خود با این کشور تجدیدنظر می‌کنیم

وحشت آخوندها از فعالیتهای فرانسه برای تحریم رژیم

مقامهای مختلف رژیم و نمایندگان مجلس ارتجاع که از موضعگیری قاطع مقامهای فرانسوی علیه جاه‌طلبی هسته‌یی رژیم آخوندی به‌شدت نگران شده‌اند، به تهدید و شانتاژ متوسل می‌شوند.

حداد عادل، رئیس مجلس ارتجاع، دولت فرانسه را مورد حمله قرار داد و گفت: «اظهارنظری که از وزیر خارجه دولت جدید فرانسه نقل شد تعجب‌آور بود... این صحبت وزیر خارجه فرانسه حکایت از آن دارد که فرانسه می‌خواهد راه انگلیس را طی کند»(خبرگزاری رژیم ـ ایرنا ۲۸شهریور۸۶).

غلامحسین الهام، سخنگوی کابینه پاسدار احمدی‌نژاد، دولت فرانسه را مورد حمله قرار داد و گفت: «فرانسویها حرف خود را بزنند. تکرارکننده حرفها و دنباله‌رو، سیاستهای شکست‌خورده دیگران نباشند... این سخنان را، آزمون دوران آماتوری تلقی می‌کنیم و امیدواریم که زودتر حرفه‌یی شوند»(خبرگزاری رژیم ـ ایرنا ۲۸شهریور۸۶).

آخوند احمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان ارتجاع، در نمایش جمعه تهران، گفت: «تازه به‌دوران رسیده‌های حکومت در فرانسه باید توجه داشته باشند که طناب آمریکا پوسیده است و با این طناب پوسیده به‌چاه نروند»(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۳۰شهریور۸۶).

هم‌چنین ۲۳۲تن از نمایندگان مجلس رژیم دولت فرانسه را تهدید کردند: با توجه به‌موضع خصمانه و غیرعقلانی فرانسه، در مواضع اقتصادی خود با این کشور تجدیدنظر می‌کنیم. در نامه نمایندگان مجلس رژیم، آمده است: «موضع دولت فرانسه تأسف‌بار است. دولت جدید فرانسه باید به‌خوبی بداند که منطقه خلیج فارس منطقه‌یی حساس، نفتی و گره خورده با اقتصاد جهانی است و برافروختن هر آتشی در این دریای نفت همه منطقه را به آتش خواهد کشید و فرانسه نیز با ارتباطات گسترده با این منطقه بیش از دیگران متضرر خواهد شد».

حمیدرضا حاجی بابایی، عضو هیأت‌رئیسه مجلس رژیم، فرانسه را مورد تهدید قرار داد و گفت: «فرانسه مطمئن باشد نتیجه رفتار غیرعقلایی و موضع گیریهای خصمانه اخیر خود را خواهد دید. رئیس مجلس نیز به‌عنوان عضو شورای عالی امنیت ملی موضوع را با این شورا مطرح و در خصوص آن تصمیم‌گیری خواهد کرد. سیاستمداران فرانسه مطمئن باشند که نتایج منفی این موضع‌گیری را خواهند دید(روزنامه اعتماد ۲۹شهریور۸۶).

رضا طلایی‌نیک، عضو کمیسیون امنیت مجلس ارتجاع، گفت: «دنباله‌روی فرانسه از آمریکا به نفع این کشور نیست، موضع اخیر مقامات پاریس نسبت به پرونده هسته‌یی ایران و تکرار تهدیدات بی‌نتیجه آمریکا به موقعیت فرانسه در ایران و خاورمیانه لطمه خواهد زد. پس از انتخاب سارکوزی، در مواضع سیاست خارجی فرانسه، بی‌ثباتی رخ داده است. تغییرات جهت‌دار در مواضع سیاسی دولت فرانسه نسبت به مسائل بین‌المللی و به‌ویژه خاورمیانه در ماههای اخیر به جایگاه فرانسه در جهان آسیب زده است».

علاءالدین بروجردی، گفت: «منطقه خلیج فارس یکی از بزرگترین و مهمترین مناطق نفتی دنیاست بنابراین اگر قرار باشد آتشی در این منطقه برافروخته شود تنها در این نقطه نبوده و قبل از هر کشوری منافع کشورهایی هم‌چون فرانسه را به‌خطر می‌اندازد. فرانسویها می‌دانند اگر این‌جا آتش‌افروزی کنند دودش به‌چشم خودشان می‌رود».

آخوند نمازی، عضو مجلس خبرگان ارتجاع، گفت: «جمهوری اسلامی ایران آماده مقابله باهرنوع تهدیدی است، به‌وزیر امور خارجه فرانسه هشدار می‌دهیم که مراقب سخنان خود باشد».

پاسدار حسین شریعتمداری، نماینده ولی‌فقیه ارتجاع در مؤسسه کیهان، رئیس‌جمهور فرانسه را مورد اهانت قرار داد و گفت: «سارکوزی یک دیپلومات تحقیرشده است. باید در روابط اقتصادی فرانسه را گوشمالی داد»(خبرگزاری رژیم ۲۷شهریور۸۶).

علی آهنی سفیر آخوندها در فرانسه نیز گفت: «ما از شنیدن اظهارات برنارد کوشنر بسیار تعجب کردیم، زیرا این سخنان تلقین می‌کند که دیپلوماسی فرانسه به‌سوی پیروی از آمریکا پیش می‌رود».

وی افزود: سخنان برنار کوشنر هم‌چنین تأسف‌بار است(خبرگزاری رژیم ـ فارس ۲۷شهریور۸۶).

سوز و گداز روزنامه جمهوری از پایان‌یافتن دوران شیراک

روزنامه جمهوری اسلامی سرمقاله ۲۸شهریور خود را به حمله و اهانت به دولت فرانسه و مقامهای آن اختصاص داد.

این روزنامه باعنوان «آیا در تیم سارکوزی فرد عاقلی هم هست؟» نوشت: وزیر امور خارجه فرانسه در یک موضعگیری گستاخانه علیه جمهوری اسلامی ایران، گفت: جهان باید برای احتمال درگرفتن جنگ بر سر برنامه هسته‌یی ایران آماده باشد... این نخستین بار نیست که فرانسه در دوران سارکوزی موضعی خصمانه‌تر از واشنگتن علیه ایران اتخاذ می‌کند و با رفتار غیراصولی در قبال فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌یی ایران سعی دارد در جای دیگری از آمریکا امتیاز بگیرد».

جمهوری اسلامی به‌عامل وحشت آخوندها یعنی مجاهدین پرداخت و افزود: فرانسه برای یک دوره طولانی پناهگاه تروریستهای ضدایرانی بود و هنوز هم پاریس برای ابراز دشمنی کورکورانه وسوسه می‌شود.

این روزنامه حکومتی به‌خاطر پایان‌یافتن دوران ژاک شیراک حسرت خورد و نوشت: «دولتمردان گذشته در پاریس قاعدتاً استعدادهای بیشتری برای درک پیچیدگیها و ظرافتهای این پدیده داشتند که راه خود را از همان ابتدای ماجرای اشغال عراق از راه آمریکا جدا کردند».

جمهوری اسلامی هم‌چنین در سرمقاله شماره ۲۹شهریور خود بار دیگر دولت فرانسه را مورد حمله قرار داد و با لحن توهین‌آمیزی نوشت: «این روزها شاهد رویارویی نابخردانه فرانسه با برنامه‌های هسته‌یی ایران بودیم به گونه‌یی که نشان داد مقامات جدید فرانسه در زمینه خصومت با انقلاب اسلامی ایران دست‌کمی از آمریکاییها ندارند. برنارد کوشنر وزیر خارجه جدید فرانسه در اظهاراتی خصمانه ایران را در زمینه فعالیتهای هسته‌یی به برخورد نظامی تهدید کرد».

این روزنامه حکومتی در ادامه با لحن تهدیدآمیزی نوشت: «قطعاً موضع وزیرخارجه تازه کار فرانسه درباره پرونده هسته‌یی ایران و تکرار تهدیدات بی‌نتیجه آمریکاییها را به‌موقعیت فرانسه در ایران خاورمیانه و جهان لطمه خواهد زد. از این‌رو لازم است مقامات جمهوری اسلامی ایران واکنش مناسبی نشان دهند تا مقامات فرانسوی بدانند درصورت تکرار چنین اشتباهاتی و ادامه مواضع غیرمنطقی علیه جمهوری اسلامی ایران با پاسخ قاطعی مواجه خواهند شد. به‌نظر می‌رسد دلیلی ندارد که فرانسویها از امکان ارتباطات گسترده اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران برخوردار باشند، مقامات فرانسوی باید بدانند که میلیاردها یورو تعامل اقتصادی با تهران در معرض تهدید قرار خواهد گرفت».

پاسدار سرتیپ محمود فرهادی سرکرده قرارگاه ظفر نیروی تروریستی قدس در عراق به‌دام افتاد

رژیم آخوندی مدعی شد هیأت ایران برای آگاهی از وضع بیماری وبا که اخیراً در عراق شیوع یافته وارد این منطقه شدند

سخنگوی مجاهدین گفت رژیم فاشیستی ولایت‌فقیه و تروریستهای صادراتی آن، خود، وبا و طاعون مجسم مردم ایران و عراقند

روز ۲۹شهریور، ارتش آمریکا طی بیانیه‌یی از دستگیری چند تن از تروریستهای نیروی قدس سپاه رژیم در شهر سلیمانیه عراق خبر داد. پس از دستگیری این نفرات مشخص شد که آنها سرکرده قرارگاه رمضان، مسئول اطلاعات منفور آخوندی در شمال عراق و فرماندار رژیم در قصرشیرین بوده‌اند. آنها که در پوشش اعضای یک هیأت تجاری رسمی به‌کردستان عراق آمده بودند، غافلگیر شده و دستگیر شدند(تلویزیون الحره ۲۹شهریور۸۶).

پس از دستگیری این هیأت تروریست، رژیم شروع به داد و فغان کرده و مدعی شد که این هیأت به‌دعوت مقامات کردی وارد سلیمانیه شده بوده است و مهره اصلی آن یک تاجر بوده است. یک مقام محلی رژیم تهدید کرد که اگر تا ۲۴ساعت این نفرات آزاد نشوند مرز با کردستان عراق را خواهد بست. خبرگزاری رویتر در روز اول مهر خبر داد در جلسه‌یی که با حضور دبیرکل سازمان ملل برای بررسی مسائل عراق برگزار شده بود، متکی وزیر خارجه رژیم، با انتقاد شدید از آمریکا خواستار آزادی آنها شد و گفت: «چطور می‌توان از ایران انتظار داشت که به ثبات در عراق کمک کند در حالی‌که آمریکا همان مقاماتی را که قادر به کمک در این زمینه هستند، دستگیر کرده است». اما سخنگوی ارتش آمریکا این ادعا را رد کرد و گفت: ارتش آمریکا از روی یک عکس برای شناسایی این فرد، استفاده نموده است. سرگرد وینفیلد دانیلسون، روز ۳۰شهریور به‌خبرگزاری فرانسه گفت: «من به دلایل امنیتی نمی‌توانم مدرک مشخصی را که داریم ارائه دهم، اما می‌توانم بگویم که نیروهای ائتلاف این شخص را از روی یک عکس شناسایی کرده‌اند، بنابراین ما مطمئن هستیم فردی که به دنبالش بودیم را دستگیر کردیم. این شخص در انتقال وسایل انفجاری پیشرفته به عراق دخالت داشته و گزارشها نشان می‌دهد که به‌رغم ابتکارات دیپلوماتیک اخیر، او هم‌چنین در نفوذ تروریستهای خارجی به داخل عراق نیز دست دارد».

رژیم آخوندی دستگیری سرکرده قرارگاه نیروی تروریستی قدس را به‌مجاهدین نسبت داد

رژیم آخوندی با جزع و فزع بسیار، دستگیری سرکرده قرارگاه نیروی تروریستی قدس در سلیمانیه عراق را به مجاهدین نسبت داد.

واحد مرکزی خبر رژیم، اعلام کرد: نیروهای وابسته به گروهک خلق ایران توانستند آمریکاییها را متقاعد کنند که یکی از افراد هیأت بازرگانی ایران مستقر در هتل پالاس سلیمانیه، عضو سپاه قدس است. سپس ماموستا سیف‌الدین، رئیس دستگاه اطلاعاتی کردستان عراق معروف به دستگاه آسایش تصریح کرد، بیست تن از نیروهای ویژه آمریکا با خودروهای غیرنظامی بامداد پنجشنبه ۲۹شهریور، به هتل پالاس در مرکز سلیمانیه حمله کردند و فرهادی را به مکان نامعلومی‌بردند.

خبرگزاری حکومتی فارس گزارش کرد: نیروهای وابسته به گروهک تروریستی منافقین توانستند آمریکاییها را متقاعد کنند که آقای فرهادی، تاجر ایرانی و عضو هیأت بازرگانی ایران که در هتل پالاس شهر سلیمانیه اقامت دارد، عضو فعال سپاه پاسداران است. تلویزیون رژیم به نحو مسخره‌یی ادعا کرد: سازمان اطلاعات آمریکا در کردستان عراق با سازمان مجاهدین خلق، منافقین همکاری دارد. هیأت ایران به‌نا بدعوت رسمی حکومت خودمختار کردستان عراق و برای همکاریهای تجاری و آگاهی از وضع بیماری وبا که اخیراً در این منطقه شیوع یافته وارد این منطقه شدند.

سخنگوی مجاهدین گفت رژیم فاشیستی ولایت‌فقیه و تروریستهای صادراتی آن، خود، وبا و طاعون مجسم مردم ایران و عراقند.

سخنگوی مجاهدین افزود: رژیم آخوندی پس از دریافت یک ضربه کاری بر روی نیروی تروریستی قدس دچار هذیان‌گویی شده است. رژیم، پاسدار سرتیپ فرهادی، فرمانده قرارگاه ظفر نیروی تروریستی قدس را ابتدا یک تاجر بیگناه ایرانی، سپس عضو هیأت همکاریهای تجاری و آن‌گاه کارشناس وبا و طاعون! و بعد کارگزار تبلیغاتی رژیم و دست آخر نفر فعال سپاه معرفی نمود!

روز پنجشنبه ۲۹شهریور خبرگزاریها اعلام کردند که یک سرکرده قرارگاه رمضان، مسئول اطلاعات منفور آخوندی در شمال عراق و فرماندار رژیم در قصرشیرین، در شمار مأموران دستگیر شده رژیم آخوندی توسط نیروهای آمریکایی در سلیمانیه در کردستان عراق هستند.

رژیم آخوندی این خبر را قویاً تکذیب کرد و اعلام نمود هیأت بازرگانی ایران که به‌درخواست حکومت خودمختار کردستان عراق برای کمک‌رسانی به حل بحران شیوع بیماری وبا و هم‌چنین همکاری و کمک تجاری به سلیمانیه آمده است در بدو ورود به این شهر در تعقیب افراد ناشناس قرار گرفته وسپس در بامداد پنجشنبه ۲۹شهریور در تهاجم نیروهای آمریکایی به هتل پالاس سلیمانیه دستگیر شده است.

رژیم از فرط درماندگی به دروغ ادعا کرد: نیروهای وابسته به گروهک خلق ایران هر روز به همراه نیروهای آمریکایی و با خیالی راحت و ازادی عمل کامل در شهر رفت و آمد می کنند.

«پرس تی وی» رژیم آخوندی نیز با استیصال فوق‌العاده خبر داد: شواهد قوی وجود دارد که سازمان مجاهدین خلق در همکاری با سازمان سیا اقدام به ربودن فرهادی مقام ایرانی نموده است. فرهادی یکی از اعضای هیأت تبلیغی ایران در سلیمانیه بوده است.

تلویزیون رژیم خبر داد: هیأت بازرگانی ایرانی در این شهر تحت تعقیب افراد ناشناسی قرار داشت که بدون بازرسی وارد هتل می شدند و شاید مدارک لازم امنیتی به‌همراه داشتند.

پاسدار فرهادی از سرکردگان شناخته‌شده قرارگاه موسوم به‌رمضان رژیم آخوندی است

پاسدار سرتیپ محمود فرهادی، سرکرده قرارگاه ظفر نیروی تروریستی قدس در کرمانشاه، از سرکردگان شناخته‌شده قرارگاه موسوم به‌رمضان رژیم آخوندی است که از زمان جنگ ۸ساله، قرارگاه عملیات تروریستی رژیم در داخل خاک عراق به‌شمار می‌رفت و پس از جنگ نیز شماری از ۱۵۰عمل تروریستی علیه مجاهدین در این قرارگاه طراحی و فرماندهی و هدایت می‌شد. قرارگاه موسوم به رمضان هم‌چنین مسئولیت بسیاری از ترورهای رژیم در کردستان عراق را به‌ویژه علیه گروههای کرد ایرانی برعهده داشت.

در حال حاضر قرارگاه ظفر نیروی تروریستی قدس، قرارگاه عملیاتی شمال عراق (منطقه کردی ودیالی) می‌باشد.

پاسدار فرهادی طی ۱۰سال گذشته همواره از فرماندهان قرارگاه رمضان مستقر در کرمانشاه بوده که از اوایل سال۷۴ از طرف فرماندهی نیروی قدس به‌عنوان فرمانده اطلاعات قرارگاه ظفر شروع به‌کار کرد ودر سال۸۲ به‌عنوان معاون قرارگاه ظفر منصوب شد.

پاسدار فرهادی در مقطع حمله نیروهای ائتلاف به عراق، هنگامی که نیروها و فرماندهان سپاه ۹بدر پاسداران انقلاب اسلامی از محور قصرشیرین وارد عراق شدند، به‌عنوان رابط و هماهنگ‌کننده ۹بدر و فرماندهی نیروی قدس و قرارگاه رمضان عمل می‌کرد و به‌همراه نیروهای ۹بدر وارد عراق شد و تا بغداد آنها را فرماندهی کرد.

همزمان با پایان جنگ و شروع دخالتهای مستقیم نیروی قدس در عراق، مراکز فرماندهی نیروی قدس به شهرهای مرزی ایران منتقل شد. درهمین رابطه مرکز ظفر به قصرشیرین منتقل گردید و پاسدار مسگریان، فرمانده قبلی قرارگاه ظفر، درآن‌جا مستقر شد. پاسدار فرهادی نیز به‌عنوان معاون مسگریان در مقر کلار مستقر گردید و مسئول مستقیم نیروی تروریستی قدس در استان دیالی عراق شده است.

کار اصلی پاسدار مزبور سازماندهی تیمهایی از سپاه ۹بدر پاسداران انقلاب اسلامی بود که اکنون به سازمان بدر تغییر نام داده است!

تیمها و گروههای تروریستی مزبور برای جمع‌آوری اطلاعات از نیروهای ائتلاف و مجاهدین و هم‌چنین طراحی عمل تروریستی علیه مجاهدین تشکیل شدند.

سه سال پیش در مرداد۱۳۸۳ نیروهای آمریکایی در تعقیب بمبگذاران و تروریستهای صادراتی رژیم ایران، به مقر قرارگاه ظفر در شهر کردی کلار تهاجم کردند.

پاسدار فرهادی و معاون او پاسدار زنگنه، در این مقر حضور داشتند ولی در همکاری با مزدوران محلی و گروه دیگری از عناصر وابسته به‌رژیم ایران که خود را حزب سوسیالیست می‌خوانند، فرار کردند و از راههای فرعی به کرمانشاه برگشتند.

فهرست اقدامات و عملیات تروریستی پاسدار فرهادی بسیار طولانی است

پاسدار سرتیپ فرهادی، سپس در قسمت تأمین امنیت نیروی قدس در شمال عراق به‌کار پرداخت و تا مدتی در دفتر روابط رژیم ایران در دربندیخان در مجاورت «اداره آسایش محل» مستقر بود.

پاسدار فرهادی پس از مدتی به کرمانشاه برگشت و مسئولیت اداره و تأمین شبکه‌های مختلف تروریستی در استان دیالی، بغداد و سلیمانیه را برعهده گرفت، به‌طورخاص او نقش اصلی را درهدایت شبکه‌های تروریستی دراستان دیالی و پشتیبانی از شبکه‌های تکفیری برعهده داشت.

آن‌گاه ازابتدای سال۸۶ مسئولیت وی ارتقا یافت و به‌جای سرتیپ پاسدار مسگریان، به‌عنوان فرمانده قرارگاه ظفر تعیین شد.

فرهادی هم‌چنین مسئول شبکه تروریستی قیس نُصَیف جاسم العَزاوی، معروف به ابوانْفال بغدادی در استان دیالی می‌باشد که در سالهای اخیر نقش زیادی درکشتارهای فرقه‌یی در دیالی ایفا نموده و با شبکه ابومصطفی شیبانی در کرمانشاه در ارتباط می‌باشد. فرد اخیر در ۸شهریور۸۶ (۳۰ اوت۲۰۰۷)،از طرف نیروهای ائتلاف در یک روستای مرزی دستگیر شده است.

فهرست اقدامات و عملیات تروریستی پاسدار مزبور طولانی است و ازجمله می‌توان در موارد زیر از آن یاد کرد: اداره شبکه‌های ارسال محموله‌های سلاح و بمبهای، EFP، موشک ضدهوایی وکاتیوشا از ایران به کردستان عراق و استان دیالی.

ارتباط با شبکه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان و بردن افراد به داخل ایران برای آموزشهای تروریستی و بمبگذاری.

و اداره پایگاههای واسط نیروی تروریستی قدس در شهرهایی از قبیل خانقین، سلیمانیه و بلدروز در عراق و شهرهای قصرشیرین و نوسود و سومار در داخل ایران.

پاسدار فرهادی هم‌چنین نقش به‌سزایی در اعزام گسترده عناصر و گروههای شبه‌نظامی برای آموزش در پادگانهای نیروی قدس در کرمانشاه و ایلام برعهده داشته است.

به گزارش تلویزیون الشرقیه در روز ۳۱شهریور، رئیس‌جمهور عراق به رایان کراکر، سفیر آمریکا و ژنرال پتریوس، فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق اطلاع داد که رژیم ایران تهدید کرده است: «درصورتی که افسر ایرانی دستگیر شده در سلیمانیه آزاد نشود، رژیم ایران تمامی مرزهای خود با منطقه کردستان عراق را خواهد بست».

براساس گزارش الشرقیه، کاظمی قمی، سفیر رژیم ایران در بغداد نیز در واکنش به این دستگیری گفته است: «این یک نمونه دیگر از اشتباهاتی است که آمریکاییها در عراق مرتکب شده‌اند».

کشته و دستگیرشدن عده دیگری از تروریستهای رژیم در عراق

طی هفته گذشته علاوه بر پاسدار فرهادی و همراهانش، تعداد دیگری از تروریستهای رژیم به‌دست نیروهای ائتلاف در عراق، کشته یا دستگیر شدند.

روز ۲۶شهریور، خبرگزاری فرانسه به‌نقل از ارتش آمریکا اعلام کرد: در تهاجمی در شهر بغداد، یک شبه‌نظامی وابسته به‌نیروی قدس سپاه پاسداران و ۱۱مظنون دیگر دستگیر شدند. دستگیرشدگان در قاچاق و انبارکردن تسلیحات وارداتی از ایران شرکت داشتند. تسلیحاتی که برای حمله به‌شهروندان عراقی مورد استفاده قرار می گیرد.

روز ۲۸شهریور نیز، نیروهای چندملیتی در عراق اعلام کردند یک تروریست عراقی وابسته به نیروی قدس سپاه پاسداران رژیم ایران را به‌قتل رسانده و هفت مظنون تروریست دیگر را در بلد روز و شمال بغداد دستگیر کردند. تروریست به‌هلاکت رسیده تسلیحات، تجهیزات و تروریستهای خارجی را از مرز ایران به عراق منتقل می‌کرد و تحت تعقیب بود. وی هم‌چنین ارتباطات بیشماری با سایر رهبران گروههایی که در خارج از استان دیالی عملیات تروریستی انجام می‌دادند، داشته است.

در یک عملیات جداگانه در شمال بغداد، فرمانده یک گروه ویژه که بر تمام عملیات لجستیکی این منطقه نظارت داشت، هدف قرار گرفت. وی با یک انبار بزرگ بمبهای جهت‌دار ضد زره که در ۲۵فوریه در منطق بعقوبه عراق کشف شد، مرتبط است. این تروریست هم‌چنین جابه‌جایی تروریستهای خارجی را با تهیه کارتهای شناسایی تقلبی برای آنها تسهیل کرده و در آموزش ساخت بمب به تروریستها و قاچاق تسلیحات از ایران به عراق دست داشته است.

سرگرد وینفیلد دانیلسون، سخنگوی نیروهای چندملیتی، گفت: «گروههای افراطی که به سختی تضعیف شده‌اند به تهدید ثبات و امنیت عراق ادامه می‌دهند. ما به هدف قرار دادن آنها تا زمانی که مطمئن شویم که هیچ پناهگاه امنی در عراق ندارند ادامه خواهیم داد(سایت نیروهای چندملیتی ۲۸شهریور۸۶).

این دستگیرها هم‌چنان که مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند، حاکی از افزایش فعالیتهای تروریستی رژیم و مقابله نیروهای آمریکایی با آنهاست.

حمله نیروهای چندملیتی برای دستگیری تروریستهای رژیم آخوندی در عراق

علاوی و طالبانی درباره وضعیت سیاسی عراق گفتگو کردند

رئیس‌جمهور عراق، روز دوشنبه، در جریان یک ضیافت افطار در محل اقامت خود در بغداد، با اياد علاوی، نخست‌وزیر پیشین عراق دیدار کرد. در این دیدار، دو طرف، وضعیت سیاسی کنونی عراق را مورد بحث و گفتگو قرار دادند.

اياد علاوی، طی مصاحبه‌یی در روز ۲۹شهریور، با تلویزیون العربیه در مورد ملاقاتهایش با اعضای حزب بعث عراق که با حضور مسئولان آمریکایی انجام شده، اظهار داشت که گفتگوها ازجمله برای جلوگیری از دخالتهای رژیم ایران در عراق، نحوه حضور نیروهای آمریکایی و متوقف کردن سیاست بعث‌زدایی بوده است.

روزنامه السیاده ۲۶شهریور، طی مقاله‌یی با عنوان علاوی با آلترناتیو فرقه‌گرایانه مقابله می‌کند با اشاره به عقاید ضدفرقه‌گرایانه و طرح نجات ملی علاوی، نوشت: طرح دکتر علاوی برای نجات عراق، سنگ بنای روند سیاسی درمرحله آینده است. این طرح، منافع حزبی، مذهبی و نژادی را به منافع ملی ترجیح نمی‌دهد و به سرزمین و مردم عراق فکر می‌کند و برای نیل به امنیت و آرامش برای تمامی عراقیان و برای محقق‌شدن آشتی ملی، بدون این‌که قشری را مستثنی کند، روی گشاده به‌تمامی عراقیان دارد و از سرسپردگی به این یا آن همسایه به‌دور بوده و به عراق و عراقیان سرسپاری دارد.

علاوی: اظهارات احمدی‌نژاد مبنی بر پر کردن خلأ امنیتی عراق غیرقابل تحمل است

اياد علاوی نخست‌وزیر پیشین عراق، اظهارات پاسدار احمدی‌نژاد مبنی بر پر کردن خلأ امنیتی عراق را دخالت آشکار در امور داخلی عراق و غیرقابل‌تحمل دانست. وی روز ۲۸شهریور در گفتگو با تلویزیون صلاح‌الدین گفت: «دولت و نیروهای سیاسی و اجتماعی عراقی باید بدانند که ما از رژیم ایران می‌خواهیم در امور داخلی ما دخالت نکنند. رژیم ایران صراحتاً می گوید مخالف علاوی است و این موضوع را با ذکر نام در مطبوعات خود منتشر می‌کند. آیا این یک موضوع داخلی عراق نیست؟ من بخشی از جامعه عراق و واقعیت عراق هستم و وقتی دولتی با من و منصب من مخالفت می‌کند دخالت آشکار در امور داخلی عراق محسوب می‌شود. رئیس‌جمهور رژیم ایران می‌گوید نیروهای مخالف دولت و نیروی اپوزیسیون در پارلمان، فاسد و مفسد هستند و این اظهارات را در برابر نخست‌وزیر عراق مطرح می‌کند. احمدی‌نژاد هم‌چنین می‌گوید ما آماده‌ایم جای آمریکاییها را در عراق پر کنیم. این چیزی است که یک عراقی نمی‌تواند آن را تحمل کند. مگر عراق صاحب و تاریخ ندارد؟ بدتر از موضع‌گیری رئیس‌جمهور رژیم ایران، سکوت برخی احزاب و نیروهای سیاسی است که تا کنون موضع‌گیری نکرده‌اند».

وی هم‌چنین گفت: «چندین افسر اطلاعات رژیم ایران در بازداشت نیروهای آمریکایی قرار دارند که تا کنون در این باره، دولت هیچ‌گونه موضعی در برابر مردم و پارلمان، اتخاذ نکرده است. این غیرقابل‌قبول و غیرقابل‌توجیه می‌باشد».

علاوی افزود: «ایجاد دولتی قدرتمند و متمدن به‌دور از هرگونه سمتگیری قومی و مذهبی وظیفه اساسی هر عراقی است. هرکس می‌تواند هر دین و مذهب و قومیت و سیاستی داشته باشد ولی مهمتر از همه چیز ”عراق“ است و این فصل مشترک ما عراقیان است». اياد علاوی هم‌چنین با اشاره به‌گزارش ژنرال پتریوس که اقدامات نوری مالکی در زمینه آشتی ملی را ناامیدکننده خوانده بود، گفت: «راه‌حل سیاسی اوضاع عراق، در توقف حمام خون و ارائه خدمات به‌مردم است. عراق، نیاز به آشتی ملی واقعی دارد تا ازاین اوضاع فاجعه‌بار خلاصی یابد.

۲میلیون از مردم عراق آواره شده‌اند

سازمان بین‌المللی مهاجران، روز ۲۷شهریور، در بیانیه‌یی اعلام کرد، شمار عراقیانی که در داخل کشور خود آواره شده‌اند، به دو میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر بالغ می‌شود.

این سازمان که دفتر مرکزی آن در ژنو قرار دارد، در بیانیه خود افزود، شمار آوارگان عراقی در پی بمبگذاری در حرم امامان عسگریین در سامرا، در فوریه۲۰۰۶، تقریبا دو برابر شده است.

در این بیانیه آمده است: اکثریت آوارگان عراقی، در سرپناههای فاقد استانداردهای مسکونی زندگی می‌کنند.

سازمان بین‌المللی مهاجران در جدید ترین بررسی خود، به پیشرفت در بخشهایی از بغداد و استان الانبار که امنیت در آن بهبود یافته اشاره کرد و گفت، اوضاع در استان الانبار به‌دلیل افزایش همکاری بین ائتلافی از قبایل سنی که در سال۲۰۰۶ تشکیل شد و نیروهای آمریکایی، بتدریج تثبیت شده است.

وزیر امور خارجه عراق توپ‌باران مناطق مرزی این کشور را محکوم کرد

هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق، روز ۲۶شهریور گفت توپ‌باران مناطق کردنشین شمال عراق از سوی رژیم ایران و حمایت این رژیم، از شبه‌نظامیان در جنوب عراق، به روابط دو کشور لطمه زده است.

وی با اشاره به سیاست دوگانه رژیم ایران در عراق، گفت ما در مورد همه مسائل، خیلی روشن و صریح با مقامهای رژیم ایران صحبت کرده‌ایم و گفته‌ایم نباید از شبه‌نظامیان و گروههای یاغی حمایت کنید.

رئیس کمیته نیروهای مسلح در سنای آمریکا: تنها راه رسیدن به عراقی مستقل، پایان‌دادن به نفوذ رژیم ایران است

وزارت دفاع آمریکا طی گزارشی در باره آخرین وضعیت عراق اعلام کرد: رژیم ایران فعالیتهای خود را برای تأمین مالی و آموزشی و تسلیحاتی شبه‌نظامیان شیعی در عراق افزایش داده است. در این گزارش که بخشهایی از آن در روزنامه واشینگتن‌پست ۲۷شهریور درج شده، آمده است: وضعیت امنیتی در جنوب عراق رو به‌وخامت گذاشته است چرا که شبه‌نظامیان شیعی رقیب که به‌خاطر قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند، بعد از این‌که از بغداد بیرون رفتند تا از عملیات نظامی آمریکا بگریزند، بر حملات خود افزوده‌اند.

براساس گزارش پنتاگون رژیم ایران برحمایتهای مالی و آموزشی خود از شبه‌نظامیان شیعی افزوده است. شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران مسئول قتل دو استاندار عراقی می‌باشند. آنها هم‌چنین مسئول نزدیک به ۴۰درصد افزایش حملات با سلاحهای مرگبار انفجاری که از اواسط فوریه تا اواسط ماه مه صورت گرفته، می‌باشند».

در ادامه این گزارش آمده است: در بصره، شهری که ۹۰درصد صادرات نفت عراق از آن‌جا صورت می‌گیرد، کاهش مستمر نیروهای بریتانیایی موجب شده است گروههای شبه‌نظامی کنترل شهر را به عهده بگیرند.

در این شهر خشونتها به‌دلیل حضور شبه‌نظامیان شیعی افزایش یافته است.

از سوی دیگر، ژنرال دیوید پتریوس فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق، در بازگشت به‌محل مأموریتش در عراق، به انگلستان سفر کرد و در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن تصریح کرد رژیم ایران به حمایت مهلک خود از شبه‌نظامیان در عراق ادامه می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در روز ۲۷شهریور، ژنرال پتریوس که با رایان کراکر سفیر آمریکا در عراق، در این کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرده بود، گفت: هیچ تردیدی در مورد حمایت رژیم ایران از شبه‌نظامیان وجود ندارد. هیچ تردیدی در مورد تأثیر مخرب و مهلک فعالیتهای رژیم ایران وجود ندارد. مدارک روشنی وجود دارد که این رژیم به شبه‌نظامیان آموزش و تسلیحات ازجمله راکت و بمبهای پیشرفته IED می‌دهد که باعث کشته‌شدن تعداد زیادی از نیروهای چندملیتی شده است.

از پتریوس در مورد چشم‌انداز عملیات نظامی آمریکا در داخل خاک ایران سؤال شد؟ وی در پاسخ گفت: «من به‌دنبال اجازه رسمی برای عبور به‌داخل ایران نیستم. ما بر تمام عراق سیطره داریم. ما برای متوقف کردن ارسال تسلیحات و شبه‌نظامیانی که از اردوگاههای آموزشی ایران می‌آیند، در داخل عراق متمرکز هستیم».

رایان کراکر سفیر آمریکا در عراق نیز تصریح کرد که رژیم ایران هم‌چنان به‌حمایت خود از شبه‌نظامیان عراقی ادامه می‌دهد.

سناتور کارل لوین، رئیس کمیته نیروهای مسلح در سنای آمریکا نیز گفت: تنها راه رسیدن به عراقی مستقل، پایان‌دادن به‌نفوذ رژیم ایران و دخالتهایش در این کشور است. تلویزیون الحره در روز ۲۷شهریور، به‌نقل از وی گفت داشتن عراقی مستقل و با ثبات چیزی است که به عراقیان بر می گردد و آن هم یعنی پایان‌دادن به نفوذ و دخالت رژیم ایران در امور داخلی عراق، اما عراق در شرایط فعلی توان متوقف کردن چنین نفوذی را ندارد. تأثیر و نفوذ رژیم ایران در درون عراق وجود دارد و این تأثیر رو به افزایش می‌باشد و لذا باید مقامات سیاسی عراقی را به‌سمت تلاش برای اصلاحات سیاسی به‌منظور ایجاد عراقی مستقل و با ثبات سوق داد و یکی از راههای انجام چنین کاری پایان‌دادن به نفوذ و دخالت رو به‌رشد رژیم ایران در امور داخلی عراق می‌باشد.

هم‌چنین، سناتور جان مک کین از حزب جمهوریخواه آمریکا گفت رژیم ایران به‌دنبال دخالت و حضور همه جانبه در عراق است و حضور نظامی آمریکا، مانع این امر است.

سناتور جان کایل عضو مجلس سنای آمریکا از حزب جمهوریخواه نیز روز ۲۶شهریور در مصاحبه با تلویزیون سی.بی.اس، گفت: ایجاد یک خلأ قدرت در عراق به سود رژیم ایران، عواقب هولناکی برای ما خواهد داشت امکان وقوع نسل کشی و نزاع فرقه‌یی به‌وجود خواهد آمد. وی افزود: عقب‌نشینی زودرس، فاجعه‌بار خواهد بود، نه تنها برای مردم منطقه و عراقیان، بلکه برای امنیت خود ما.

در همین حال، نیوت گینگریچ، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا تصریح کرد بایستی جلو نقش مخرب رژیم ایران در عراق گرفته شود. وی که از اعضای برجسته حزب جمهوریخواه است

ادامه بحران سیاسی عراق و احتمال برگزاری انتخابات زودرس پارلمانی

بحران سیاسی عراق ابعاد جدیدی پیدا کرده است. به‌نوشته روزنامه الزمان، طی دو روز پی درپی، بعد از خارج‌شدن جریان صدر و حزب فضیلت، حزب‌الدعوه تشکیلات عراق نیز اعلام کرد که در فکر بیرون‌کشیدن از این ائتلاف است. به این ترتیب ائتلاف وابسته به رژیم آخوندی با بحران فروپاشی روبه‌رو شده است.

تلاشهای زیادی در جریان است که صدریها را به ائتلاف برگردانند، ولی صدریها گفته‌اند که تصمیمشان در خروج از لیست ائتلاف حکیم، نهایی است. عبدالکریم العنزی رئیس حزب‌الدعوه تشکیلات عراق، به‌خبرگزاری اصوات العراق گفت: ما تلاش می‌کنیم که مسائل با ائتلاف حل بشود و در صورت موفق‌نشدن از ائتلاف خارج خواهیم شد و بعداً به‌طور جدی به‌فکر تشکیل ائتلاف جدید با جریان صدر و حزب فضیلت و دیگران خواهیم بود. با بیرون‌کشیدن جریان صدر با ۳۰کرسی وحزب فضیلت با ۱۵کرسی وحزب‌الدعوه تشکیلات عراق با ۱۳کرسی، برای ائتلاف شیعی حکیم، ۸۳کرسی بیشتر باقی نخواهد ماند.

عباس البیاتی، نماینده پارلمان از ائتلاف شیعی، گفت: خارج‌شدن پی‌درپی جریانهای سیاسی، این ائتلاف را سراسیمه کرده و به‌هم ریخته است. به‌گفته او، تلاشهای فشرده‌یی برای برگرداندن صدریها درجریان است.

دکتر عدنان الدلیمی رهبر جبهه توافق عراق، گفت خروج جریانهای مختلف از دولت نوری مالکی و ائتلاف شیعی باعث به‌هم‌ریختگی بیشتر این دولت و شکست نهایی آن خواهد شد(تلویزیون الحره ۲۶شهریور۸۶).

در کنار این تحولات، در چند روز اخیر زمزمه‌های تجدید انتخابات در عراق، بالا گرفته و دربرخی از مطبوعات انتشار یافته است.

طارق الهاشمی: روند سیاسی در حال احتضار است

طارق الهاشمی، رهبر حزب اسلامی عراق و یکی از دو معاون رئیس‌جمهور این کشور، در مصاحبه‌یی با روزنامه الزمان بین‌المللی ۲۷شهریور، گفت: روند سیاسی در حال احتضار است و باید به‌طور ویژه برای نجات آن وارد عمل شد و راه‌حل، تجدیدنظر در اصولی است که روند سیاسی از ابتدا بر پایه آن بنا شده است. باید معیار هویت ملی به‌جای هویت مذهبی و نژادی قرار بگیرد و برای محقق‌شدن آن باید یک میثاق اجتماعی با تضمینهای بین‌المللی ایجاد کرد.

طارق الهاشمی درباره دخالتهای رژیم ایران در عراق، گفت: «رژیم ایران، هم‌چنان با هدف ادامه خشونت در عراق از شبه‌نظامیان تروریست در این کشور حمایت می‌کند».

معاون رئیس‌جمهور عراق در ادامه این مصاحبه، گفت: مالکی با سوءاستفاده از اختیاراتش به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح و با زیر پاگذاشتن قانون اساسی در بسیاری از شرایط، تغییرات گسترده‌یی در سازماندهی این نیروها ایجاد کرد و حزب‌الدعوه را بر اهرمهای کنترل امنیت در عراق مسلط ساخت و بدین ترتیب بیطرفی و استقلال نیروهای مسلح را از بین برد.

طارق الهاشمی در مصاحبه دیگری در روز ۲۸شهریور با تلویزیون بی.بی.سی، خواستار تغییر در رأس دولت عراق شد و گفت: این دولت پیشینه‌یی از اشتباهات فاحش، ناکارآمدی، و بی‌اعتمادی دارد که من فکر می‌کنم اغلب عراقیان قادر نیستند ناتوانیهای بیشتر دولت را تحمل کنند و به‌خاطر کشور، ما باید به‌جد در مورد یک رهبری جدید فکر کنیم.

هفته‌نامه الشاهد المستقل صورت‌مسأله بحران عراق را در مقاله‌یی به‌تفصیل منتشر کرده است و مشکل را رژیم ایران دانست که از طریق نظام سهمیه‌بندی فرقه‌یی و تقلبات گسترده در انتخابات پیشین عراق، اهرمهای حاکمیت و ارگانهای دولتی را به‌دست احزاب تحت حمایتش قرار داد. این روزنامه راه‌حل کلیدی برون‌رفت از این بحران را، برداشتن ماسک دموکراسی و گرفتن مشروعیت انتخاباتی از این رژیم و ایادی آن در عراق دانست.

الشاهد المستقل می‌نویسد: اخیراً دادگاه قانون اساسی عراق براساس یک اصل ساده حقوقی «آن‌چه بر باطل ساخته شود باطل است» بر غیرقانونی‌بودن قانون انتخابات رأی داده بود. بنابراین پرچم تجدید انتخابات، میهن‌پرستانه‌ترین و مردمی‌ترین شعار روز است و می‌تواند نیروهای ملی و دموکراتیک را حول تضاد اصلی جامعه عراق (یعنی حاکمیت وابسته به‌رژیم ایران)، متحد کند و راه را برای شکل‌گیری ائتلاف و آلترناتیو ملی نیز باز کند و رهبران ملی واقعی را نیز نزد مردم برجسته کند.

الشاهد المستقل می‌افزاید: جوهر شعار تجدید انتخابات در حقیقت زمینه‌ساز برقراری یک دولت نجات ملی (که تنها راه تأمین امنیت یک انتخابات واقعاً آزاد است) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که دولت نجات ملی آن روی سکه «تجدید انتخابات» است چراکه تا اجرای تجدید انتخابات یک دولت موقت بیطرف بر سر کار می‌آید که مهمترین شرطش استعفای دولت کنونی است.

به‌گزارش روزنامه العرب الیوم چاپ اردن، فراکسیون العراقیه ملی، به‌ریاست اياد علاوی نخست‌وزیر اسبق عراق خواستار اجرای انتخابات زودرس برای خروج از بحرانی سیاسی و امنیتی که عراق در دوران حکومت مالکی شاهد آن بوده است، شد.

در بیانیه‌یی که ازسوی این فراکسیون صادر شد به برگزاری انتخابات زودرس با تضمینهای مکفی بین‌المللی و تحت یک حکومت بیطرف برای پایان‌دادن به‌بحران کنونی تأکید شد.

از سوی دیگر، روزنامه الزمان بین‌المللی در شماره ۲۷شهریور خود، از احتمال شکاف دیگری در ائتلاف ٤جانبه حول دولت مالکی خبر داد و به‌نقل از یکی از رهبران کرد عراق، نوشت: ائتلاف چهارجانبه با نوری مالکی، شکاف بی‌سابقه‌یی را بین کردها و جریان صدر ایجاد کرده است که کردها خواهان آن نیستند.

الزمان افزود: رهبران کرد احساس می‌کنند که نوری مالکی تنها برنده ائتلاف چهارجانبه است و ممکن است کردها را وارد درگیریهای جانبی کند و مانع روند سیاسی شود.

بازنگری فعالیتهای اقتصادی «سپاه پاسداران» ـ بخش دوم

یزدان حاج‌حمزه

یورش سپاه به عرصه اقتصاد، در دولت احمدی‌نژاد

سپاه در دولت پاسدار احمدی‌نژاد، به‌طور غیرمستقیم، قوه مجریه و مدیریت اقتصاد کلان ایران را نیز به زیر مهمیز خود درآورده و به‌قدرت اقتصادی بی‌نظیری تبدیل شده که قوه اجرایی و قدرت نظامی ـ امنیتی و سیاسی حاکمیت را یکجا در اختیار دارد و می‌تواند این امتیاز و «رانت سیاسی نظامی امنیتی» را به خدمت پیشبرد هدفهای اقتصادی خود بگیرد. واحدهای فنی «سپاه پاسداران»، بسیج و «نیروهای انتظامی» و هم‌چنین اغلب فرماندهان سابق سپاه که بعد از جنگ لباس نظامی را از تن درآورده‌اند، تحت فرماندهی واحد سپاه به‌عرصه اقتصاد خاکستری و نیمه‌علنی کشور یورش آورده‌اند. در بخش «اقتصاد سپاه» به‌صورت پنهانی در تجارت کالاها و خدمات «غیرمشروع و غیرقانونی» دست دارند، در بخش «اقتصاد خاکستری» کشور به‌صورت علنی به‌تولید و توزیع کالاها و خدمات «مشروع و قانونی» مشغولند ولی به‌دولت مالیات نمی‌دهند و میزان دخل و خرج و محل مصرف درآمدهای این فعالیتها، غیرعلنی است و حسابرسی نمی‌شود. در بخش «اقتصاد سفید» کشور به‌طور «قانونی» از بودجه کل، یا بودجه عمومی کشور و یا از «اعتبارات بانکی» برداشت و هزینه می‌کنند و به‌طور «قانونی» از شمول «قانون محاسبات عمومی» و حسابرسی معاف می‌شوند و به‌کسی حساب پس نمی‌دهند. از یورش اقتصادی سپاه پاسداران در دولت احمدی‌نژاد موارد زیر بارز شده است:

الف ـ پیمانکاری پروژه‌های دولتی

دولت احمدی‌نژاد علاوه بر سپاه، در اولین قانون بودجه‌یی که به تصویب مجلس رسانده، از گاتهای بسیج تحت‌امر سپاه را نیز در ردیف پیمانکاران رسمی و قانونی دولت خود قرار داده است. صفوی، فرمانده کل سپاه پاسداران، روز ۷مرداد۸۴، پس از تصرف کرسی ریاست‌جمهوری رژیم توسط «حزب بادگانی» پاسداران، «درمورد نقش آتی بسیج، در کنار «مقابله با تهدیدات نرم» [سرکوب حرکتهای اجتماعی]، «کمک به‌دولت در بسیج سازندگی» را نیز در ردیف برنامه کار نیروهای تماموقت بسیج اعلام کرد (خبرگزاری فارس ۷مرداد۸۴). به‌دنبال این برنامه‌ریزی سپاه، دولت احمدی‌نژاد، در «قانون بودجه۱۳۸۵»، ارگانهای بسیج را به‌طور قانونی پیمانکار ذیصلاح پروژه‌های عمرانی دولتی شناخت و جزو عقد قرارداد دستگاههای دولتی با ارگانهای بسیج را صادر کرد. در این بودجه‌بندی دولت برای واگذاری کار به‌نیروهای بسیج، بودجه عمرانی را به‌صورت چشمگیری افزایش داد. بدین‌ترتیب درحال‌حاضر سوای ارگانهای سپاه پاسداران که پیمانکاری دست اول پروژه‌های بزرگ ملی دولت را قبضه کرده‌اند، ارگانهای بسیج نیز برپروژه‌های استانی دست انداخته‌اند و در عمل سایر پیمانکاران رسمی را کنار زده‌اند. سپاه در بیشتر موارد رأساً وارد کار اجرایی نمی‌شود و پروژه‌هایی را که از دولت می‌گیرد یا دریافت بخش قابل‌توجهی از سود کار، اجرای آنها را به پیمانکار دست دوم خارجی و یا داخلی واگذار می‌کند (به‌عنوان مثال قرار گاه خاتم‌الانبیا در ماه فوریه۲۰۰۷ با شرکت Daellim کره جنوبی قراردادی به‌مبلغ ۵۰۰میلیون دلار برای مایع‌سازی بخشی از گاز پارس جنوبی، امضا کرد). در مورد سودآوری و جاذبه پروژه‌هایی که به‌سپاه و بسیج واگذار می‌کنند، یادآوری می‌شود که سابق براین پیمانکاران ذیصلاح داخلی و خارجی که مورد تأیید سازمان برنامه و بودجه بودند، برسر گرفتن پروژه‌های مشابه این پروژه‌ها، ضمن قبول همه شرط و شروطهای کارفرما، روی دست یکدیگر بلند می‌شدند و به انواع شگردها متوسّل می‌شدند تا برنده مناقصه این پروژه‌ها شوند. برخی از پروژه‌های دولتی که دولت احمدی‌نژاد بدون مناقصه به سپاه پاسداران واگذار کرده عبارتند از:

۱ـ پروژه‌های نفت و گاز

الف: بهره‌برداری از فازهای ۱۵ و ۱۶ ذخایر گاز پارس جنوبی

قرارداد فازهای ۱۵ و ۱۶ طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی روز هفتم تیر۸۵ در عملیوه با حضور رئیس مجلس، وزیر نفت و جانشین فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه پاسداران امضا شد. فازهای۱۵ و ۱۶ طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی با هدف برداشت روزانه ۵۶میلیون و ۶۰۰هزار متر مکعب گاز از مخزن و تولید ۵۰میلیون متر مکعب گاز طبیعی تصفیه شده و سالانه یک میلیون تن «اتان» و یک میلیون و ۵۰هزار تن گاز مایع از هر یک از این فازها اجرا خواهد شد. بخش خشکی این پروژه [عملیات تصفیه گاز در عملیوه] را نیز قرارگاه خاتم‌الانبیا اجرا می‌کند. هزینه اجرای قرارداد توسعه فازهای۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی حدود ۲میلیارد و ۹۷میلیون دلار برآورد شده که با اضافه‌کردن هزینه عملیات مربوط به بخش خشکی به‌رقمی نزدیک به ۹/۲میلیارد دلار بالغ خواهد شد. درمورد منبع مالی این پروژه، اکبر ترکان، مدیرعامل قبلی شرکت نفت و گاز پارس، اعلام کرده که «به دستور رئیس‌جمهور، تأمین اعتبار مالی مورد نیاز برای توسعه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی از محل حساب ذخیره ارزی خواهد بود» (خبرگزاری فارس ۱۴اسفند۸۴).

لازم به‌یادآوری است که تا خرداد ماه سال پیش قرار بود سپاه پاسداران، این طرح بزرگ را با مشارکت و همکاری شرکت نروژی «ایکرگاوزنر» اجرا کند. اما افشاگری ماهیت سپاه پاسداران درکنفرانس «تجارت و حقوق بشر» روز توسط هواداران شورای ملی مقاومت، مجلس و نخست‌وزیر این کشور را وادار به‌مداخله کرد و باعث شد که قرارداد شرکت نروژی فسخ شود و این شرکت از همکاری با سپاه محروم گردد.

ب ـ عقد قرارداد نصب خط لوله سراسری گاز

این قرارداد روز ۱۷خرداد۱۳۸۵ در حضور صفوی فرمانده‌کل سپاه و هامانه، وزیر نفت احمدی‌نژاد بین قرارگاه خاتم‌الا نبیا سپاه پاسداران و وزارت نفت امضا شده است. مطابق این قرارداد سپاه با هزینه‌یی حدود ۳/۱میلیارد دلار قرار است از عملیوه به‌بندرعباس واز آن‌جا به سیستان و بلوچستان گاز ارسال کند. طول مسیر خط لوله‌یی که فعلا در ایرانشهر به‌پایان می‌رسد، حدود ۹۰۰کیلومتر است. قطر لوله را ۵۶اینچ، یعنی بالاترین قطر موجود لوله‌های فولادی گاز، پیش‌بینی کرده‌اند که از این مسیر بتوانند به پاکستان نیز گاز صادر کنند. ۸۰۸میلیون یورو هزینه ارزی و ۲/۴۴۴میلیارد ریال هزینه ریالی اجرای این پروژه است. به‌گفته مدیر عامل شرکت گاز ایران «تأمین مالی پروژه هم به قرارگاه خاتم‌الانبیا واگذار شده است».

ج ـ فعالیتهای اکتشافی

«قرارگاه خاتم‌الانبیا» سپاه، با مشارکت شرکتهای نفتی چینی، فعالیت گسترده‌یی را برای اکتشافات جدید ذخایر نفت و گاز کشور آغاز کرده است.

فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی

۲ـ پروژه‌های ساختمانی

ـ پروژه‌های نظامی، شامل ساخت تونلها و کارگاههای مخفی زیرزمینی برای مخفی‌کردن برخی از فعالیتهای غیرعلنی رژیم، نظیر فعالیتهای مخفی اتمی و مخفی‌کردن برخی از سلاحهای سنگین نظیر موشکهای دوربرد، به‌طور انحصاری، به سپاه واگذار شده است. برخی منابع از ساخت تونلهای زیرزمینی توسط سپاه در خاک لبنان برای پنهان‌کردن موشکهایی که به‌حزب‌الله لبنان هدیه می‌دهد نیز گزارش می‌دهند.

ـ درمورد پروژه‌های ساختمانی غیرنظامی سپاه، می‌توان به‌نمونه واگذاری پروژه احداث ۲۷کیلومتر از متره تهران، به ارزش حدود ۱/۲میلیارد دلار به «قرارگاه خاتم‌الانبیا» در فروردین ماه۸۵، اشاره کرد.

۳ ـ پروژه‌های آب و برق

ـ در تیرماه۱۳۸۶، وزارت نیرو، اجرای کلیه پروژه‌های زیربنایی برق و آب در غرب کشور را، یکجا و بدون برگزاری تشریفات مناقصه به سپاه پاسداران واگذار کرد.

ب ـ گسترش فعالیت مالکانه سپاه در بخش صنعت

۱ـ صنایع نظامی:

فعالیت سپاه پاسداران در زمینه تولید سلاح در دولتهای قبل از دولت احمدی‌نژاد آغاز شد و در این دولت به سرعت گسترش یافته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به موردی اشاره کرد که توسط مقاومت ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی در مرداد۸۶ در آمریکا افشا شد. در این کنفرانس درباره گسترده تولید سلاح توسط «سازمان صنایع هوا و فضا» یکی از ارگانهای فعال سپاه در ساخت سلاح، اعلام شد: «این سازمان، ۱۲هزار پرسنل دارد و ساخت موشکهای پیشرفته زمین به هوا؛ زمین به زمین، دریا به دریا و زمین به دریا و دریا به زمین و هم‌چنین راکت، بمب، سکوهای پرتاب موشک، و زیردریاکوب و مشخصاً موشکهای شهاب۳ را به‌عهده دارد. سازمان صنایع هوا وفضا دارای ۹گروه صنعتی و ۲۹کارخانه برای ساخت و مونتاژ اجزای موشک و تجهیزات نظامی است. موشکهای شهاب۳ و انواع موشکهای پیشرفته توسط صنایع سازمان هوا و فضا به ریاست سرتیپ پاسدار احمد وحید دستجردی تولید می‌شود». (در قطعنامه‌های اول و دوم تحریم رژیم ایران توسط شورای امنیت، ۱۳واحد از شرکتها و کارخانه‌های سازمان صنایع هوا و فضا در فهرست شرکتهای تحت تحریم این شورا منظور شده‌اند).

۲ـ صنایع غیرنظامی

ـ مونتاژ خودرو

سپاه پاسداران با شرکت مزدای ژاپن قراردادی منعقد کرده و کارخانه‌یی در اطراف تهران دائرکرده است که در آن سالانه ۵۰هزار خودرو مزدا تولید می‌شود و در بازار ایران به فروش می‌رسد.

ـ در بخش صنعت، تعدادی از فرماندهان سپاه که طی جنگ ۸ساله مأمور نظارت بر تغییر خط تولید کارخانه‌های صنعتی بخش دولتی و تولید جنگ‌افزارهایی مثل لوله توپ بودند، مدیریت تولید عادی و غیرجنگی برخی از این کارخانه‌ها را به‌دست گرفته‌اند و با استفاده از سلطه سپاه به اداره این کارخانه‌ها مشغولند.

(ادامه دارد)

سرکوب دانشجویان، معلمین و استادان دانشگاه

سرکوب معلمان

سال۸۵ سال اوج‌گیری اعتراضات معلمان علیه سیاستهای ضدمردمی رژیم بود. واکنش مقامات رژیم نسبت به اعتراضات معلمان به‌جای توجه به خواستهای صنفی آنان عبارت بود از دستگیری ۱۰۰۰نفر از فرهنگیان در ۲۳ اسفند۸۵، تشکیل پرونده در هیأتهای تخلفات و دادگاه انقلاب برای حدود ۳۰۰معلم، زندانی‌نمودن فرهنگیان در بندهای انفرادی خصوصاً بند۲۰۹ زندان اوین، صدور احکام اخراج، بازنشستگی، انفصال، تبعید توسط هیأتهای تخلفات اداری، تشکیل دادگاه انقلاب برای همه معلمان زندانی که با وثیقه آزاد شده‌اند و... در آستانه بازگشایی مدارس، دستگاه قضاییه آخوندها، باغانی، دبیر کل کانون صنفی معلمان را به اتهام فعالیت برای احقاق حقوق معلمان، به دو سال زندان محکوم کرد. اتهام رژیم ساختگی که برای وی عنوان شده است اخلال در نظم و امنیت می‌باشد.

فعالان معلمان می‌گویند: این جایزه‌یی است که رژیم در آستانه بازگشایی مدارس به‌معلمان کشور ما می‌دهد.

در آستانه بازگشایی مدارس، رژیم آخوندی کانون صنفی معلمان کرمانشاه را منحل کرد. تیرداد ناماداری عضو شورای مرکزی کانون صنفی معلمان کرمانشاه گفت: «از طریق وزارت کشور در نامه‌یی به فرمانداری کرمانشاه، انحلال کانون صنفی معلمان کرمانشاه اعلام شده، اما هنوز در مورد ذیل آن جواب دقیقی به ما داده نشده است (خراسان اول مهر۸۶).

کسر حقوق معلمان اسلامشهر به‌جرم شرکت در اعتصاب

کانون صنفی معلمان ایران روز سه‌شنبه ۳مهر۱۳۸۶ خبر داد برای دهها تن از معلمان شهرستان اسلامشهر به‌خاطر حضور در اعتصابات و تجمعات فروردین و اردیبهشت۱۳۸۶، از ۱۵ تا ۱۵۰هزار تومان کسر حقوق اعلام شد. این کسر حقوقها در فیش حقوقی شهریور ماه آنان اعمال شده است.

باند فاشیستی موسوم به‌انصار حزب‌الله، خواستار تصفیه اساتید و اخراج آنها از دانشگاهها شد

همزمان با بازگشایی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، باند فاشیستی موسوم به‌انصارحزب‌الله، خواستار تصفیه و اخراج اساتید از دانشگاهها تحت عنوان «اساتید غیرهمسو با نظام» شد.

هفته نامه بالاترات ارگان این باند که توسط ولی‌فقیه هدایت می‌شود، در شماره ۳۰شهریور خود، در مطلبی با عنوان «دانشگاه، خاستگاه توسعه یا توطئه» نوشت: «آنهایی که دانشگاه را به کانون تشنج و نفاق و توطئه تبدیل کرده‌اند و گاه به دولت می‌تازند و گاه با چاپ مقالات موهن موجبات تشویش اذهان عمومی را فراهم می‌آورند، حسابشان از سایر استادان جداست، چون مسلماً در راستای اهداف دشمنان گام برمی‌دارند و نباید در دانشگاه جایی داشته باشند.

احمدی نژاد دستور بستن فضای دانشگاهها را داد

پاسدار احمدی‌نژاد گماشته ولی فقیه ارتجاع در نامه‌یی به وزیر علوم کابینه‌اش خواستار ایجاد محدودیتهای بیشتری برای تشکلهای دانشجویی در سال تحصیلی جدید شد. احمدی‌نژاد در نامه خود خطاب به زاهدی ضمن نگرانی از وضعیت دانشگاهها دستور اکید صادر کرده است که فعالیتهای گروههای دانشجویی هرچه محدودتر شود و با فعالان دانشجویی در حوزه‌های مختلف به‌شدت برخورد شود. به‌همین منظور کمیته‌یی متشکل از نماینده وزارت اطلاعات، وزارت علوم، نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاهها و نمایندگان تعدادی از نهادهای امنیتی موازی تشکیل شده است.

خشم معلمان

دورنمای امواج خشم معلمان و استادان در مهر ماه و وحشت آخوندها

مدارس و دانشگاهها در مهرماه، صحنه مشتها و فریادها علیه رژیم آخوندی است. آغاز سال تحصیلی جدید، آغاز انفجار خشم معلمان و استادان و دانش‌آموز و دانشجویان است.

در آستانه بازگشایی مدارس و دانشگاهها، دستگاه سرکوب رژیم آخوندی بلافوقه در کار است تا با حذف دانشجویان، استادان و معلمان فعال، به‌خیال خودش از اوجگیری امواج خشم در مهرماه جلوگیری کند. غافل از آن‌که برای دانشجویان و معلمانی که کاربه‌به استخوانشان رسیده، همین اقدامات سرکوبگرانه انگیزه مضاعف برای عصیان است.

رژیم آخوندها با غیرقانونی اعلام کردن کانون صنفی معلمان، که حرکتهای اعتراضی و تجمع و تحصن را سازماندهی می‌کرد و دستگیرکردن معلمان در سرکلاس درس، تلاش می‌کند صدای اعتراض معلمان آزاده کشورمان را خفه کند. دستگیری اعضای کانون صنفی معلمان، اعلام بازنشستگی اجباری و اخراج اساتید از دانشگاه، بخشهایی از این اقدامات سرکوبگرانه است. حداد معاون امنیت دادستانی رژیم در تهران در ۲۲خرداد۸۶، گفته بود: «تعداد پرونده‌های مربوط به‌بازداشتهای اخیر معلمان به ۱۶۰ پرونده می‌رسد». در احکام صادره این معلمان و استادان اتهاماتی نظیر شرکت در تحصن و تجمع غیرقانونی بر اساس گزارش حراست آموزش و پرورش و دانشگاه ذکر شده است.

این دستگیریهای گسترده در شهرهای مختلف کشور مانند زنجان، همدان، اصفهان، گیلان، تهران، بانه، شهرهای کردستان، صورت گرفت. و به شهرهای دورتر تبعید شده یا انفصال خدمت گرفتند.

رژیم هم‌چنین در مورد دانش‌آموزان هم تلاش کرد که با به‌کارگیری مزدوران بسیجی و سایر اهرمها در مدارس، دانش‌آموزان را تحت فشار و سرکوب قرار بدهد. ازجمله در روز ۲۵مرداد اعلام نمود: وزارت ارشاد، در جلسه مشترکی با مسئولان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان، (مزدوران بسیجی رژیم در مدارس) از آنها خواست دانش‌آموزان را بلحاظ پوشاک و لوازم‌التحریر نقش و نگاردار کنترل کنند.

از طرفی با اعلام آزمون استخدام ۱۰هزار نفر پرسنل برای آموزش و پرورش، در روز ۲۳شهریور و سپس تغییر زمانبندی آن به بعد از ماه رمضان، یعنی به ۲۷مهر، خشم و نفرت معلمان آزاده مهیمنان را برانگیخت. زیرا ۵۰هزار معلم حق‌التدریسی هم‌اکنون در انتظار استخدام رسمی هستند. و یکسال است که توسط وزیر بسیجی آموزش و پرورش سردوانده می‌شوند.

آنها با سابقه ۵سال کار در آموزش و پرورش و گرفتن وعده استخدام و هر بار با ترفند آزمون جداگانه از طرف آموزش و پرورش مواجهند.

سؤال این‌جاست که چرا آموزش و پرورش استخدام همین معلمان حق‌التدریسی را که ۵سال بدون حق مزایا و بیمه در آموزش و پرورش خون دل خورده و با حقوق نازل، بیشترین رنج و زحمت را در مورد کودکان و نوجوانان این مرز ووم کشیده‌اند، را در اولویت قرار ندارد، و آنها را به آزمون جداگانه‌یی احاله داده است؟

این تناقض اینک گریبانگیر آموزش و پرورش است که شروع سال تحصیلی را به رزمگاه جدیدی از مقاومت و دفاع معلمان و دانش‌آموزان از حقوق برحق خود تبدیل خواهد کرد.

وضعیت وخیم دانش‌آموزان محروم ایران در آغاز سال تحصیلی

یک کلاس درس! در استان مازندران ـ خبرگزاری حکومتی فارس با وقاحت تعداد زیادی عکس از این گونه مدارس منتشر کرده است

۳۰۰هزار دانش‌آموز به‌دلیل فقر از تحصیل محروم‌ند

بر اثر شدت فقر در کشورمان، عده زیادی از کودکان از تحصیل محروم هستند. آمار دقیق این کودکان به‌دلیل حاکمیت ضد مردمی آخوندها نامعلوم است ولی مقامات و رسانه‌های رژیم به گوشه‌هایی از این واقعیت اذعان می‌کنند.

خبرگزاری حکومتی مهر روز اول مهر در گزارشی نوشت: بر اساس آخرین برآوردهای انجام شده، بالغ بر۳۰۰هزار ایرانی ۱۱ تا ۱۴ساله که در سن تحصیل هستند، خارج از مدارس به‌سر می‌برند. خانواده این دانش‌آموزان از توانایی مالی کافی برای تأمین هزینه درس و مدرسه برخوردار نیستند و آنان مجبورند در خانه بمانند و شاید بعد از چند صباحی، مشغول کسب و کاری شوند... زنگ آغاز سال تحصیلی برای آنان، زنگ یادآوری واقعیتهای تلخ زندگی است. واقعیتی که در مقابل دیدگانشان کمر پدر و مادر را خم می‌کند.

این خبرگزاری حکومتی با وقاحت افزود: نبود عدالت اقتصادی و مشکلات ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور زندگی در جامعه، باعث شده که عده‌یی از خانواده‌ها به‌ناچار، از تحصیل بچه‌های خود چشم بپوشند و آنان را خانه‌نشین کنند. آنها از پس خرجهای مختلف تحصیل فرزند خود برنمی‌آیند. این خرجها می‌تواند شامل کیف و روپوش مدرسه و لوازم التحریر رنگارنگ باشد تا هزینه‌های متفرقه‌یی که در مدارس به والدین تحمیل می‌شود. پدر خانواده باید محرومیت فرزند خود را ببیند و زیر بار فشار این غصه کمر خم کند.

۱۲هزار دانش‌آموز در شهرستان نهاوند مدرسه ندارند

بیش از ۱۲هزار نفر دانش‌آموز در شهرستان نهاوند به‌دلیل آماده‌نبودن مدرسه و کلاس درس سرگردان هستند. غلامرضا منتظرالمهدی، فرماندار رژیم در این شهر روز ۲۸شهریور، ضمن اعلام این آمار گفت: بیش از یکصد مدرسه و مکان آموزشی در نهاوند فرسوده و در حال تخریب است و دانش‌آموزان با دلهره در کلاس درس حاضر می‌شوند.

وی اذعان کرد: مکانهای آموزشی برای شروع سال تحصیلی آماده نشده‌اند. به گفته فرماندار رژیم همه مدارس در نهاوند بصورت دو نوبته اداره می‌شوند.

۱۳درصد از دانش‌آموزان آذربایجان غربی از تحصیل محرومند

رژیم سازمان آموزش و پرورش رژیم در آذربایجان غربی اعتراف کرد ۱۳درصد از دانش‌آموزان واجد شرایط تحصیل در این استان از تحصیل محروم هستند. حمید ابراهیمی روز ۲۸شهریور، در جمع خبرنگاران افزود: اغلب این افراد به‌دلیل تنگناهای مالی توان ادامه تحصیل ندارند.

۶۲۹واحد آموزشی کپری عمدتاً در سیستان و بلوچستان

علاوه بر محرومیت از تحصیل، آن عده از دانش‌آموزانی که به تحصیل مشغولند نیز از کمبودها و نارساییهای زیادی رنج می‌برند. به‌طور نمونه، عده زیادی از دانش‌آموزان مناطق محروم، از ساختمان مدرسه محروم بوده و در کپر و چادر و حتی در وسط بیابان کلاس درسشان تشکیل می‌شود.

به‌گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا در روز ۳۰شهریور۸۶، مدیرکل آموزش و پرورش عشایر اعلام کرد: تعداد واحدهای آموزشگاهی کپری امسال ۶۲۹واحد است که این تعداد واحد کپری به‌نسبت کل آموزشگاههای عشایر بسیار زیاد است و این واحدها عمدتاً در استانهای سیستان و بلوچستان و لرستان واقع هستند.

صاحبان ملک از ورود دانش آموزان به مدرسه جلوگیری کردند

در اولین روز از سال تحصیلی در حالی که دانش‌آموزان یک دبستان دخترانه قصد ورود به‌مدرسه و شرکت در کلاسهای درس را داشتند با ممانعت صاحبان ملک از شرکت در کلاسها محروم شدند. صاحبان ملک با اعلام این که آموزش و پرورش اجاره این دبستان را پرداخت نکرده است از ورود دانش آموزان دبستان دخترانه تشیع واقع در خیابان دماوند، خیابان ارباب مهدی جلوگیری به‌عمل آورده‌اند و هم‌اکنون دانش‌آموزان این مدرسه در خارج از مدرسه بلاتکلیف هستند (عصر ایران اول مهر).

وجود۳۰ هزار دانش‌آموز معتاد در کشور

به‌گزارش خبرگزاری حکومتی فارس اول مهر۸۶، محمدرضا جهانی، جانشین دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، گفت: حدود ۳۰هزار دانش‌آموز معتاد در سیستم آموزش و پرورش وجود دارد. وی هم‌چنین فاش ساخت که میانگین سن اعتیاد در سال گذشته ۱/۳ کاهش یافته است.

وضعیت وخامت‌بار خوابگاههای دانشجویی

وضعیت خوابگاههای دانشجویی در ایران وخیم است. بسیاری از دانشجویان از خوابگاه محرومند. خوابگاههای موجود نیز از بسیاری کمبودها و مشکلات خوابگاهها رنج می‌برند. در زیر به‌چند نمونه از این مشکلات اشاره می‌کنیم.

۷۷درصد دانشجویان متقاضی از خوابگاه محروم هستند

مهرداد فولادی‌نژاد، رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم رژیم، گفت: ۲۰۰هزار نفراز دانشجویان از خوابگاه محروم هستند. وی با اشاره به این که امسال نیمی از دانشجویان دوره‌های روزانه بدون خوابگاه می‌مانند. وی افزود بسیاری از دانشجویان شانس استفاده از خوابگاه را ندارند و باید به اجاره منزل تن بدهند که این امر به ویژه برای دانشجویان دختر با مخاطرات و مشکلاتی همراه است. وزارت علوم حتی نتوانسته است به تعهدات خود در قبال دانشجویان روزانه عمل کند چه رسد به این که بخواهد برای تمامی دانشجویان متقاضی امکانات خوابگاهی فراهم کند. وی هم‌چنین گفت: هرسال نسبت به سال قبل مشکل کمبود خوابگاه در دانشگاهها، حادتر می‌شود. وی درباره کیفیت خوابگاههای فعلی نیز گفت: از ۶۹۰خوابگاه، ۵۴۴باب ملکی و ۴۶باب زندانی و خودگردان است. هم‌چنین ۲۳۱خوابگاه یعنی ۳۰درصد خوابگاههای موجود دارای عمر بیشتر از ۲۰سال و فرسوده هستند که نیاز به تعمیر و مرمت دارند.

۸۵درصد خوابگاههای کشور غیراستاندارد و فرسوده هستند

علاوه‌بر کمبودمفرط خوابگاه‌برای دانشجویان، کیفیت خوابگاههای فعلی نیز بسیار پایین است. رستمی، عضو کمیسیون آموزش مجلس رژیم، گفت ۸۵درصد خوابگاههای کشور غیراستاندارد و فرسوده هستند. بنا به ادعای وی خوابگاههایی که دانشجویان در آن ساکن می‌شوند، متازل و اداراتی هستند که دانشگاهها آنها را خریداری کرده یا به صورت استیجاری در اختیار وزارت علوم قرار داده‌اند و دانشجویان این خوابگاهها در شرایط بسیار نامساعدی ازنظر بهداشت و امکانات رفاهی به‌سر می‌برند.

وزارت علوم رژیم در سال گذشته اعتراف کرد که برخی ازخوابگاههای دانشجویی به‌شدت فرسوده و جان برخی از دانشجویان در برابر وقوع زلزله‌های احتمالی در خطر است(روزنامه خراسان اول مهر۸۶).

شهریه خوابگاهها در زابل بیش از ۴۰درصد افزایش یافته است

شهریه خوابگاههای خودگردان دانشگاه زابل امسال در مقایسه با سال گذشته بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. مهران علیزاده، یکی از دانشجویان زابل، گفت: با وجود افزایش نرخ اجاره شهریه خوابگاهها هیچ‌گونه تغییری از لحاظ سرویس‌دهی و امکانات در این مکانها انجام نشده است. نرخ اجاره خوابگاهها از ۹۰۰هزار ریال در ماه به یک میلیون و ۴۰۰ تا یک میلیون ۶۰۰هزار ریال و ودیعه حداقل ۳۰۰هزار ریال افزایش یافته است. این مکانها از نظر برخورداری از امکانات سرمایشی، گرمایشی و سرویسهای بهداشتی، در اندازه‌های بسیار پایینی قرار دارد.

ایمان حسینی، دیگر دانشجوی این شهر گفت: «حقوق پدرم ماهانه سه میلیون و ۵۰۰هزار ریال است اگر قرار باشد حدود نیمی از حقوقش را ماهانه برای اجاره خوابگاه من پرداخت کند و مابقی آن نیز برای سایر مخارجم در دانشگاه صرف شود تکلیف سایر اعضای خانواده چیست؟»

مریم محمدی، یک دانشجوی دیگر، گفت: دو برابر شدن اجاره خوابگاهها علاوه بر سرگردانی دانشجویان سبب نارضایتی و اعتراض آنان شده است. این افزایش در حالی است که باید هزینه آب و برق را نیز باید دانشجویان بپردازند. رئیس دانشگاه زابل دراین‌باره گفت: افزایش نرخ خوابگاههای خودگردان هیچ ارتباطی به‌دانشگاه زابل ندارد(خبرگزاری رژیم ایرنا اول مهر۸۶).

شهریه ثبت نام دانشگاه مهمترین دغدغه دانشجویان و والدین قشر ضعیف

شهریه ثبت نام دانشگاه، مهمترین دغدغه دانشجویان و والدین یعنی بیش از۸۰درصد مردم در شروع سال تحصیلی می‌باشد. یکی از دانشجویان ساری در این رابطه گفت: به‌خصوص برای ما فرزندان خانواده‌های ضعیف در شروع سال تحصیلی اولین مشکلی که داریم شهریه برای ثبت‌نام دردانشگاه است که هر سال اضافه می‌شود، در اولین ترم ۳۰۰هزارتومان گرفتند، ترم دوم ۶۰۰هزار تومان شد و ترم آخر به ۸۰۰هزار خواهد رسید و طبعاً این میزان هزینه باتوجه به نرخ تورم موجود در جامعه برای فرزندان کارگران و کارمندان طبقه ضعیف و یا برای فرزندان بازنشسته‌ها خیلی مشکل می‌باشد، یک پدر با مکزیمم ۲۰۰هزار تومان حقوق چگونه می‌تواند مسائل زندگی یک خانوار چند نفره را با توجه به مخارج و آن‌هم با این سطح گرانی حل کند و این میزان پول را فقط برای شهریه بچه‌ها تهیه کند، از کجا بیاورد؟ قطعاً برخی از مردم نمی‌توانند بچه‌های خودشان را برای دانشگاه ثبت‌نام کنند(خبرگزاری هما ۲۷شهریور۸۶).

عکسهای فوری، خبرهای کوتاه زخمهای آشکار و پنهان یک شهر طاعون زده(۲)

«راه ساده برای آشنایی با یک شهر، این است که انسان بداند مردم آن چگونه کار می‌کنند، چگونه عشق می‌ورزند و چگونه می‌میرند»

آلبر کامو_رمان طاعون

جهمنی که آخوندها به ما تحمیل کرده‌اند مرزی نمی‌شناسد. نه تنها مرزهای جغرافیایی که مرزهای زمانی و حتی مرزهای باورهای انسانی در ظرفیت انجام جنایتهای هول‌آور و نگفته‌دهنده را درنوردیده‌اند.

فروش انسان، در قرون گذشته شاید به میزانی طبیعی به نظر برسد اما باور آن در قرن حاضر بسیار مشکل است. اما وقتی به ایران آخوندزده می رسیم، این فاجعه ابعاد حیرت آوری به خود می گیرد. فروش کودکان و دختران و زنان به صورتی مضاعف بر بار تراژیک حادثه می‌افزاید. دردناکتر این که وقتی به کند و کاو می پردازیم در می‌یابیم که این تجارت ننگین و ضدبشری در ابعادی معدود و انگشت‌شمار صورت نمی‌گیرد. ابعاد آن چنان گسترده است که خبرش حتی به رادیوهایی هم که سالیان متمادی است آفتابه به دست مشغول تطهیر آخوندها و پوشاندن جنایتهای آنها هستند می‌رسد و ناگهان خواب‌نما می‌شوند که ٥٤کودک ایرانی در یک حراج انسانی، مانند بردگان، در بازار فجیره به فروش رفته‌اند. برده‌فروشان الیته عمامه‌های خود را پنهان کرده‌اند و صدایشان هم در نمی‌آید. اما همه می‌دانند که هیچ کس به صورت فردی قادر نیست دست به چنین جنایتی بزند. چیزی است شبیه ورود و پخش مواد مخدر در ابعاد گسترده‌ی که هم اکنون به صورتی روزانه در جریان است. همه می‌دانند که تا خود حکومت و مقامات بالا و پایین آن، از آخوند و مکلا تا امام جمعه و پاسدار و وزیر و وکیل، پشت قضیه نباشند انجام چنین کارهایی مطلقاً امکان ناپذیر است.

موارد لو رفته گذشته واقعیت تلخ را بیشتر روشن می کند. در اسفند ۸۱ فاش شد که «خانهٔ سبز کرج» که در ارتباط و زیر نظر مسئولان قضایی و نیروهای انتظامی، امنیتی کرج قرار داشت، تحت عنوان «پرورش و تربیت»، دختران و زنان را دستگیر، و برای فروش به خارج از کشور صادر می کرد. روزنامه حکومتی همشهری در همان زمان قیمت هر دختر ۱۲تا ۱۵سالهٔ را بین ۳۰۰ تا ۵۰۰دلار تخمین زده بود.

خبر فروش کودکان ایرانی را در فجیره از زبان یکی روزنامه های حکومتی پی می گیریم:

روزنامه شرق در ٦خرداد۸۳، خبر حیرت‌آوری را منتشر کرده است که اگر از زبان هر کس جز خودشان بود باور نا کردنی می‌نمود. اما خودشان نوشته‌اند که: «امروز در فجیره امارات متحده عربی گروهی از دختران و پسران ایرانی برای فروش به‌حراج گذاشته می‌شوند».

... مقدمات این حراج، دو هفته قبل از آن تاریخ در روند برگزاری یک نمایشگاه بین‌المللی توسط شکارچیان زنان و دختران ایرانی فراهم شده بود. در این حراج، پسران ایرانی هم برای فروش حضور داشته‌اند. شکارچیان انسان در غرفهٔ یکی از کشورهای عربی از میان۲۸۶دختر ایرانی، ۵۴نفر را انتخاب و در تاریخ ۲۸اردیبهشت همان سال به‌کشوری در حاشیه خلیج فارس بفرستند تا در روز ۶خرداد برای حراجی فجیره آماده شوند.

فاجعه بسیار دردناک است. اما بیینم رئیس جمهور وقت رژیم، که دست همه شارلاتانهای حقه‌باز را از پشت بسته و ادعای «رفرمیست» بودن داشت در این مورد چه می گوید.

خاتمی در دهم تیر ماه همان سال در جلسه‌یی به مناسبت روز صنعت نفت حضور داشت. یکی از سخنرانان می گوید: «در مقابل حراج دختران، کالاهای بنجل وارد کشور می‌شود». بلافاصله به رگ غیرت خاتمی در حفظ آبروی نظام برمی‌خورد و عربده می‌کشد: «حراج دختران ایرانی در امارات... یک دروغ بزرگ است. من به عنوان رئیس جمهور شما و به عنوان کسی که با دغدغه خاطر این مسأله را پیگیری کرده است، ...[می گویم] این یک دروغ است و ناشی از جنگ روانی علیه حیثیت و عظمت ملت ایران است»

لوث کردن «حیثیت» و «عظمت ملت ایران» کافی نیست. شیخک شباد کمر به مسخ آزادی هم می‌بندد و با وقاحت اضافه می‌کند: «الیته متاسفانه آزادی این مشکلات رو هم داره»

نیازی نیست به این هرزه‌درای بی‌مایه که مداحهایش نسبت به لاجوردی جلاد و تعلقهای مشمئز کننده‌اش از «سربازان گمنام» وزارت اطلاعات که گاهی روی دست احمدی‌نژاد و انصار حزب‌اللهی بلند می‌شود پاسخی داد. فقط کافی است ده روز صبر کنیم. سری به دادگاه عالی فدرال در امارت متحده عربی بزنیم و ببینیم چگونه و چرا دو ایرانی را محکوم می‌کنند. اتهام آنها «قاچاق انسان» عنوان شده است.

البته اینجا هنوز رد پایی از رژیم وجود ندارد. فقط انکارهای مکرر و شدید و قاطعانه سران و مقامات رژیم، قضیه را مشکوک جلوه می‌دهد

چند روز بعد، دروغ بزرگ و دروغگوی بزرگ بیشتر شناخته شدند.

مصطفی بن‌یحیی، خلبان ایرانی تبار خطوط هوایی امارات متحده عربی پرده از اسرار بخشی از باندهای قاچاق انسان برمی‌دارد. این خلبان خطوط هوایی امارات می‌گوید: «با ۹پرواز به‌صورت عادی و ۲۰پرواز غیرعادی ایران به‌دبی به‌طور متوسط بین ۱۰الی ۱۵دختر روزانه به‌امارات فرستاده می‌شوند. اغلب این دختران از شهرهای آبادان، اهواز، زاهدان، تبریز و کرمانشاه هستند. بالاترین درصد مربوط به‌تهران و مشهد است» او اضافه می‌کند: «ماهانه ۳ تا ۵جسد دختر ایرانی از این کشورها به‌ایران منتقل می‌شود» او فاش می‌کند که با توجه به اهمیت موضوع قاچاق دختران ایرانی، در فرودگاه یک ترمینال سافریری هوایی به ایرانیان اختصاص داده شده است. او می گوید: «میدانهای شهر، آرایشگاهها، دادگاههای خانواده، استخرهای زنانه، کلاسهای بندسازی و جاهای مشابه، همه و همه محلهایی برای شناسایی دختران و زنانی بوده‌اند که طعمه قاچاق انسان می‌شدند»

بن یحیی، واقعیت تلخ دیگری را هم افشا کرد. «بعضی از این دختران به‌قدری کم سن و سال هستند که پس از انتقال مدتی به‌عنوان کارگر خانه از آنها استفاده می‌شود و سپس در کلوپهای شبانه مشغول به کار می‌شوند»

فضاحت قضیه به اندازه‌یی بالا می گیرد که سرمداران رژیم آخوندی کماکان و با وقاحت، یکی بعد از دیگری به انکار قضیه می‌پردازند. بعد هم خلبانی را دستگیر می کنند که راز این جنایت را آشکار کرده است. و ناگهان واقعیت ۱۸۰درجه تغییر می‌یابد و آخوندها اعلام می کنند که خلبان مزبور منتسب به مجاهدین بوده و برای بدنام کردن رژیم آخوندی دست به‌شایعه‌پراکنی زده است.

در این موارد زبان هراسانی از بی‌شرمی آخوندها بند می‌رود. اما این قبیل مسائل، همانند کشتار زائران مکه و انفجار حرم امام رضا و کشتن کشیشهای بی‌گناه و انداختنشان به‌گردن مجاهدین چیزهایی نیستند که بشود برای همیشه پنهانشان کرد. دیر و زودی دارد ولی تردید نباید داشت که روزی رازهای مگوی آخوندها رو خواهد شد. کما این که در مورد فروش دختران و زنان و کودکان ایرانی نیز که به گردن مجاهدین انداخته شد در هفته اول شهریور۸۳ لو صحبت می‌کرد می گوید: «برخی باندهای فسادی ... به گردن کلفتهای نفوذی در نظام جمهوری اسلامی منتسب هستند و من حاضرم این مسأله را برای هر کسی که بخواهد ثابت کنم و سند ارائه دهم. در مواردی [مثل] فروش دختر و ارسال ناموس این کشور به شیخ‌نشینهای دبی بعضی از عواملی که به نحوی فامیل یکی از آقایان هستند دست دارند و با ایمنی کامل و اطمینان از این که هیچ سیستمی در مقابل آنها نمی‌ایستد دختر ایرانی را حداقل بین ۱۲ تا ۱۵میلیون [تومان] به شیوخ عرب می‌فروشند ... دختران فراری ایرانی ابتدا توسط قوادهای بین‌المللی شناسایی می‌شوند و آنها را سالم و صحیح در اتاقهایی نگه می‌دارند ... در کیش از مقابل چشم برخی مسئولان عبور می‌دهند و در یکی از کشورهای خلیج فارس تحویل می‌دهند که مابین ۱۲ تا ۱۵میلیون برای هر دختر پول می گیرند» این آخوند در قسمتی دیگری از صحبتهای خود اضافه می کند: «... باندهای هماهنگ‌شده فساد که مسلح نیز هستند از طرف برخی افراد حقیقی و حقوقی ... در نظام پشتیبانی می‌شوند چون پول سرشاری برای همه اینها دارد.»

با این اعتراف صریح و خالی از هرگونه ابهام، آیا نباید یقین کرد که لو رفتن خبر فروش زنان و دختران ایرانی، در دوبی و فجیره تنها پدیدار شدن نوک کوه یخی بود که ته آن در زیر آب قرار دارد؟

یک قلم برای درک بیشتر ابعاد فاجعه خوب است که یادآوری کنیم این تنها کشورهای خلیج فارس نیستند که عرصه فروش دختران و کودکان ایرانی است. علاوه بر صدها دختر ایرانی که ماهانه در امارات در معرض فروش قرار می‌گیرند، شهرهای کویته و کراچی و راولپندی پاکستان هم شاهد صدور انبوه دختران و زنان ایرانی بودند. نمایندهٔ فدراسیون ملی جوامع بین‌المللی زنان مهاجر فاش کرد که هر روزه دهها کودک ایرانی به‌عنوان برده‌های جنسی در کراچی پاکستان به فروش گذاشته می‌شوند.

برخی از باندهای فروش انسان، عدهٔ نامعلومی از دختران ایرانی را در پاکستان به‌کنیزی فروخته‌اند که هنوز اطلاع دقیقی از تعداد و کم و کیف این تجارت کثیف، در دست نیست.

نشریات وابسته به‌رژیم خبر داده‌اند که هزاران زن در استانهای سیستان و بلوچستان و خراسان به‌مردهای افغانی فروخته شده‌اند.

و این چنین است که در مملکتی که آخوندها ساخته‌اند در هر ساعت ۱۵ کودک به کودکان خیابانی اضافه می شود. و به نوشته روزنامه‌ها تعداد کودکان سرگردان درایران بیش از یک میلیون نفر است. و این چنین است که در محافل خصوصی سردمداران رژیم سخن از ۳میلیون زن و دختری است که در کار فحشا از آنان سوءاستفاده می‌شود. و آش به قدری شور می‌شود که حتی وزارت امور خارجه کشورهای دیگر هم به صدا در می‌آیند. از جمله وزارت خارجهٔ آمریکا با انتشار ششمین گزارش سالانهٔ خود، در ۱۵خرداد۸۵، دربارهٔ قاچاق انسان، رژیم ایران را در ردیف بدترین کشورها از این نظر قرار می‌دهد. در این گزارش که توسط وزیر امور خارجهٔ آمریکا ارائه شد، آمده است: «ایران منبع، محل ترانزیت و مقصدی برای زنان و دخترانی است که به منظور سوءاستفاده‌های جنسی و کار اجباری قاچاق می‌شوند».

همچنین در فضانامهٔ مراب (جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی خلقها) در ژوئیه، اوت و سپتامبر ۲۰۰۵ مقاله‌یی به چاپ رسید تحت عنوان «آیا کودکان ایرانی حقوقی دارند؟» در این مقاله نوشته شده که «در ایران، وضعیت کودکان فاجعه‌بار است... زندگی بسیاری از کودکان در حکومت دیکتاتوری مذهبی بیش از هر چیز به کابوس شباهت دارد» و «حدود ۵۰ دختر ایرانی بین ١٦ تا ۲۵ساله همه روزه در کراچی (پاکستان) به فروش می‌رسند.» در این مقاله هم تأکید شده که «سردمداران رژیم در این قاچاق انسان دست دارند»

در برابر این واقعیات تلخ مقامات رژیم گام را فراتر از این گذاشته‌اند که مسئولیت فاجعه را به گردن مقاومت ایران بیندازند. از نظر بسیاری از آنها مقصر اصلی خود کودکانی هستند که ربوده شده و به فروش می‌رسند تا یا با فروش اعضا بدنشان باندهای انسان فروش(که در واقع همان پاسداران و آخوندها هستند) به ثروت و مکنت بیشتری برسند یا در محافل و کلوپهای جنسی مورد بهره‌کشی فرون وسطایی قرار گیرند. مقصر خود این کودکان معصوم هستند. بخوانیم اظهارات دادیار مجتمع قضایی اطفال را در مصاحبه با خبرگزاری مهر رژیم، آنجا که گفته است: « در صورتی که چنین پدیده‌یی (یعنی قاچاق کودکان)به صورت پنهان نیز در جامعه وجود داشته باشد خود کودکان نیز در این امر مقصر هستند چراکه این گونه کودکان از وضعیت زندگی خود رضایت ندارند و با تصور دستیابی به زندگی بهتر با رضایت خود راهی کشورهای دیگر می شوند».

به راستی کدام برده‌داری در تاریخ وقاحت و رذالت را به این حد رسانده است؟

«ناشاد»

دکترمحمد قرایی:

برای شیون زنان میهنم

هرچه شادی که درین دنیا بود
در دل من
خواهرم
با همان شیون جانسوز تو با باد برفت
هرچه از خاطره خوش
که درین حافظه بود
از دل این من از خویش شده،
تلخ و سرخورده و ناشاد
برفت

میهنم بودی تو
که به زیر سم خوکان
- این شیخان را می‌گویم -
- این دیوان را-
بی‌دفاعانه لگدکوب شدی
خواهرم بودی تو
مادرم بودی
دختر م
نه! تو یک ملت بودی! ملت من!
که به فریاد بلند
سر بازار جهان
سنگسار ین و پوند
سنگسار یورو ، شد
زیر آوار دلار

این تو بودی؟
یا من بودم!؟
نه!... آن من بودم، گویی
زیر آن مشت و لگدها،
که به خود یک سره آوار شدم

من همان ایرانم
کاین چنین ویرانم
ویران از آن شیون
آه ای آتش پر شعلهٔ خشم
زودتر خیز و به فریاد برس
کاین شکسته دل و این پیکر ویرانه شده
دیر اگر جنبیدی
شاید از دست و ز بنیاد برفت.

اخبار کوتاه

شیوع انواع مواد مخدر در ایران

به گفته جانشین دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر در ایران ماده مخدر جدیدی به نام «پان پراگ» در میان جوانان و نوجوانان شیوع پیدا کرده است.

به گزارش ایرنا (١٦شهریور۸٦) جانشین دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: در بعضی استانهای کشور به خصوص استانهای شرقی کشور مصرف این ماده مخدر در بین نوجوانان و جوانان با نامهای «راجا» ، «تایتانیک»،«پان عربی» ، «ویتامین» ، «مولوان زیل» ،«پان اسفناج» ،«گونکا» ،«نامی خارجی» و «پان پاکستان» شیوع یافته است. وی گفت:این مواد در پاکستان ، اندونزی ، مالزی ، فیلیپین ، چین ، تایوان ، کامبوج ، ویتنام ، لائوس و هند تولید می‌شود».

جانشین دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر اضافه کرد: «محتویات پان پراگ ترکیبی از تنباکو، خاکستر، ادویه‌های معطر ، ساخارین و اسانس‌ها و افزودنی‌های غیر مجاز است».

وی گفت: «ترکیباتی همچون آرسنیک ، کربنات ، منیزیم و سرب نیز در این مواد مشاهده شده است...پان پراکها در اشکالی مانند پودر، آدامس و پاستیل توزیع شده و به صورت مکیدنی و یا جویدنی استفاده می‌شود.

«سرطان دهان ، حنجره ، لثه و ایجاد عارضه در دستگاه تنفسی و قلب و عروق» و «بیماریهای عفونی مانند سل و هپاتیت» از عوارض مصرف این ماده مخدر است.

شیوع گسترده قلیان و مشروبات الکلی در میان دانشجویان

خبرگزاری حکومتی ایسنا(۲۹شهریور۱۳۸۶) نوشت: «قلیان، سیگار و مشروبات الکلی، در میان مواد اعتیادآور مورد استفاده در جمع دانشجویان دانشگاههای تهران، بیشترین میزان مصرف را به خود اختصاص داده‌اند. براساس پژوهشی که با محور شیوع‌شناسی مصرف موادمخدر در میان ۲هزار و ۹۹۷دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاههای امیرکبیر تهران، علامه طباطبایی، هنر، علم و صنعت و تربیت معلم انجام شد، تریاک، حشیش، اکستازی، شیشه، هروئین و کراک در رتبه‌های بعدی مصرف قرار گرفتند».

کشف بیش از دو تن تریاک پیش از توزیع در کویر یزد

به گزارش روزنامه مردم سالاری(۴شهریور۸۶) ۲۲۶۰ کیلو تریاک در کویر یزد کشف شد.

فرمانده انتظامی استان تهران گفت: «در محور استان یزد، یک خودرو نیسان حامل دو هزار و ۲۶۰ کیلو تریاک و دو دستگاه پژو ۴۰۵ اسکورت را به همراه ۵ تن از عوامل قاچاق توقیف و دستگیر» شدند.

میزان کشفیات موادمخدر استان تهران به مرز ٦تن رسیده است

خودکشی یک دختر نوجوان ۱۳ساله

به نوشته روزنامه آفتاب(۲۸شهریور۸٦) بعدازظهر دوشنبه ۲۶ شهریورماه جاری یک دختر نوجوان ۱۳ساله براثر وضعیت ناپه سامان زندگی‌اش خودکشی کرد. آفتاب در این باره نوشت: «مردی مسن پس از بازگشت از محل کار خود ابتدا به اتاق نوه‌اش رفت و زمانی که پرستو دختر ۱۳ساله پسرش را در خواب دید به آشپزخانه رفت تا قرصهایش را بردارد اما ناگهان قوطی خالی قرصها را روی میز یافت. او بلافاصله برای سرکشی به اتاق نوه‌اش بازگشت اما هر چه تلاش کرد نتوانست پرستو را از خواب بیدار کند. دختر ۱۳ ساله پیش از فرو رفتن به خواب مرگ در نامه‌یی از طلاق پدر و مادرش و بی توجهی آنها به سرنوشت او گلایه کرده و نوشته بود».

اقدام به خودکشی یک دانشجوی دختر به خاطر اهانت و اعمال فشار عوامل رژیم

در پی صدور حکم تعلیق یک ترم از تحصیل از طرف کمیته انضباطی دانشگاه ملایر برای دو تن ازدانشجویان به اتهام داشتن رابطه با یکدیگر ، یکی از این دانشجویان (دختر)در دانشگاه ملایر دست به خودکشی زد که با توجه به حضور دوستان وی از مرگ نجات یافته و راهی بیمارستان گردید.

این دوتن دانشجو به همراه دیگر دوستانشان از برگزار کنندگان تحصن ۸۵/۱۲/۱۴ در مورد مسائل صنفی و آموزشی بودند که با توطئه از پیش طراحی شده برای آنان از طرف حراست و ریاست دانشگاه کمیته انضباطی تشکیل و حکم صادر گردیده بود

خودکشی یک متهم در بازداشتگاه راور

ایسنا (۲۹شهریور۸٦): جوانی که به اتهام اعتیاد دستگیر شده‌بود، پس از ۲٤ساعت حضور در بازداشت، با استفاده از پیراهن و میله در ورودی بازداشتگاه خود را حلق‌آویز کرد»

یک مسافرکش جوان به دلیل نداشتن بنزین خود را حلق‌آویز کرد

به گزارش خبرگزاری ایسنا: «جوانی ۲۷ ساله شب گذشته به دلیل بیکاری خود را حلق‌آویز کرد. ...«آرش» مسافرکش بوده و به امرار معاش ۲ خانوار از طریق مسافرکشی می‌پرداخته که به دلیل نداشتن بنزین و عدم توانایی کسب درآمد، شب گذشته خود را در منزل پدرش حلق آویز کرده و به زندگی خود پایان داده است

نزدیک به نیم میلیون نفر بیسواد تنها در یک استان

خبرگزاری ایسنا(١٦شهریور۸٦): موسی امینی، مدیر نهضت سوادآموزی استان مازندران با اعلام این که ۱۵ هزار بی‌سواد ۱۰ تا ۲۹ سال در استان وجود دارد گفت: برای با سواد کردن این تعداد افراد ۲۰۲ کلاس درس جدید نیاز داریم.

وی تعداد کل بی‌سوادان استان را ٤۰۳ هزار و ۹۸ نفر اعلام کرد و افزود: از این تعداد ۱٤۲ هزار و ۳۱۱نفر ساکن شهرها و ۲٦۰هزار و ۷۸۷ نفر در روستا ساکن هستند.

شلاق‌زدن وحشیانه یک زندانی در ایام مرخصی

به گزارش خبرگزاری ایسنا (۱۷شهریور۸٦) در بیرجند سارقی که در دوران محکومیت خود به مرخصی رفته بود دوباره به خاطر سرقت دستگیر شد. ایسنا در این باره می‌نویسد: «سارقی که در بشرویه دوران محکومیت خود را سپری می‌کرد، برای دیدار با خانواده‌اش به مرخصی ۱۰ روزه رفت و هنوز شش روز از مرخصی‌اش نگذشته بود که بار دیگر دست به سرقت زده.

ایسنا اضافه کرده است: «این سارق به هویت «ع ـ م» با تلاش مأموران انتظامی بشرویه و در جریان انجام کارهای اطلاعاتی و استفاده از شگردهای خاص پلیس دستگیر شد و به سرقت ارتکابی اعتراف کرد».

نامبرده به تحمل ۷٤ ضربه شلاق در ملاءعام، یکسال حبس تعزیری و شش ماه منع اقامت در بشرویه محکوم و پس از اجرای حکم در میدان شهدای شهر بشرویه جهت گذراندن دوران حبس مجدداً به زندان بازگردانده شد»

افزایش شدید خودکشی در میان دانشجویان در ایران

به گزارش خبرنامه امیرکبیر (۲۷شهریور ۸٦) اقدام به خودکشی در میان دانشجویان در ایران بشدت افزایش یافته است. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم کرج گفت: «تاکنون ۲۰۶ مورد اقدام به‌خودکشی در دانشگاههای دولتی ثبت شده که از این تعداد ۲۰مورد با مرگ همراه بوده و خودکشی در بین دانشجویان پسر بیشتر از دختران بوده است». یک استاد دیگر دانشگاه علامه طباطبایی ضمن ارائه یک تحقیق که در سال۸۳ انجام شده است می گوید: «۴۵۰ هزار دانشجو در تحقیق به‌عنوان نمونه بوده‌اند که در آن ۱۰درصد از پسران و ۷درصد از دختران انگیزه خودکشی داشته‌اند».

در ادامه این گزارش به روشهای عجیب خودکشی که اخیراً افزایش یافته است اشاره شده: «خودسوزی به۵۰ درصد روش های خودکشی زنان که بیشترین اقدام کنندگان به‌خودکشی در کشور هستند بدل شده است. تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که استفاده از دارو، سم و پارگی عروق در کنار حلق‌آویزکردن و سقوط از ارتفاع به‌روش های خودکشی در کشور افزوده شده است. روشهای عجیب دیگری نیز در چند سال گذشته گزارش شده است. از جمله شیوه ایمدنی خودکشی با قرص برنج که در ماههای اخیر علاوه بر مناطق شمالی کشور به‌تهران نیز رسیده است.

به گفته برخی از کارشناسان استفاده از این روش نشانه اوج خشم در فرد اقدام کننده است. یک روش عجیب دیگر که در لرستان شایع شد، خودکشی بر اثر گچ‌خوری است. پژوهشگران در تحقیقی در استان لرستان به‌این نتیجه رسیده اند که ۴۵درصد موارد اقدام به‌خودکشی با گچ در گروه سنی ۱۰ تا ۱۹سال قرار داشته و اکثریت بیماران را دانش‌آموزان تشکیل داده‌اند.

از دیگر سو، شواهد حاکی از آن است که خودکشیها از حوزه خصوصی بیرون آمده و با میل شخصی فرد به‌حوزه عمومی کشیده می شوند. تا به‌حال چند مورد خبر خودکشی در ملاء عام با پرتاب شخص جلوی قطار شهری (مترو) را شنیده‌ایم. کارشناسان معتقدند تنها آنها که مرگ را آخرین راه‌حل می دانند و بهاین قطعیت رسیده‌اند، راه پرتاب جلوی قطار و را برمی‌گزینند. این دسته از افراد به‌دلیل اختلالات روانی یا جلب توجه مردم یا نشان دادن اوج خشم و انفجار خود از دیگری یا دیگران این راه را انتخاب می کنند.

۲۵۰اتوبوس در پایان برگزاری مسابقه میان پرسپولیس و راه‌آهن خسارت دیدند

به گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا (۲۶شهریور۸۶): «پایان بازی تیمهای فوتبال پرسپولیس و راه‌آهن که شب گذشته با تساوی دوتیم درمقابل بیش از ۹۰ هزار تماشاگر همراه بود، فرشی از شیشه و زهوارهای لاستیکی قاب شیشه‌های اتوبوسهای شرکت واحد را در اتوبان تهران کرج پهن کرد».

به گزارش خبرنگار ایرنا: «مأموران خدمات شهری شهرداری تهران تا پاسی از شب اقدام به رفت و روب مسیر کردند و به رغم تلاش پزشکان وی ۲۳ روز بعد در بخش ICU با زندگی وداع کرد.»

قتل جنایتکارانه یک کودک ۱۱ساله توسط مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی

مأموران جنایتکار انتظامی یک کودک ۱۱ ساله را در تهران به قتل رساندند.

روزنامه حکومتی اعتماد نوشت: «مرد جوانی به مشاجره با مامور ۲۵ ساله کلانتری ابوذر پرداخت. وی دقایقی بعد در حالی که سه فرزندش در اتومبیل حضور داشتند دوباره پشت فرمان پراید نشست. مأمور پلیس پس از شلیک سه تیر هوایی با سلاح رولور خود شروع به تیراندازی به سوی خودرو کرد. در این هنگام همکار این مأمور نیز که یک قبضه کلاشینکف در دست داشت به سوی پراید آتش گشود و دقایقی بعد زمانی خودرو متوقف شد که یکی از کودکان که پسربچه یی ۱۱ ساله به نام فرهاد بود مورد اصابت گلوله قرار گرفته و غرق در خون بود.

پس از این حادثه فرهاد در حالی که به کما رفته بود به سرعت به بیمارستان لقمان انتقال یافت اما به رغم تلاش پزشکان وی ۲۳ روز بعد در بخش ICU با زندگی وداع کرد.»

شمارهٔ ۸۷۱ ـ دوشنبه ۲مهر ۱۳۸۶

زنده باد آقای کریمی، یعنی مرگ بر شاه

(به مناسبت آغاز سال تحصیلی)

جمشید پیمان

نسق گیری دوسویه

آقای ماهوتیان عرض کلاس را سه چهار بار قدم زد. سکوت مطلق برقرار بود. ظاهراً دوطرف یک طوری داشتند همدیگر را ارزیابی می کردند. آقای ماهوتیان آمد وسط کلاس و یک دقیقه‌یی ساکت ایستاد. بعد محکم گفت برپا. این بار بچه‌ها دسته‌جمعی از جا پریدند. آقای ماهوتیان دوباره شروع کرد به قدم زدن. بچه‌ها هم شق و رق ایستاده بودند. صدا از کسی در نمی‌آمد. انگار همگی خفه شده بودیم. آقای ماهوتیان جاهای یک عده را عوض کرد و بعدش گفت برجا. مبصرمان بی‌اختیار تکرار کرد برجا. بچه ها نشستند. آقای ماهوتیان به مبصرمان گفت برود پای تخته سیاه بایستد. بعد از او پرسید تو اینجا مبصری؟ گفت نه آقا. گفت پس واسه چی برپا و بر جا می‌دهی؟ گفت آقا ما سال پیش مبصر بودیم. آقای ماهوتیان محکم گفت غلط کردی که سال پیش مبصر بودی. پدر سوخته امسال که سال پیش نیست. حالا بگو ببینم این را کی روی تخته نوشته؟ گفت نمی‌دانیم آقا. آقای ماهوتیان گفت نمی‌دانی یا یادت نیست؟ گفت آقا نمی‌دانیم. پرسید وقتی آمدی تو کلاس، چیزی رو تخته نوشته شده بود؟ گفت نمی‌دانیم آقا.آقای ماهوتیان مثل این که مارگزیده باشدش، فریاد زد مردک گردن خرد پس تو چه جور مبصری بودی که هوش و حواست به اتفاقاتی که در کلاس می‌افتد، نیست. مبصرمان برای اولین بار در صداش تزلزل پیدا شد و آرامتر گفت آقا به حضرت عباس تو کلاس اتفاقی نیفتاده. آقای ماهوتیان با عصبانیت گفت تو نمی‌دانی که مبصر وظیفه دارد تا پایش را می گذارد توی کلاس، قبل از هر کاری باید تخته سیاه را پاک کند؟ اول ازهمه این مزخرفاتی را که این‌جا نوشتید پاک کن. مبصرمان فورا جمله «زنده باد آقای کریمی» را از صفحه روزگار محو کرد. آقای ماهوتیان کمربندش را از کمرش باز کرد . اول ده تا کف‌دستی به مبصرمان زد و گفت برو بنشین سر جایت. بعد شروع کرد از ردیف اول یکی یکی بچه‌ها را برد کنار تخته سیاه. اول می گفت روی تخته بنویسند زنده باد شاه. بعدش می‌گفت پاکش کنند. آن وقت می‌پرسید کی نوشته بود زنده باد آقای کریمی. جوابها همه یک جور بودند: آقا نمی‌دانیم. جوابهای آقای ماهوتیان هم همه یک جور بودند: ده ضربه کمر بند بر کف دستها. تا نوبت به رامین یاورزاده رسید. آقای ماهوتیان گفت پسر بیا اینجا. رامین از جایش تکان نخورد. آقای ماهوتیان گفت کره خر با توهستم. بیا اینجا. رامین اصلاً به روی خودش نیاورد. آقای ماهوتیان رفت طرفش و محکم خواباند پس گردنش و گفت کره خر برو پای تخته سیاه. رامین گفت نمی‌رویم آقا. آقای ماهوتیان هر انتظاری داشت جز این که یک بچه فسقلی بهش اینطوری جواب بدهد. باز دوباره شقیقه‌هایش زدند بیرون. سرخ سرخ. خواست پس گردن رامین را بگیرد که رامین شیرجه زد زیر میز و در رفت.آقای ماهوتیان فریاد کشید بگیرید این حرامزاده را! کسی از جاش تکان نخورد. خود آقای ماهوتیان دوید طرف رامین که او هم مهلتش نداد و مثل قرقی پرید طرف در کلاس و در رفت بیرون. آقای ماهوتیان کمربند به دست دنبالش کرد. پشت‌بندش هم ما ریختیم بیرون. عربده‌های آقای ماهوتیان توی راهرو پیچیده بود. درهای بقیه کلاسها باز شد. معلمها و بچه‌ها ریختند بیرون ببینند چه خبراست. آقای ماهوتیان که دید اوضاع بد جوری بی‌ریخت شده است رفت توی اتاق آقای مدیر. پشت‌بندش معلمها رفتند آنجا. بچه ها حالا همگی در حیاط مدرسه بودند.آقای ناظم دوباره زنگ زد وباز بچه‌ها را به صف کرد و گفت رامین یاورزاده برود خدمت آقای مدیر. اما رامین غیبش زده بود. آقای ناظم چند تا را مأمور کرد که بگردیم و پیدایش کنیم. ما همه جا را گشتیم. اما فایده نداشت. رامین یک قطره آب شده بود و رفته بود زیر زمین. نیم ساعتی گذشت. همه از پیداکردن او نا امید شده بودند. دلهره را آدم می‌توانست در صورت ناظم و مدیر مدرسه ببیند. آخرش که چی؟ اگر از مدرسه در رفته باشد و یک بلائی به سرش بیاید، برای آنها خیلی بد می‌شود. یک چنین اتفاقی آن هم روز اول مهر، برای این بندگان خدا سنگین بود.آقای مدیر بابای مدرسه را مامور کرد برود ببیند رامین به خانه برگشته است یا نه. هنوز بابای مدرسه به در حیاط نرسیده بود که بچه‌ها داد زدند رامین این جاست، رامین این جاست. رامین کنار حوض وسط حیاط ایستاده بود. انگاری به ریش همه و بیشتر از همه به ریش آقای ماهوتیان می‌خندید. همه متعجب بودند که این همه وقت کجا خودش را پنهان کرده بود. آقای ناظم با تشر گفت رامین برو تو اطاق آقای مدیر. گفت نمی‌رویم آقا. آقای ناظم گفت بچه تخس‌بازی در نیاور، برای خودت درد سر درست نکن. واسه پدر و مادرت هم مکافات بالا نیاور. رامین گفت آقا می‌ترسیم. می‌ترسیم آقای ماهوتیان با کمربندشان بیفتند به جانمان. آقای ناظم گفت نترس پسر. توی اطاق آقای مدیر کسی کسی را نمی‌زند. بیا برو. آن جا امن هست. رامین گفت آقا قول می‌دهید که آقای ماهوتیان شلاقمان نزنند؟ آقای ناظم گفت بچه، پرروئی نکن. کاری نکن که بفرستم دنبال پدرت. مطمئن باش کتک نمی‌خوری. قول می‌دهم از شلاق و کمربند خبری نیست. فعلا تا معلوم بشود که گناهت چی بوده، کسی کاری باهات ندارد. رامین باتفاق آقای ناظم رفتند توی اطاق مدیر مدرسه.

گردن باریک تر از مو در برابر منطق زور!

فراش مدرسه زنگ زد. بچه‌ها دمق رفتند در کلاسهایشان. آقای ناظم هم خودش اومد توی کلاس ما. گفت راستش را بگوئید . چی شد که آقای ماهوتیان عصبانی شدند؟ مبصر سابقمان بلند شد و از سیر تا پیاز را تعریف کرد. آقای ناظم گفت تخم جنها کاری نکنید که سر شما هم همان بلائی بیاید که سر آقای کریمی آمده است. هنوز جمله آقای ناظم تمام نشده بود که همهمه ریخت توی کلاس. سیل سؤال بود که بطرف ناظممان سرازیر شد.آقا مگر چی شده؟ آقای کریمی حالا کجاهستند؟ چه بلائی سرشان آمده؟آقا ایشان هنوز زنده هستند؟ آقای ناظم گفت ساکت باشید. صدایتان می‌رود بیرون. مگر شما اهل این مملکت نیستید؟ مگر از اوضاع و احوال اینجا خبر ندارید؟ هنوز یک ماه نشده که اعلیحضرت همایونی علیه خائنین قیام فرموده اند. مگر شما روز رستاخیز ملی، در این شهر نبودید؟ از آن روز وضع با گذشته فرق کرده است. دیگر آن طور نیست که هرکه هرچه دلش خواست بگوید و هرچی سر قلمش آمد، بنویسد و فکر کند آب از آب تکون نمی‌خورد. بعد از قیام ملی بیست و هشت مرداد، مملکت حساب و کتاب پیدا کرده است. دیگر هرکی هرکی نیست. اینها را باید بدانید. وقتی مصدق را که زیر فرمان اعلیحضرت می‌زند، می گیرند و می‌اندازند توی هلفدونی، تکلیف امثال بنده و آقای کریمی روشن است. از قدیم گفته‌اند که زبان سرخ سر سبز می‌دهد برباد. شنیدید یا نشنیدید؟ خیال می کنید این مثلها را اجداد ما از روی بخار معده ساختند؟ نه خیر. هر کدامش خدا می‌داند چقدر برای این ملت خرج برداشته تا این طوری جا افتاده است. الان هم زمانه زمانه الدرم بلدرم کردن نیست. الان باید آسه بروی، آسه بیائی که گربه شاخت نزند. شما ناسلامتی بزرگتر مدرسه هستید. باید یک کمی سرتان توی حساب و کتاب باشد. باید بدانید دور و برتان چه اتفاقاتی می افتد. اگر من مجبورم بگویم ف، شما خودتان باید تا فرحزادش را بخوانید. مگر آقای مدیر سر صف تذکر ندادند. مگرنگفتند کلاس فقط جای درس هست. مگر سربسته نگفتند فضولی موقوف؟ زمان زنده باد و مرده باد تمام شده است. الان روزگاری هست که فقط باید بگوئید جاوید شاه. ملتفت شدید؟ فقط باید بگوئید جاوید شاه. آن وقت شما نامردها برمی‌دارید روتخته سیاه می‌نویسید زنده باد آقای کریمی. می‌دانید این یعنی چی؟ متوجه هستید چه خطای بزرگی ازتان سر زده است؟ معلوم هست که نمی‌دانید. حالا اگر همین را دستک و دنبک بکنند و بریزند توی مدرسه و سین جیمتان بکنند، چی دارید بگوئید؟ بدبختها شما دلتون می‌خواهد پدر و مادرتان از همین یک لقمه نان خوردن هم بیفتند؟ وقتی روی تخته سیاه می‌نویسید زنده باد آقای کریمی باید جوابگوی شکر خوردنتان هم باشید.

زنده باد آقای کریمی یعنی مرگ برشاه

چند نفری گفتند آقا اشکالش کجاست؟آخر ما ایشان را دوست داریم. ایشان معلم خوبی بودند. آقای ناظم گفت احمقها اشتباهتان در همین جاست. اولاً شما غلط می‌کنید که ایشان را دوست دارید. ثانیاً گیرم که دوستش داشته باشید. باید همه جا جار بزنید؟ ثالثاً دوست داشتن آقای کریمی چه ربطی به زنده باد و مرده باد دارد؟ من گفتم آقا اشکالش چی هست؟ آقای ناظم گفت پسر آسید حسن، تو یکی می‌توانی اشکالش را در خانه از بابات بپرسی. وقتی خدا تو و امثال تو را خنگ و خرفت آفریده، من چه کار می‌توانم بکنم. چطور هست که شما اشکالش را نمی‌فهمید؟ وقتی برمی‌دارید روی تخته سیاه ، جلوی چشم صغیر و کبیر می‌نویسید زنده باد آقای کریمی ، زبانم لال زبانم لال ، یعنی مرده باد اعلیحضرت. یکی از بچه‌ها گفت آقا ما شاهنشاه را ازتخم چشممان هم بیشتر دوست داریم. ولی کجای زنده‌باد آقای کریمی یعنی آن چیزی که شما فرمودید؟ آقای ناظم گفت وقتی می گویم خنگید، برای تعارفات معمولە نمی گویم . آقای کریمی کی بوده؟ چکاره بوده؟ ایشان طرفدار دو آتیشه مصدق بوده است. از آن طرفدارهای صاف و ساده هم که نبوده است. از آنها هم نبوده که الکی دنبال مصدق راه افتاده باشند. ایشان یک عمر با شاهنشاه و پدر ارجمندشان مخالف بوده است. ایشان یک عمر هر جا نشسته و پا شده، پشت سر اعلیحضرت فقید و شاهنشاه جوان بخت بد و بیراه گفته است. ای کاش فقط بد و بیراه گفته بود. ایشان رو راست قصد براندازی داشته است. علیه مقام شامخ سلطنت اقدام کرده است. مبصر سابقمان گفت آقا اجازه هست، مقام شامخ چی هست؟ آقای ناظم گفت تو دیگه خفه شو که همه این فتنه‌ها از گور تو بلند می‌شود. مقام شامخ یعنی مقام شامخ ، معنی دیگر ی هم ندارد. و ادامه داد صد بار با گوشهای خودم شنیدم که به شاهنشاه و پدر شان رضاشاه فحش می‌داد. ما اینها را شنیدیم و نشنیده گرفتیم. اما بالاخره هستند کسانی که می‌شنوند و نه تنها نشنیده نمی گیرند بلکه صد تا هم می گذارند رویش و گزارش می‌کنند. آقای کریمی این جوری برای خودش درد سر درست کرد. برای خودش با دست خودش صد تا پاپوش دوخت. ازش هزار جور سند و مدرک دارندکه نشان می‌دهد تا مغز استخوان با اعلیحضرت مخالف هست. ایشان تابستون پارسال،در جریان سی تیر همه کاره بوده است. از پنج سال پیش تا به حال ، یعنی پس از تیر اندازی پانزده بهمن به اعلیحضرت، ده بار آقای کریمی را برده‌اند شهربانی. ایشان تو زندون آب خنک سر کشیده است. حالا شما احمقها برای یک چنین کسی رو تخته سیاه می‌نویسید زنده باد آقای کریمی؟ بعدش هم می‌پرسید چرا زنده باد آقای کریمی، یعنی مرده باد شاهنشاه. حالا امیدوارم حسابی خرفهم شده باشید. خدا می‌داند در این دنیا تا به حال چند نفر به خاطر دوستی با دشمنان شاهان سرشان به باد فنا رفته است. بنا بر این آقای ماهوتیان حقشان بوده که سرتان داد بکشند و تنبیهتان کنند. آخر کسی که تنش نمی‌خارد کاری نمی‌کند که معلمش با کمر بند بیفتد به جانش. من بلند شدم گفتم آقا ، حالا ما بچه بودیم و نفهمیدیم و اشتباه کردیم. خب، ایشان هم مثل شما برایمان توضیح می‌دادند. ما هم دیگر از این غلطها نمی‌کردیم. نه این که کمر بندشان را باز کنند و همه را با گناه و بی‌گناه بزنند. پس چرا تا به حال شما کسی را کتک نزده‌اید؟ شما که ناظم مدرسه هستید، اگر قرار به زدن باشد بیشتر از بقیه حق دارید. شما چرا دست زدن ندارید؟ چطور همین آقای چیز یکبار دستش روی کسی بلند نکرد؟ آقای ناظم گفت آقای چیز دیگر کی هست؟ گفتم آقا می‌ترسیم اسمش را به زبان بیاوریم، برای ما هم درد سر درست بشود. بگویند تو هم دشمن اعلیحضرتی.

۵مهر ۱۳۶۰
روزی که بت شکسته شد
روزی که شهر خاموش نمانـد

نسلی که با فدا و پاکباختگیش «بت» را شکست میلیشیای قهرمان مجاهد خلق و شهیدان والاقدر ۵مهر ۱۳۶۰، در شرایطی که خمینی می‌خواست همه نفسها را در سینه‌ها حبس کند، بلندترین خروش تاریخ مبارزات رهاییبخش مردم ایران، یعنی شعار مرگ بر خمینی را در ایران‌زمین طنین‌افکن کردند. قبل از آن هیچ‌کس و هیچ تیره و جریانی جرأت بر زبان آوردن شعار مرگ بر خمینی را نداشت، شعاری که هرکس دیو مهیب ارتجاع و دجالیت خمینی را بشناسد و معنی درهم شکستن «بت خمینی» را بداند، تصدیق خواهد کرد که مهمترین و سرنوشت‌سازترین شعار رهاییبخش و دگرگون‌کننده در مبارزات مردم ماست. هیچ‌چیز جز اوج فدا و پاکباختگی و جسارت انقلابی این نسل از آن‌گونه که مردم ایران در ۵مهر ۱۳۶۰ دیدند، نمی‌توانست این «بت» را بشکند.

مریم رجوی
۵مهر ۱۳۷۱

فرازی از نامه پرشور مسعود شکیبانژاد یکی از ستارگان درخشان حماسهٔ ۵مهر

«...اما خمینی بسیار حریص‌تر و خشن‌تر وارد میدان شده. میدان کارزاری که نهایتاً سقوط حتمی و مرگ بسی خوارتر و زبون‌تر از شاه را برایش به‌ارمغان خواهد آورد. بلی خلق درمقابل این‌همه جنایت و این‌همه خونریزی هرگز ساکت نخواهد نشست . آری اینها همه برای آزادی است، آزادی، آزادی، این خون رگهای هستی، این آوای خونین همیشهٔ تاریخ و چه‌باک، چه‌باک. به‌خدا اگر صد جان می‌داشتم راضی بودم که هرکدام را زیر شدیدترین شکنجه‌ها و زنده پوست‌کنده‌شدنها بدهم، برای خدا، برای رهایی خلق، ... تنها آدمهای بزدل و بی‌شرف می‌توانند ساکت بنشینند. من خیلی وقت است که ماهیت این رژیم خونخوار پلید برایم روشن گشته و بنابراین با همه وجودم، معتقدم که باید با این حکومت فقط با سلاح درآویخت، چرا که دیگر هیچ جایی و طریق برخورد دیگری را نگذاشته‌اند و بازهم بر این تأکید دارم که نبرد ما عادلانه است و به‌حکم قرآن این حق ماست و خدا به‌ما اجازه داده تا با آنها که به‌ما ظلم روا داشتند، بجنگیم. اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا ... الان ساعت ده و ده‌دقیقه روز شنبه ٤مهرماه سال ۱۳۶۰ است. من به‌خوبی می‌دانم که آخرین لحظات عمرم را دارم سپری می کنم. زیرا فردا برنامهٔ بسیار گسترده و بسیار مهمی داریم که حالت نقطهٔ عطف را در جنبش دارد و این حالت پیش نمی‌آید و قوام نمی‌یابد مگر با خون، و این خون از بدنهای ما باید ریخته شود تا به‌خلق انگیزه حرکت و ایثار بدهد و تا رهایی به جامعه باز آید. ...خواهران مجاهد ما، به‌عنوان سمبل مقاومت و فداکاری و ایمان به‌خدا و به اسلام در اذهان توده‌های انقلابی خلق، جایگاه ویژهٔ خویش را برای ابد تثبیت نموده‌اند و تاکنون نیز تعداد بسیاری از همین خواهران به‌دست رژیم ددمنش خمینی جلاد به جوخهٔ اعدام سپرده شده‌اند. تعداد زیادی نیز در خیابانها به‌دست عوامل چماقدار شهید یا دستگیر یا مجروح شده‌اند و اساساً زن در مسیر رهایی خویش پابه‌پای مردان و در موارد بسیار گامی فراتر از توفان بن‌بست‌شکنی و راهگشایی خلق به‌سوی تعالی و رستگاری بوده است و انشاءالله هرچه زودتر خواهران نقش قاطع و مؤثر خود را در سرنگونی خمینی جلاد ایفا خواهند نمود. خوب عزیزان لحظهٔ سنگین وداع نزدیک است. به‌هرصورت امیدوارم مایهٔ افتخارتان بوده باشم. امیدوارم مرا ببخشایید و به‌یادم باشید.
همه‌تان را دوست دارم، فدایتان مسعود»

از دریچه چماق

علی مقدم

در کشورهایی که خفقان و دیکتاتوری بیداد می کند معمولاً هنرمندان متعهدی پیدا می‌شوند که با پذیرش زندان و تبعید و اعدام زیر بار ننگ تسلیم نمی‌روند. آنها با چاپ کتاب و نشریات مخفی، و یا سرودن شبنامه، و یا ساختن فیلم چهره پلید دیکتاتوران حاکم را افشا می کنند. این آثار همواره بذر آگاهی می کارند و شعله مقاومت را در دل آنان زنده نگه می‌دارد.
اما همواره هستند کسانی که در این قبیل دورانها با سر سپاری به دیکتاتورهای حاکم هنرشان را در خدمت تحمیق توده‌ها به کار می‌گیرند. کاری به مراتب بدتر از کار نیروهای سرکوبگر برای سرپا نگه‌داشتن حکومت جلادان. در این روند دو نوع جریان هنری و دو نوع هنرمند کاملاً متضاد شکل می گیرد.
یکی «جیلو پونته گورو» کارگردان مترقی ایتالیایی می‌شود و فیلم شعله‌های آتش را می‌سازد و دیگری لنی رفینشتال، کارگردان فاشیست آلمانی، که فیلم «پیروزی اراده» را در خدمت اهداف جنایتکارانه نازیها می‌سازد. او تانکهای آلمانی را در رژه از مقابل هیتلر طوری به نمایش گذاشت که ترس و وحشت را در دل میلیونها تماشاگر در کشورهای مختلف ایجاد کرد. طوری که قبل از رسیدن نیروهای هیتلر همه از ترس روحیه باخته بودند و تسلیم آلمانیها می‌شدند.
دوربین و امکانات تصویری در هر دو فیلم یکی است. ولی همواره این دیدگاه کارگردان است که باعث می‌شود یکی دوربین خود را وسیله حمله به دیکتاتورها بکند و دیگری وسیله‌یی در حمایت از آنها.
آن چه که در دوران حکومت آخوندی بر سر هنر و هنرمندان کشور ما آمده دقیقاً به همین شکل است. یعنی عده‌یی از هنرمندان آگاه و مترقی و انقلابی سر تسلیم در مقابل دیکتاتوری مذهبی حاکم فرود نیاوردند. آنها یا دستگیر و زندانی و شکنجه و سرانجام اعدام شدند، و یا جلای وطن کرده و رنج تبعید و در به دری را بر خود پذیرفتند. عده‌یی نیز خاموشی گزیده و دست از کار کشیدند و خود را با جنایتکاران حاکم هم پیاله نکردند. اما برخی نیز به عنوان هنرمندان خودفروخته و فرصت‌طلب برای به دست آوردن نام و نان، بر این همه ظلم و جنایت حاکمان چشم بستند و فریادهای شکنجه‌شدگان و صدای رگبارهای تیرباران بهترین جوانان این مرز و بوم را نشنیده گرفتند. این عده دوربینهای خود را از لابه‌لای جراثقالهای اعدام انسانهای بی‌گناه برای فیلمبرداری و پرکردن جیبهای خود به حرکت در آوردند. کسا نی که بی گمان در تاریخ آینده ایران نامشان در زمره خیانتکاران به آرمانهای خلق ثبت خواهد شد. کسا نی که نسلهای آینده در وصفشان خواهند گفت وقتی به دختران ۱۳ساله و مادران ۷۰ساله در زندانها تجاوز می‌شد، در زمانی که آنها را دسته دسته به جوخه‌های تیرباران می‌سپردند، و درحالی که مردم ما از گرسنگی کلیه‌های خو درا می‌فروختند و دختران از شدت فقر به تن‌فروشی افتاده بودند، اینها مشغول ساختن فیلمهای گل و بلبلی خود جهت ارسال به فستیوالهای سینمائی بودند.
در هر حال غرض از نوشتن این سطور یادآوری برخی نکات است بعد از دیدن فیلم اخراجیها ساخته تئوریسین چما قداران انصار حزب‌الله.
تا آن جا که به سفید کردن روی حاکمان خونریز مربوط می‌شود الحق روی بهترین فیلمسازان فاشیستی دوران هیتلری را در تبلیغ ایدئولوژی حزب‌اللهی خود سفید شده است. در مملکتی که آخوند روضه‌خوانی درخم رنگ یک شبه آیت‌الله می‌شود و شکنجه‌گر تیر خلاص زنی یک شبه پروفسور و رئیس جمهور، چیز عجیبی نیست که چماقدار شناخته شده «حزب‌اللهی هم که دستانش به خون آزادیخواهان و دانشجویان و زنان بی گناهمان آغشته است یک شبه فیلمساز بشود.
فیلم به لحاظ ساختار سینمایی و و تکنیکی فاقد کوچکترین ارزشهای هنری است. چیزی در ردیف سایر فیلمهای رژیم در توجیه جنگ ضد میهنی ۸ساله. منتها این بار با شکلی بسیار هزل و لوده. موضوع فیلم مربوط می‌شود به یک عده جوان. از آن قبیل کسانی که این روزها با نام «اراذل واوباش» دسته دسته اعدامشان می کنند. این چند نفر شامل نفرات زیر می باشند: مجید سوزوکی که به خاطر داشتن موتور سوزوکی این لقب را دارد. نفر دوم لومپن دیگری شبیه خودش است نفر سوم هم طبق سناریوی حزب‌اللهی یک ترک(!) است، با رذالت تمام آن را ترسو و ابله و وسیله‌یی برای مضحکه دیگران نشان داده می‌شود. نفر چهارم یک جیب‌بر، و نفر پنجم آکوردئون‌زنی است که خود را به کوری زده است. نفر ششم یک معتاد است. موضوع داستان حول عشق مجید و دختر میرزا، کفشدوز محل که فرد مومنی است، می‌گردد.
مجید که تازه از زندان آزاد شده طوری وانمود می کند که طی این مدت حج رفته بوده و می‌خواهد به این وسیله رضایت میرزا را برای موافقت ازدواج دخترش جلب کند. قضیه لو می‌رود و معلوم می‌شود که مجید زندان بوده است. پس از این ماجرا مجید تصمیم می گیرد برای جلب رضایت پدر دختر، راهی جبهه شده و مدتی در آنجا بماند و تعدادی عکس تهیه بکند و سپس برگردد و بگوید که به جبهه رفته بوده. بقیه دوستان وی حاضر می‌شوند همراه او برای انجام این کا ر به جبهه بروند.
ده‌نمکی در ابتدا برای این که نشان بدهد این افراد چقدر با ارزشهای حزب‌اللهی و مذهبی مخالف هستند از زبان آنها همه چیز به مسخره می گیرد تا بعداً نشان بدهد که حتی چنین اراذل و اوباشی هم در اثر برخورد با پاکی و خلوص پاسداران و آخوندها چگونه به راه راست هدایت می‌شوند.
از قضا تنها نقاطی از فیلم هم که برای تماشاچیان جالب است و حرف دلشان را می‌شنوند و به این وسیله آخوندها و پاسداران را مسخره می کنند همین تکه‌پرانیها است.
مثلاً هنگام ثبت نام برای جبهه مامور حزب‌الله می‌پرسد شما تا به حال نماز جمعه رفته‌اید؟
پاسخ نفر ترک: بله ساعت حدود ۳ رفته بودیم تعطیل شده بود گفتند برید شنبه بیایید
مامور حزب‌الله: شما می‌دانید نماز جمعه چند رکعت است:
پاسخ نفر ترک: پدرم خدا بیامرز می گفت چون جمعه کار نمی‌کنیم و بنیه قوی داریم هر چقدر بیشتر بخو ینم بهتره
مامور حزب‌الله: شما تا به حال مستراح رفته‌اید؟
پاسخ نفر معتاد: تا دلت بخواد خیلی هم طول می کشد
مامور حزب‌الله به هنگام ورود به مستراح پای راست ر ا اول می گذارید یا پای چپ را
پاسخ نفر معتاد: شما ما را ثبت نام کنید من با سر شیرجه می‌زنم تو مستراح
سئوال آخوند: به هنگام سفر می‌دانید که باید نماز را شکسته بخوانید:
پاسخ نفر ترک: اون چه را باید بشکنیم پسته و آجیل است و گرنه نماز را هر چه کاملتر بخوانیم بهتر است
این عده هنگامی که در اتوبوس در حال حرکت هستند شروع به خواندن ترانه‌های کوچه بازاری از قبیل «تو سفر کردی به سلامت» می کنند اما تا به ماشین آخوندها می‌شوند به گفته نفر ترک «موج را عوض می کنند و خواندن شعرهای «ملی میهنی حزب‌اللهی» شروع می‌شود: «خلبانان قهرمانان، ای امید خلق ایران پرواز کن» و بعد از دور شدن ماشین آخوندها باز شروع می‌شود: «برو برو دیگه منو نگاه نکن .عاشقت م ازسرسرام فرارنکن ...»
در جبهه هم وضع به همین قرار است. وقتی آنها را برای نماز بیدار می‌کنند هرکدام به نوعی این موضوع را به مسخره می‌کشند. اولی می گوید ۲ساعت پیش خواندم. پاسدار می‌گوید تازه دارند اذان می گویند و او جواب می‌دهد که خوب دیر دارند می‌دهند. و دیگری می گوید: «من قضا شو می خونم»
در تماس تلفنی با دختری که به خاطرش به جبهه آمده‌اند دختر می گوید که این جا می گویند که در جبهه یک شربتهایی می‌دهند که اگر بخوری شهید میشی اگر بهت شربت دادند نخوری ها!
یا خانمی که همسرش را راهی جبهه می کند می گوید: «اون جلوها نری که طوریت بشه بذار فیض شهادت نصیب دیگران بشه وسایه شما روی سرما بمونه»
در چنین فضایی فیلم مملو است از صحنه‌های به مسخره کشیدن جبهه و کارهای آخوندها.تا کارگردان حزب‌الله، چفیه بسته، بتواند از پشت چشمی چماق خود پداگوژی مبتذلش را در فیلم پیاده کند. این «اراذل و اوباش» در جریان فیلم مسعود ده‌نمکی از «پاکی و خلوص و از خود گذشتگی» رزمندگان می‌آموزند و در صحنه درس ایمان به خدا می گیرند و به نقطه‌یی می‌رسند که ازهمه چیز خود بگذرند و جانشان را هم دراین راه فدا بکنند. به خاطر راه انداختن چنین موجی از دروغ و ابتذال بیشک اگر هیتلر زنده بود جایزه بزرگ «وندیک» آلمانی را به سینه کارگردان انصار حزب‌اللهی نصب می کرد. زیرا که این گونه با وقاحت تمام همه چیز را وارونه جلوه دادن برای تحمیق توده‌ها کار هرکسی نیست و تنها وتنها از ذهن یک فاشیست حزب الله خلصفیلمبرداری انجام شود نتیجه فیلم نیرجز یک دروغ بزرگ نخواهد بود.

عکسها و حرفها

اینک ضربان قلب ما را بشمار

اینک ضربان قلب ما را بشمار
تا حکم دهند لحظه‌ها را بشمار
گفتند: سخن نگو، نیندیش، بمان!
تعداد زبان بریده‌ها را بشمار
پرونده عاشقان آزادی را
تک تک بگشا ستاره‌ها را بشمار
تعلیق، هزار ترم! تهدید! اخراج!
صفحه پس صفحه ناروا را بشمار
تک واحد آزادی را بیست شدیم
بر جرگه عشق نام ما را بشمار
وآنک که تن سیاه شب می‌سوزد
معکوس، پسین شماره ها را بشمار

از بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد گرگان

اسلام پویا و درک دینامیــک از قرآن

سخنرانی در نمایشگاه حقوق بشر سنگسار شده

مهدی ابریشمچی

یادآوری: این سخنرانی به مناسبت ۱۰سپتامبر، در دی ماه ۱۳۸۳، در نمایشگاه حقوق بشر سنگسار شده ایراد گردیده است

امروز همه شما از این نمایشگاه بازدید کردید و فکر می‌کنم یک وجه از واقعیت برای همه روشن شد. آن هم جنایات رژیمی که ما از روز اول اسمش را گذاشتیم رژیم ضد بشری. و طبیعی است که وقتی رژیمی ضد بشری است ضد حقوق بشر هم هست. به همین دلیل به نظر من «ضد بشری» رساترین اسمی بوده که جنبش ما بر این رژیم گذاشته است.

هرچند این نمایشگاه، به رغم تمام شواهد تکان‌دهنده، نمی‌تواند تمام رنجی راکه مردم ما در زیر حاکمیت آخوندها تحمل می کنند ارائه بکند ولی بخشی از سؤالها را راجع به رژیم آخوندی وماهیتش پاسخ می‌دهد .اگر چه به بیان شهید اشرف رجوی جهان از رنجی که خلق ما از طرف آخوندها متحمل می‌شود خبر دار نشد.

به هرحال یک بخش از واقعیت را اینجا دیدید.

آن چه که من می‌خواهم اشاره بکنم تجربه مشخص سازمان مجاهدین است. یعنی پاسخ به این سؤال که کدام برداشت و تفسیر از اسلام واقعی و منطبق با طبیعت اسلامی است که محمد پیامبر آن بود. آن طور که رژیم ادعا می کند و برخی نیز از مواضع مختلف همان را تکرار می کنند، اسلام آخوندی یا آن چه مجاهدین ادعا می کنند، اسلام دموکراتیک. سازمان ما با چهل سال تجربه، ازطریق تجربه عملی و حرکت کردن، متکی بر یک برداشت و دریافت نوین از اسلام است. باتوجه به تاریخچه و خدمتی که توانسته در راه آزادی به مردم ایران بکند مبین این واقعیت است که در این جنگ نظری حق با آن کسانی هست که می گویند اسلام واقعی آن است که محمد آورده است، وهمانست که علی حمل می کرده، و آن چه را که امام حسین متکی بر آن صحنه تاریخی عاشورا را ساخته. و این اسلام همان اسلامی است که از نظر ما دمکراتیک، طرفدار آزادی و صلح و برابری، و تساوی حقوق بین زن و مرد است. این اسلام حامل تمامی ارزشها و ملاکهایی است که دیروز و امروز و فردا، به عنوان ارزشها و ملاکهای انسانیت از آن دفاع کرده و می کند و خواهد کرد. کار سازمان مجاهدین نه در یک تحقیق نظری بلکه در یک عمل اجتماعی این واقعیت را ثابت کرده است.

دوستان عزیز!

در سال ۱۳۴٤ وقتی که سازمان مجاهدین تأسیس شد، بنیانگذاران آن به عنوان محققان اسلام‌شناس، با یک رویکرد تئوریک وارد کار نشدند. بلکه آنها به عنوان عناصر پیشتاز، پیشتازانی که مایل بودند کار و وظیفه اجتماعی خودشان را مبارزه اجتماعی خودشان را پیش ببرند وارد صحنه سیاسی و اجتماعی شدند. آنها دنبال یک سلاح تئوریک برای مبارزه‌شان می گشتند. چون بسیار روشن است که مانند هرکار علمی در دنیا، که متکی بر یک نظریه است، هر مبارزه انقلابی نیز، متکی بر یک نظریه انقلابی است. آنها در سال ۱۳۴٤ باتوجه به همان مقدار درک و دریافتی که از اسلام داشتند این آرمان و ایدئولوژی را به عنوان تئوری راهنمای خود در مبارزه اجتماعی خودشان برگزیدند. البته باید تصریح کرد که درک و دریافتهای آنان بنیادها وگامهای نخستین ایدئولوژی فعلی مجاهدین بود. بنیانگذاران سازمان، اسلام انقلابی را برگزیدند و در این مسیر قدم گذاشتند. برای این که مسأله آزادی و عدالت اجتماعی را در ایران محقق کنند. مسأله مبارزه با ظلم وستم و رسیدن به یک جامعه آزاد و مستقل را محقق کنند. سازمان مجاهدین بعد از بنیانگذاران خود و در جریان عمل طی چهل سال گذشته دستاوردهای زیادی داشت و به همین دلیل توانست چه در زمان شاه و چه در زمان حاکمیت آخوندها، مبارزه مردم ایران را به درستی به پیش ببرد. به خصوص در زمان خمینی دستاوردهای ما در آزمایشگاه اجتماعی ایران، یعنی جایی که نظریه‌ها به محک تجربه سنجیده می‌شوند، واقعیتی را به اثبات رساند. واقعیتی که می گوید در ستیز تئوریک و نظری بین دو برداشت و دو گروه مدعی، آن کسانی که می‌خواهند ارتجاع و بنیادگرایی را به اسم اسلام به جامعه غالب بکنند، و آن کسانی که می گویند اسلام این نیست، حق با کسانی است که می گویند طبیعت اسلام، و پایه و مایه آن، راهگشا و محقق کننده آزادی و عدالت و پیشرفت جامعه بشری است.

اگر شما به سال ۱۳۴٤ یعنی روزی که سازمان مجاهدین تأسیس شد، برگردید خواهید دید که در آن سال سازمان مجاهدین با روش مشخصی سراغ اسلام رفت. اول آن که در متون اساساً به دو متن قرآن ونهج‌البلاغه متکی بود و آنها را مبنا و پایه قرار داد. در تاریخ نیز از پیشوایان و راهبران تاریخی مانند امام حسین الهام می گرفت که برای آزادی و نجات انسان و برای ارزشهای انسانی مبارزه کردند. هم چنین در متد بر اجتهاد تکیه کردند که یک منطق شناخته شده‌یی در اسلام را مجاهدین از خودشان در نیاوردند. بلکه این یک اصل اسلامی شناخته شده است که احکام اسلامی باید در هر زمان متناسب با شرایط پیاده شود. امری که حتی در زمان پیامبر هم صادق بوده است. از روز اولی که پیامبر اکرم مبعوث شد تا زمان رحلتش بسیاری از احکام و حتی عبادات، متناسب با شرایط اجتماعی تغییر وتحول پیدا کرد. بنابرین این چیزی نبوده که ما ابداع کرده باشیم. مجاهدین بر یک سنت و متد شناخته‌شده اسلامی یعنی اجتهاد تأکید کردند و این همان اصلی است که استفاده از همه دستاوردهای بشری را برای مسلمانان امکان‌پذیر می‌سازد.

یکی از اولین بحثهائی که درسازمان مجاهدین در زمینه ایدئولوژی داشتیم بحث راه انبیا و راه بشر بود. برعکس دریافتهای ارتجاعی، که شما با آن به اندازه کافی آشنا هستید، که انگار یک ستیزی بین علم و مذهب وجوددارد. برداشتی که ما داشتیم و داریم برعکس است و ۱۸۰درجه واژگونه است. ما معتقدیم بدون تردید اسلام، وهر دریافت توحیدی از مسیحیت وحتی یهودیت، در مبانی خودشان به هیچ عنوان مخالف علم نیست و نمی‌تواند باشد. مثلاً ما در سازمان مجاهدین بحثی داشتیم که در قرآن کلمه «کتاب» هست و «الکتاب». در منطق قرآن منظور از کتاب، کتاب آفرینش و جهان مادی است. «الکتاب» که قرآن است بازتاب آن جهان است. یعنی دقیقاً منعکس کننده واقعیتها و حقایقی است که در جهان موجود است. بنابراین ما معتقد هستیم که هرچند وحی از یک منشأ غیر بشری می آید، ولی راه انبیا و راه بشر به هم می‌رسند. متقارب هستند ونه متنافر. بنابراین من به روشنی باید بگویم آن‌چه راکه در حقوق بشر امروز معتقد هستیم این عین اسلام است. و این منطبق بر متون و کتب و تاریخ اسلام هست. اما به طور خاص سازمان مجاهدین باچنین نظریه‌یی حرکت کرد. روزی که ما راه افتادیم پیش فرض ما همین بود. ما این برداشت از اسلام را مبنا قرار دادیم. آیا بدون نظریه و تئوری می‌شود مبارزه اجتماعی را پیش برد؟ می‌شود چهل سال مبارزه کرد؟ نمی‌شود. هم اکنون شما به صحنه سیاسی میهنمان نگاه کنید.

الان صحنه سیاسی چقدر پیچیده است؟ ما سازمان مجاهدین و البته جنبش مقاومت، این افتخار راداریم که درسترین حرف را در مورد رژیم خمینی زده‌ایم . از اول گفتیم دشمن اصلی، و تضاد اصلی با ارتجاع و همین بنیادگرایی است. آیا این کم حرفی است؟ رویش هم ایستادیم. مبتنی بر همین حرف ما هر تضاد دیگری را کنار گذاشتیم. یک روز رژیم سابق عراق داشت با آخوندها می‌جنگید، شورای ملی مقاومت ومجاهدین تصمیم گرفتند که بروند عراق. چقدر فحش به ما دادند و چه حرفهایی به ما زدند؟ ولی ما مبتنی بر درک و دریافتی که داشتیم از این که این آخوندها دشمن اصلی مردم ایران هستند هر تضاد دیگری را فرعی تلقی کردیم. چون مسأله اصلی ما رژیم بود و هست ما هیچ‌گونه دخالتی در جنگ کویت یا جنگ آمریکا و عراق نداشتیم و رسماً هم اعلام کردیم و بعد از اشغال عراق توسط آمریکا هم، هیچ‌گونه انحرافی از تمرکز روی تضاداصلی، یعنی رژیم، را مجاز ندیدیم و روی شعار آزادی و مبارزه با ارتجاع و رژیم متمرکز بودیم و هستیم. چون تضاد اصلی ما آمریکا نیست، تضاد اصلی شما رژیم خمینی است. این فقط و فقط در سایه روشنای یک تئوری انقلابی، و برای مجاهدین ایدئولوژی توحیدی، مقدور است که بفهمیم دشمن‌ترین دشمنان اندیشه تو و ملت تو وآزادی، آخوندها هستند. و آن چه آخوندها می‌گویند و می‌کنند به طور مطلق هیچ ربطی به اسلام ندارد . مبتنی بر این درک و دریافت ما جلو آمدیم و می‌بینید که در عمل راهها جلوی ما باز شده است. الان روند زمان طوری است که آن‌چه را که ما روز اولی که آمریکا عراق را اشغال کرد گفتیم بسیاری از سران حکومتها و سیاستمداران و انسانهای آزاده‌یی که دلشان برای آزادی می‌تپد درک می‌کنند و تکرار می‌کنند. تازه دارند می‌فهمند داستان چیست؟ و عراق وضعش چی هست؟ و مشکل عراق چی هست؟

این اندیشه و این فهم و درک، درکی است روشن و واضح و آشکار در تاریخچه ما.

آن‌چه را که من می‌خواستم امروز رویش تأکید کنم چیزی جز این نبود که درک و دریافت اصیل از قرآن و اسلام درکی انقلابی هست. و نه آن‌چه که آخوندها می گویند. منتها نه صرفاً از راه تحقیق و بررسی تئوریک، بلکه از طریق عمل اجتماعی و از طریق مبارزه اجتماعی.

مثلاً به مسأله تساوی زن و مرد توجه کنید! شما می‌دانید که سالهاست همه انقلابیون و روشنفکران وهمه آزادیخواهان زن و مرد به عنوان آرمان و ملاک به مسأله زنان توجه دارند. ولی واقعیت ا ین است که ما مجاهدین متکی بر اندیشه و ایدئولوژی خودمان افتخار داریم در این زمینه امروز سطحی از تساوی بین زن و مرد در سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش پیاده کرده‌ایم، که به اعتراف بسیاری از کسانی که با وضعیت سازمان مجاهدین آشنا می‌شوند واقعا عالی و بی‌نظیر است. و این البته افتخاری است برای همه مردم ایران. چون بالاخره این سازمان متعلق به مردم ایران است. ما به این دستاوردها قبل از حاکمیت رسیده‌ایم. به هر حال ما به این نقطه رسیده‌ایم و تردید نداریم که اگر بحث آزادی زنان نبود مبارزه ما با خمینی پیش نمی‌رفت. باید با ایدئولوژی مجاهدین به درک و دریافت دیگری از آیه «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» رسید تا می‌توانستیم چنین بار سهمگین تاریخی را بدوش کشیده و حمل و نتیجه عملی‌اش را ارائه کنیم. تا آن‌جا که امروز من به عنوان یک مرد، در داخل جنبش مقاومت، بزرگترین افتخارم این است که زیر پرچم آزادی زن ومرد مبارزه می کنم . به چه دلیل؟ به دلیل این که تیزترین جایی که تفاوت خودم را با رژیم آخوندی پیدا می کنم که می‌خواهم با آن برای به دست آوردن آزادی مبارزه کنم، همین جا است . من افتخار آفرین‌ترین پرچمی را یافته‌ام که در بلندترین قله مبارزه اجتماعی برای آزادی و حقوق بشر قرار دارد.همان دفاع از حقوق زنان است. ولی این از کجا به دست آمد؟ و چرا؟ به نظر من چون در ادعایی که ما داریم، ما درست می گوئیم که اسلام این است که مجاهدین می گویند، نه آن که آخوندها می گویند. با این دیدگاه «حقوق بشر اسلامی» که آخوندها ادعا می کنند اصلاً «حقوق بشر»نیست، اسلامی هم نیست. حقوق بشر همانست که جهانی است و همه قبول دارند. این درک و دریافت ماست. اسلام، اسلام مجاهدین با مسأله حقوق بشر، این طوری برخورد می کند

این، آن وجهی است که من می‌خواستم رویش پافشاری بکنم. البته ما در سازمان مجاهدین تمام کارهایی که کردیم، گام به گام با تکیه بر متون اصیل اسلامی و قرآن و نهج البلاغه و آن چه که علی(ع) در راهنمایی دادنهایش بیان کرده، بوده است. اینها راهنمای عمل مجاهدین بوده است. ما بر آن پایه حرکت کردیم و فکر می کنم پراتیک مجاهدین حقانیت این روش و مسیر را ثابت کرده است.

خروج از مجرای تنگ کلمه

کاظم مصطفوی

خروج از مجرای تنگ کلمه

صعود به ارتفاع وحی کلمه
و خروج از مجرای تنگ قافیه
وهمی به شیرینی زندگی
و نفسی به بلندای مرگ.

کشف دریایی محبوس
در زیر تپه‌یی سرخ و داغ
پر از بخار و خفاش و کبوتر پنهان
با هوایی تر و سرد.

غاری ورای غار،
سکوتی که می وزد و نمی شکند
و روحی خیس
نشسته برسکوی سپیدی از تنهایی.

در انتظار رؤیت کبوتری که می آید
با برگ پیامی برلب.
بی خوف می گذرم از مجرا
با نور بلند آوازی از نزدیکیهای دل.

چه نصیب با شکوهی!
تنهایی نگاهی که می گذرد از سایه،
و چه خوشدلی مجنونانه‌یی
وقتی که فرو می افتی چون فواره سرخ بلند
میرا در عفونت هیاهو
وقتی شنیده نمی شود.

کارگردانهای فستیوالی

جمشید آشوغ

ساختن فیلم هیچگاه، حتی در آغاز پیدایش دوربین فیلمبرداری، کار چندان دشوار و خارق‌العاده نبوده، چه رسد به امروزه که انسان می‌تواند با ارزانترین قیمت، مرغوبترین و پیشرفته‌ترین دستگاههای تصویری و صوتی را دراختیار داشته باشد، تا فیلمی تهیه کند و در کنار خانواده ودوستان از دیدن آن لذت ببرد. و یا حتی می‌تواند آن را بر روی پرده سینما به نمایش بگذارد. در این راه هیچ مانعی برایش وجود ندارد و کسی نیز وی را منع نخواهد کرد. حتی محصلی جوان که با همکلاسیهای خود به گردش آخر هفته می‌رود، می‌تواند بدون دغدغه از عهده فیلمبرداری برآید و فیلم قابل توجهی در اختیار همبازیهای خود قرار دهد. اما از این نقطه یعنی ساختن «فیلم» تا پدیده‌یی به نام «سینما» فاصله‌یی از زمین تا آسمان، اقیانوسی از اختلاف و دره‌یی از ناهمگونی قرار دارد.

سینما یک «ایده» است. در صورتی که «فیلم» فقط ایده‌یی است برای به نمایش گذاشتن تصویری که خود به تنهایی فاقد هرگونه «ایده و نظر» می‌باشد و تنها می‌تواند در برگیرنده تصاویری از خاطرات و غیره... باشد. اما سینما یعنی تفکر، خلاقیت، روش، پویایی یک آرمان و« نوعی» از زندگی که می‌تواند مورد حمایت و پشتیبانی بیننده قرارگیرد، و یا برعکس با انتقادات شدید وی مواجه شود، که مورد نظر و توجه این نوشته نیست. آن مسیر طولانی که فیلم می‌بایستی طی کند تا به سینما تبدیل شود به موتوری قوی و پرانرژی احتیاج دارد. این موتور مهیج که نمی‌تواند در دسترس همگان قرار گیرد چیزی جز «ایده» نمی‌باشد. وجود همین ایده است که باعث خلق کردن یک «تفکر» و یک « روش» می‌شود و یا این که باعث به نمایش گذاشتن مسائل و مشکلات ناآشکار، ولی نهفته در زندگی انسان و در بطن جامعه می‌باشند که بر کمتر چشمی، هویدا می گردند. این درست است که فیلم موجودی‌است «متحرک» اما در ذات خود حامل سکون می‌باشد، و تهی از ایده است. اما سینما هرچند به نظر«ساکن» برسد در خود حامل ایده، خلاقیت و نبوغ است. و به وجود آوردن پدیده‌یی جدید و نو. و این خود یعنی تکامل وحرکت به جلو، بدون افت و نزول. به‌جاست جمله‌یی و یا بهتر است بگویم نظریه‌یی از فدریکو فلینی کارگردان ایتالیایی را یادآوری کنم. وی تا وقتی که در قید حیات بود چنین عنوان می کرد: سینمابایدمردمی» باشد و من فقط «ایده»ام را به نمایش می‌گذارم و«اگر» جایزه‌یی در این مسیر به من بدهند قبول خواهم کرد. در این گفته کوتاه و به ظاهر ساده، فکری عمیق به مانند فلینی و سینما نهفته است. در این جمله، کلمه‌یی که در ابتدا حائز اهمیت و قابل تعمق می‌باشد کلمه «اگر» است، ولی دو کلمه دیگر یعنی «مردمی» و«ایده» نیز سنگینی و بار خودشان را حفظ می‌کنند. هرچند در نگاه اول به اندازه کلمه «اگر» جلب توجه نمی‌کنند، ولی بلافاصله،کلمات «مردمی» و «ایده» جای واقعی خودشان را می‌یابند، و در یک پروسه رشد و تکاملی مسیر خود را طی می کنند. به همین دلیل نیز فلینی از هیچ‌گونه جایزه‌یی اعم از مدال، ثروت، شهرت و غیره... استقبال نمی کند. فلینی ازکلمه «اگر» استفاده می کند در صورتی که از «ایده» و «مردمی» بودن سینما ذره‌یی تردید به خود راه نمی‌دهد و تا آخر زندگی بر سراصولش می‌ماند وکارنامه سینمایی خود را همیشه در یک سیر تکاملی به پیش برده و درهمان مسیربه پایان می رساند. فلینی تأکید بر «ایده»اش دارد، یعنی منحصر به فرد بودن ایده وتعلق آن ایده به شخص خودش، که هرگز در جایی دیده نشده و آشکار نبوده است.

امروزه در جشنواره‌های «بیشمار» فیلم در دنیا، به طریقی، حتی در جشنواره‌یی بی‌اسم و رسم به هرفیلمی جایزه‌یی تعلق خواهد گرفت. تولید بیشمار فیلم، باعث به وجود آمدن جایزه‌های بیشماری می‌شود، و وجود چنین جایزه‌های بیشمار به خودی خود به تولد کارگردانان بیشمار احتیاج دارد. این روش از بازاریابی، و در نهایت «فروش» فیلم، تجارتی است که رکن اصلی این گونه جشنواره‌ها می‌باشد که در نتیجه باعث پیدایش گردونه و دایره‌یی مریض با نظرات یکسان و تکراری گردیده که دائماً در حال چرخش به دور خویش بدون هیچ گونه چشم‌اندازی می‌باشد.

مسلماً نیازهای چنین جشنواره‌هایی مغایر با خلق کردن یک اثر «سینما»یی می‌باشد و این دو تفاوت فاحشی با یکدیگر دارند. برای به راه انداختن کوره جشنواره‌ها احتیاج به سوزاندن خروارها فیلم هم‌شکل، همرنگ، یکنواخت و بی‌ذوق می‌باشد، اما پدیده‌یی به نام «سینما» احتیاج به خلق یک اثر منحصر به فرد دارد. در سینما و در پیدایش یک «ایده» به هیچگونه جایزه‌یی احتیاج نیست. پیروزی یک «ایده» سیر تکاملی آن می‌باشد و نه به دست آوردن مدال و جایزه.

پس از این گفته‌ها، اما به دلیل برگزاری شصت وچهارمین جشنواره سینمایی «شیر طلایی» ونیز ایتالیا که از روز چهار شنبه ۲۹ اوت تا یکشنبه ۹سپتامبر ادامه داشت بیمورد نیست که به کارنامه فیلمهای ایرانی، و نه سینمای ایران، شرکت‌کننده در انواع فستیوالها در این چند ساله بپردازیم.

بعد از هجوم و یورش گرسنگان شهرت و جایزه، به تمامی جشنواره‌ها شاید به جرأت بتوان گفت که تنها شاید یک فیلم ارزش دیدن داشته است. شاید صحیح‌تر این است که گفته شود هیچ کدام از آنها ارزش صرف کردن وقت را برای تماشا نداشته است. به نمایش گذاشتن دست‌پختهای تهی از خلاقیت افراد یورش‌کننده به جشنواره‌ها تحت عنوان «سینما» و«کارگردان»، هر بیننده و دوستدار ساده سینما را مات و مبهوت می کند. و در یک کلام آنها را می‌باید توهینی به شعور و حرمت انسان تلقی کرد. شایدوقت آن رسیده باشد که این به اصطلاح فیلمسازان به خود بیایند و حتی‌المقدور کمی به محیط اطراف خود بنگرند. حتی لزومی نیز به دقت وکنجکاویشان نمی‌باشد وتنها کافیست که سر بالاکنند تا ببینند که آیا به جز خودشان کسان دیگری نیز در جوارشان حضور دارند که از همان قبیل فیلمها می‌سازند یا خیر؟ فیلمهایی را که فیلمسازان با آن همه جار وجنجال به جشنواره می‌برند و به نمایش می گذارند نه ابتکار و نبوغی در آنها مشاهده می‌شود و نه مسائل ناآشکاری در جامعه را به معرض تماشا می گذارند. اسفناکتر وغم‌انگیزتر از دو عامل ذکر شده، این است که فیلم آنها در معرض نمایش مردم خودشان نیز در نمی‌آید. اما حتی اگر آنها هنر را برای هنر، یا هنر را برای مردم ویا مردم را برای هنر، و از این قبیل الی آخر...، بخواهند و به هر سبک و روش و ایده‌یی متعلق باشند در قبال چنین بی‌حرمتیها و توهینهایی، می‌بایستی تا به حال حداقل واکنشی از خود نشان می‌دادند، اما متأسفانه هیچ گونه عکس‌العملی از آنها در قبال چنین توهینهایی برنیامده و فقط به حضور در جشنواره دل بسته‌اند.شاید آنها فکر می کنند با تهیه فیلمی از بخش خیلی کم و کوچک از بی‌کفایتیها وظلم رژیم که حتی نمایش از سالن فستیوالها بیرون نرفته و در همان سالنها هضم و دفع شده‌اند کار خارق‌العاده‌یی انجام داده‌اند. به جرأت می‌توان گفت که تقریباً هیچ‌کدام از آن فیلمها به رؤیت عموم نرسیده‌اند و یا این که دوستداران سینما نیز به دیدن آنها ننشسته‌اند و مصرف نشده به بایگانی سپرده شده‌اند. کارگردانان فستیوالی باید به اطراف خود بنگرند تا ببینند که پاسداران رژیم، خودشان از شقاوت‌پیشگیها و از بی‌رحمیهایشان هرروز وهر شب سناریوهایی در دست تهیه و اجرا دارند، که حتی خلق کردن یک هزارم آن سنگدلیها به مغز خلاقترین کارگردان فستیوالی نیز خطور نمی کند. هم‌چنین خیلی سریع و فوری نیز سنگدلیهای خودشان را در دسترس تمامی خبرنگاران و رسانه‌های جهان قرار می‌دهند تا بلافاصله روی صفحات تلویزیونی وصفحات مطبوعات عالم منعکس شوند و به رویت جهانیان برسد، که مطمئناً بینندگان و خوانندگان بیشمارتری نسبت به فیلمهای فستیوالی دارند. کارگردان فستیوالی مسائلی را که به مقدار «ارزن» به نمایش می‌گذارد، رژیم خودش به«خروار» نمایش می‌دهد. پس او کدامین مسأله ناآشکار و نهفته در جامعه را آشکار و بیان کرده است؟ پس کدامین نبوغ رابه‌خرج داده تا حتی به سبک خودش روایتی از سرنوشت امروز جامعه و یا هنر و سینما را به نقد کشیده باشد تا در تاریخ«سینما» ثبت ودرذهن «مردم» ایران ضبط گردد؟ در هنر برای هنر نیز خلاقیت و ابداع، رکن اساسی، اصلی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بدون شک فیلمهای عرضه شده در فستیوالها ضلعهای مشترک بسیار با افکار رژیم دارند. پس دلیل حضور فیلمهایی از این قبیل در ابعادی بسا کوچکتر نسبت به آنچه که خود رژیم به دنیا عرضه می کند در جشنواره‌ها چه می‌باشد؟ آیا غیر از این است که آنها دراولین لحظه‌هایی که دست به دوربین فیلمبرداری برده‌اند قصد پیروزی و بردن جایزه‌یی داشته‌اند تا بلکه بعد ازآن در خیابانهای پر ترافیک و یا بر سر چهار راهها در زیر چراغ راهنمایی بایستند تا شاید ماشینی توقف کند وآنها را دریکی ازهیأتهای ژوری فستیوالی«بیشماران» از قبیل «کابل» و یا «خارطوم» پیاده کند. آری وقت آن رسیده که کارگردانهای فستیوالی دوربین به‌دست قدری نیز به گفته فلینی گوش فرادهند و به «مردمی» بودن کارشان بپردازند، وگرنه شایسته همان ایستادن سر چهارراهها هستند. فیلمهای فستیوالی نه هیچ ربطی به سینمای ایران دارد ونه هیچ ربطی به مردم ایران. مروز سینمای ایران را «ایده»، نبوغ و خلاقیت مردان و پسران جوان، زنان ودختران جوانی کارگردانی می‌کنند که در فیلمهای ۲۰ الی ۳۰ثانیه‌یی تلفنهای دستی‌شان تصاویری را به جهانیان عرضه می‌کنند که نمایش آنها نه در توان پاسداران رژیم می‌باشد و نه در توان و نبوغ کارگردانهای فستیوالی می گنجد. سینمای این مردم دقیقاً انگشت بر نقطه ضعف و نقطه شکست رژیم گذاشته است، که در آن فقط و فقط پویایی و گسترش گسترده‌ترین «مقاومت» یک ملت به نمایش گذاشته می‌شود.

تجمعات اعتراضی حامیان مقاومت در کانادا، انگلستان، نروژ و لوکزامبورگ علیه استمرار اعدامهای وحشیانه در ایــران

بقیه از صفحه آخر

تظاهرات ایرانیان آزاده در روزهای ۲٤ تا ۳۱شهریور درشهرهای تورنتو و مونترال (کانادا)، نیوپورت و کاردیف (انگلستان) آرندال (نروژ) و لوکزامبورگ در اعتراض به اعدامهای بی‌وقفه در ایران ادامه داشت.

در تجمع اعتراضی هموطنان در شهر آرندال نروژ آقایان یانگوار لانگوس از حزب کارگر، یان کلوستاد، رهبر حزب چپ در شهر آرندال و کمال خشنود از هواداران مقاومت در محکومیت اعدامهای اخیر در ایران سخنانی ایراد کردند.

سایت روزنامه آگدِرپُستِن ۲۴شهریور:

ملاها اخراج

پناهندگان سیاسی از ایران روز شنبه در آرندال برای این که چشمان مردم نروژ را به وحشیگری در کشورشان باز کنند، تظاهرات کردند. آنها برای ایجاد یک سیستم دموکراتیک در کشورشان مبارزه می کنندتا دیگر زنان تا نیمه بدن در زمین برای سنگسار دفن نشوند، برای یک کشور بدون شکنجه. آن‌جایی که دیگر اعدام علنی نخواهد بود. برای کشوری که زنان با مردان حقوق مساوی خواهند داشت.

ایرانیان در آرندال امیدوارند که توجه جهانیان را به این جلب کنند که مردم ایران خواستار یک حمایت بین‌المللی هستند. این روزنامه به نقل از کمال خشنود می‌نویسد: ما امیدوار هستیم که مردم نروژ به آن‌چه که ما در قلبهایمان داریم گوش فرادهند و بدانند که مردم ما در ایران چقدر در رنج هستند. ما باید ملاها را از ایران بیرون کنیم.

روز شنبه کانات راسن (محل اجرای آکسیون) شاهد حضور ایرانیانی بود که با پلاکاردهای بزرگی نقض جدی حقوق‌بشر را در کشورشان نشان می‌داد.

تلویزیون نروژ ۲۶شهریور :

پناهندگان ایرانی درشهر آرندال روز شنبه ۲٤اردیبهشت برای افشای بیرحمی‌هایی که در کشورشان رخ می‌دهد، تظاهراتی برپا کردند. تظاهرکنندگان پلاکاردهای بزرگی که نشاندهنده نقض جدی حقوق‌بشر در استبداد دینی است نصب کرده بودند.

تظاهرکنندگان از شرکت و حمایت رجال سیاسی، در این تجمع قدردانی کردند.

کمال خشنود: ما این جا جمع شده‌ایم تا انزجار خود را از نقض شدید حقوق‌بشر در ایران و علیه رفتار وحشی رژیم با مردم، علیه سنگسار، علیه اعدامها، علیه شکنجه، علیه دستگیری و ربودن مخالفان سیاسی اعلام کنیم.

خبرنگار: آیا فکر می کنید که مردم نروژ به ستمی که در ایران رخ می‌دهد آگاهی دارند؟

کمال: نه متأسفانه . به همین علت ما مجبور هستیم که تلاش خودمان را در این رابطه زیاد کنیم و احتیاج به کمک بیشتری داریم...

ما بایستی حمایت خودمان را از مردم ایران نشان بدهیم و یک پلاتفرم سیاسی قاطعی بدهیم که بتواند علیه رژیم ایران کارگر باشد.

این روزنامه سپس از قول کمال خشنود می‌افزاید: من برای این اعتراضات، حمایت یان کلوستاد و یانگوار لانگوس را گرفته‌ام وآنها قول داده‌اند که حمایتشان را برای مبارزین مردم ایران علیه شکنجه دولتی ادامه بدهند.

ایرانیان حاضر در این آکسیون، برای گرفتن حمایت سیاسیون، ارزش قائلند و این را به عنوان قدمی در جهت درست قلمداد می کنند.

ارگان حزب چپ نروژ نیز در صفحه اول خود خبر این تظاهرات را منعکس کرد.

اعتراض به بربریت در ایران

روزنامه ساث ویلز آرگوس ـ انگلستان ـ ۲۶شهریور۸۶

یک گروه از ایرانیان تظاهراتی در اعتراض به رژیم ایران و مجازاتهای وحشیانه آن برگزار کردند.این تظاهرات که در مقابل هتل سابق وست گیت در منطقه تجاری نیوپورت روز شنبه برگزار شد به منظور برجسته کردن مسائلی بود که مردم ایران با آن مواجهند.

این تظاهرات ازکشورهای اروپایی خواست که علیه ولی‌فقیه رژیم خامنه‌ای و رئیس‌جمهور محمود احمدی‌نژاد موضع بگیرند.

یکی از اهداف اصلی اعتراض‌به اعدامهای علنی، سنگسار و قطع عضو به‌عنوان مجازات بود.

رضا رحمان فرد، اهل جنوب ایران، یکی از تظاهر کنندگان، چهار سال پیش به‌عنوان یک پناهنده سیاسی برای فرار از رژیم ایران بعد از این که برادرش و دوستانش اعدام شدند و خودش ٥سال به‌دلیل صحبت علیه دولت زندانی شده بود، به نیوپورت آمد. آقای رحمان‌فرد گفت: ما همه می‌خواهیم کشورهای اروپایی سکوت خود علیه رژیم ایران را بشکنند. ما تا وقتی که مردممان از دست این رژیم وحشی رنج می‌برند نمی‌توانیم ساکت بنشینیم. چون من قربانی این رژیم هستم به معنی این نیست که می‌توانند من را ساکت کنند.

اعتراض‌کنندگان حمایت خود را از مقاومت ایران که در پی تغییر دموکراتیک است اعلام کردند. تغییرات در کشوری که از زمان سرنگون‌شدن سلطنت در سال ۱۹۷۹ به‌عنوان یک جمهوری اسلامی اداره شده است.

این هفته در جنوب ایران حد اقل ٤ نفر قطع عضو شدند. اینها تنها بخشی از مجازاتهای وحشیانه در ایران است. ما می‌خواهیم صدایمان را به مردم نیوپورت برسانیم و بگوییم چه چیزی دارد صورت می گیرد.

شرکت پاسدار احمدی‌نژاد در مجمع عمومی ملل متحد با موجی از ابراز تنفر روبه‌رو شد

بقیه از صفحه ٥

تلویزیون سی.ان.ان روز ۳۱شهریور، در گزارشی از سفر پاسدار احمدی‌نژاد به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی ملل متحد، گفت: احمدی‌نژاد درحالی‌که هنوز وارد نیویورک نشده، اعتراضاتی را در جوامع مختلف این شهر برانگیخته است.

پیام مردم نیویورک به احمدی‌نژاد از زبان یک روزنامه چاپ نیویورک «به درک واصل شو» بود و روزنامه دیگر هم «احمدی‌نژاد را محور شر» لقب داد. با وجود این که پلیس و شهرداری نیویورک، درخواست احمدی‌نژاد برای بازدید از محل برجهای دوقلو را رد کردند ولی خشم و انزجار مردم علیه او شدت یافته است.

گزارشگر سی.ان.ان در نیویورک، گفت: دانشگاه کلمبیا درهای خود را به روی مردی که کشتار یهودیان توسط نازیها را نفی کرده و خواستار نابودی اسرائیل شده، باز کرده است. یک برنده جایزه صلح و کسی که خود شخصاً یکی از بازماندگان این نسل کشی بوده گفت اگر به عهده من بود، احمدی‌نژاد را اخراج می کردم. الی ویزل، گفت: «این مرد یک ننگ وخفت برای دیپلوماسی، ننگ برای روابط بین‌المللی و ننگ برای فرهنگ است». دانشگاه کلمبیا دعوت خود از احمدی‌نژاد را به عنوان چالشی در برابر دیدگاههای او توصیف کرده است... سخنگوی شهرداری نیویورک از این دانشگاه خواست تا دعوت خود را پس بگیرد...

سناتور جان مک کین، کاندیدای ریاست‌جمهوری از حزب جمهوریخواه آمریکا با اشاره به بمبها و موشکهای ساخت رژیم ایران که توسط شبه‌نظامیان عراقی مورد استفاده قرار می گیرد، برفشار خود علیه برگزاری این سخنرانی افزود.

جان مک کین گفت: «مردی‌که آمر کشتار سربازان آمریکایی است، نباید اجازه یابد در یک دانشگاه آمریکایی سخنرانی کند...»

سی.ان.ان افزود: احمدی‌نژاد تنها در داخل یک دایره به شعاع ۲۵مایل در اطراف سازمان ملل حق تردد دارد.

مایکل بلومبرگ شهردار نیویورک نیز، گفت: «من شخصاً آن‌چه احمدی‌نژاد می‌گوید را انزجارآور می‌دانم. دیدار او از محل ساختمان برجهای دوقلو نباید صورت بگیرد(آسوشیتدپرس ۳۰شهریور۸۶).

برنی کریک، کمیسر سابق پلیس نیویورک نیز با دیدار پاسدار احمدی‌نژاد از محل حملات ۱۱سپتامبر، مخالفت کرد و گفت: «به‌هیچ‌وجه! نباید احمدی‌نژاداجازه پیدا کند به هیچ کجای نیویورک برود! احمدی‌نژاد آمریکا و اروپا را تهدید کرده است».

شمارهٔ ۸۷۱ ـ دوشنبه ۲مهر ۱۳۸۶

مفهوم پویای «قدر» و «تقوی»

جلال گنجه‌ای

در ورود به این بحث، یادآور می‌شود که به رغم اعلان این مطلب که قرآن مجید در ماه مبارک رمضان، ۱۳سال پیش از هجرت، بر حضرت محمد، پیامبر اسلام(ص) فروفرستاده شده است، روز وقوع این رخداد بسیار مهم بر مسلمانان کتمان شده و تا آن‌جا که به قرآن بر می‌گردد، اکتفا فرموده به این مقدار که این امر در «شب قدر» صورت گرفته است. و تا آنجا که به پاسخهای پیامبر(ص) در برابر پرسش مؤمنان صورت گرفته، آن حضرت از تعیین دقیق این شب خودداری می‌فرموده و اکتفا می‌نمود که برای تبرک به این شب «نامعین»، شبهای دهه آخرین ماه رمضان را دریابید. آیا این کتمان از جانب پیامبر اسلام(ص) بدین معنی است که یک «شب معین» به مثابه یک موسم روزشمارانه و تقویمی، فاقد اهمیت است؟ این در عین آن که بزرگداشت موسم نزول قرآن، یعنی ماه رمضان، اهمیتی چنان بالا دارد که ماه روزه‌داری مسلمانان قرار داده شده است.

برای توضیح بیشتر این پرسش، شایسته است که به اهمیت «شب قدر» در بیان قرآن نگاه بکنیم: در معروفترین سوره قرآن در این موضوع، سوره قدر (انا انزلنا...) خطاب به پیامبر(ص) گفته شده است که: «ما ادراک ما لیله القدر». (از کجا بدانی که لیله القدر چیست؟) و سپس ادامه می‌دهد که: (گویا که اگر می‌دانستی!) «شب قدر برتر از هزار ماه است چرا که در این شب، فرشتگان در سراسر این شب تا دمیدن صبح، هر آن‌چه را که سلام و سلامتی و رهایی و رهیدن از خطرهای پیش راه بر بشر است، فرود می‌آورند».(۱). به نظر نمی‌آید که شبی با چنین رهاوردهایی از سلام و سلامتی را بتوان با هرمقدار زمان، نه «هزار ماه» و نه هزاران ماه متفاوت، مقایسه کرد.

به این ترتیب، معنی «هزار ماه» در عبارت این سوره بایستی نه به معنی عددی (۱+۹۹۹)، بلکه به معنی نمادین و استعاره‌یی این کلمه باشد، یعنی «ماههای بسیار فراوان» که با همه انبوهی خود تحت تأثیر «زمانی کوتاه» رقم خواهند خورد، همچون زمانه‌های بلندی پس از «نزول قرآن» و پیدایش «دیانت اسلام» که از شب این رویداد، یعنی «شب قدر»، اثر پذیرفتند و همچنان اثر خواهند پذیرفت، و در حقیقت، همان شب قدر محمدی(ص)، حامل «سلام و سلامتی و رهایی و رهیدن از خطرهای پیش راه بر بشر»، برای تمامی این مدت بلند بوده است که اینک نه بیشتر از «هزار ماه» که به افزونتر از «هزار سال» هم بالغ شده است.

باین ترتیب، گویی یک گام به فهم این موضوع نزدیکتر می‌شویم که چرا حضرت محمد(ص) از تعیین یک شب معین «تقویمی» خودداری می‌فرمود: زیرا که طبق آموزشهای قرآن، تحقق نویدهای «سلام و سلامتی و رهایی و رهیدن...» در گرو شرایط تعریف شده‌یی است که کمترین ارتباطی با ایام و ماه و سال، و خلاصه با «زمان تقویمی» ندارند. بعکس، چه بسا با گوش فرادادن به نکات قرآن در زمینه این «شرایط تعریف شده» در تأمین «سلام و رهایی»، بیشتر پی ببریم که چرا از معرفی یک شب معین، که تنها یک «لیله القدر تاریخی» بوده، مصرانه خودداری می‌شده است و تعیین نکرده‌اند که آن شب با کدامین شب ماه رمضان مصادف بوده است؟

آری، «لیله القدر تاریخی»، یعنی همان شبی که در ۱۳سال پیش از هجرت، شاهد نازل شدن قرآن بر محمد(ص) بوده، اگر ارزش و موضوعیتش به نزول قرآن بوده که لاجرم چنین بوده است، پس تنها همان یک‌بار و برای همیشه همان یک‌بار به وقوع پیوسته است و دیگر هرگز، تا چه رسد هرساله، شاهد قرآن دیگری بر محمد دیگر و یا همان محمد(ص) نخواهیم بود که خود نیز کمتر از ربع قرن بیشتر نزیست، و جهان خاکی را برای همیشه بدرود گفت. تنها این می‌ماند که همان شب را به «یادبود» یک «شب قدر» در گذشته تاریخی بزرگ بداریم و نه یک «شب قدر» دیگر و تازه. کاری که اگر مورد نظر اسلام و پسندیده بود، پیامبر(ص) نبایستی از مشخص کردنش چنان امتناعی نشان می‌داد.

مشروط به کارکرد انسان!

آیا آموزش «شرایط تعریف شده» که مایه تحقق نویدهای «سلام و رهایی...» است، در قرآن قابل جستجو است؟ پاسخ به طور قطع مثبت است. زیرا، جدا از آن که این اساسی‌ترین رسالت کتابی شمرده می‌آید که به عنوان کتاب «هدایت» به «فلاح» و «رهایی» فرزند انسان، قدم به دنیای سرنوشت وی نهاده، متن قرآن هم به همین صراحت دارد. از جمله، آن‌جا که می‌فرماید: «به طور مؤکد، خداوند به تغییر سرنوشت هیچ قوم و ملتی بر نمی‌خیزد تا که خود به دگرگونی وضعیت خویشتن خویش برخاسته باشند...».(۲).

آری، شکی نیست که در جهان آفریدگان، جهانی که با ضوابط معین از سوی آفریننده پدیدار شده و به حرکت و پیشرفت روانه است، این اراده و مشیت خداوندی است که جریان داشته و خواهد داشت اما اراده و مشیت حضرتش که جهان را به سمت مشخص تکاملی هدایت می‌کند، شباهتی به هوسهای بی‌قاعده در نزد ارباب قدرت دنیایی ندارد. بلکه تنها در چارچوب مقتضیات مشخص همان سمت و هدف تکاملی جاری خواهد بود و بازهم مطابق قرآن، مفاهیمی از قبیل «امر» و «فرمان» و «مشیت» خداوند، جز بدین معنی نیست که: «وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا». {و چنین بوده که فرمان خداوندی اندازه های مشخص شده است}(۳).

بر این قاعده، «شب قدر» با همه «سلام و رهایی...» که به ارمغان می‌آورد، همانا در چارچوب «فرمان خداوند»، به مفهوم «اندازه‌های مشخص» در نظام آفرینش و تکامل، شامل نظام آفرینشی و تکاملی سرنوشت انسان، خواهد بود. (طبق آیه۳۸ سوره احزاب). و این یعنی که تنها در شرایطی «شب قدر» خواهد شد و ارمغان «سلام و رهایی» را خواهد آورد که «قوم» و انسان مربوطه به «دگرگونی وضعیت خویش» (طبق آیه۱۱سوره رعد) برخاسته باشد. به همان ترتیبی که در «شب قدر» محمدی و پیدایش دین اسلام نیز شاهد تحقق چنین مقدمات و شرایطی در اوضاع و احوال آن حضرت و خاندان محمدی و مردمان مکه نیز بودیم(۴).

تا این‌جا و در پرتو آموزش مختصری از قرآن که نمونه آوردیم، این روشن است که برای اهل و مدافعان «وضع موجود»، کسانی که در جستجوی هرگونه تغییری تکاملی در سرنوشت خویش و فرزند انسان نبوده و نیستند، هرگز کمترین «شب قدری» در میان نخواهد بود. این مهم نیست که اندر «مساجد» زیان و «ضرارشان» چندین و چند کتابچه‌های موسوم به «قرآن» را بر سر بگیرند بدین طمع که با تقدیم عباراتی «تملق آمیز» به نام «دعا» و «عبادت» و یا جملاتی متکدیانه و برده‌وار را به نام «توبه» و «ندامت» گناهان بخوانند و بنالند، لیکن باید دید و دانست که تمامی «اطوار» و «شکلک» شبیه به خداشناسی‌شان تنها ستیزه ورزیدن با مشیت جاری خداوند بر هستی و تاریخ است و از هرچه برخاسته باشد، از خداشناسی و اسلامیتشان برنخاسته است. شبیه این مسکینان چسبیده به «وضع موجود»، سرنوشتی محروم از «شب قدر» است که ترقیخواهان مفتخور! بدان چشم بدوزند. چرا که مطابق قانون قرآن و نظام فرارسیدن «قدر»، خداوند مشیت گذار «تغییر» و «تکامل»، این موهبت را برای کسانی نوشته است که عملاً و به واقع، به پرداختن بهای «تغییر خویشتن خویش» برخاسته باشند.

حال، می‌ماند این پرسش که آیا قرآن به تشریح و آموزش این شرایط و مقدمات، در کجا و چگونه پرداخته است؟.

نگاهی به مخاطبان و کارکرد قرآن

اگر به مطالب بالا دقت کرده باشیم، بایستی به ناپختگی پرسش اخیر در سطر فوق، پی برده باشیم. زیرا آوردیم که برخورداری از قرآن، به معنی برخورداری از همان «سلام و رهایی» که پیام «شب قدر» است و در هیأت قرآن به محمد(ص) نازل آمد، منطقی نیست که نصیب حافظان «وضع موجود» و یا «ترقی‌خواهان» «مفتخور» بشود. این حقیقتی است که در جای جای قرآن به آن تصریح شده و از جمله در اولین سطرهای تدوین قرآن می‌خوانیم: «و در این کتاب از بابت آن که «اهل تقوی» را هدایت می کند، شکی نیست».(۵).

به این ترتیب، قرآن هرگز دعوی نکرده که به مانند یک اثر خواندنی در معرض فهم خواننده‌یی است که واجد «سواد خواندن و نوشتن» (به زبان عرب) بوده و یا مانند کتابی علمی است که صاحبان صلاحیت و تخصص در علم مربوطه، -مثلاً علوم اسلامی- قادر به استفاده از آن هستند. خیر!، قرآن کلامی قابل فهم و دریافت برای اهل «تقوی» است. و چنان که خود تصریح می‌فرماید: «و از قرآن آن چه فرو می‌فرستیم برای اهل ایمان شفا و رحمت است و جز مزید زیانکاری برای ستمکاران ببار نیاورد».(۶). تصریحی که در حد خود، منظور از «تقوی» را بیان می کند. کسی که از «ستمکاران» نباشد. به این ترتیب، روشن است که منظور از «تقوی»، همانطور که از معنی لغوی این واژه فهمیده می‌شود، (برای یادآوری: معنی این واژه در زبان عرب، «حفظ و خویشتنداری از لغزش» است.(۷). «تقوی» ارزشی وابسته به یک دین معین و یا دین اسلام نیست و چنان که می‌دانیم، قرآن با دعوت غیر مسلمین به پیامهای خویش، کار را شروع کرد.

آری، مفهوم «تقوی» نگاهبانی و نگاهداری نفس و خویشتن خویش از ستم و فرومایگی است. این پایه شروع آشنایی با پیامهای قرآنی است که بسی مدعیان دیانت فاقد آنند و بسا مردمان بی‌ادعا که اهل «مرز» و «مرزداری» شرافتمندانه با ستم و ستمکاران هستند، مخاطبان حقیقی این کتاب شمرده می‌شوند، چنان که در تجربه تاریخی هم شاهد بودیم که «بت‌پرست» یا «خداپرست» توانستند بشنوند و برانگیخته شوند و به مدارج برتر راه بگشایند.

با توجه به معنی «تقوی»، یعنی مرتبتی که انسان به طور نسبی از لغزشها، یا برخی لغزشها، محفوظ بوده و مصونیت یافته باشد، در می‌یابیم که «تقوی» یک امر عینی است. مثلاً، همین که کسی به این منش درآید که دیگر اجازه برخی پلیدیها را به خود ندهد، برای مثال، حاضر نباشد شکمش را با نان دزدی پر کند. و یا برای رفاه دنیا به منجلاب مزدوری ستمکاران، خدمت «ولایت خمینی» و وزارت بدنام «اطلاعات آخوندی» در آید. همین، مفهوم تقوی است. و ما هرکدام و به هر نسبتی که از دست مصونیت و تقوی رسیده باشیم، مخاطب هدایت بی شک و ریب قرآن هستیم. و این یعنی که مخاطب قرآن و اثرپذیر پیامی خواهیم بود که انسان متقی، به این درجه نایل می آید.

حال اگر به همین مفهوم دقت کنیم، به وجهی دیگر از مفهوم «قدر» راه می گشاییم بدین بیان که آری، «شب قدر»، در گرو کارکرد انسان، محدود به شبی منقضی شده در افزون از ۱۴۰۰سال پیش نیست که قرآن در آن بر محمد(ص) نازل شده است. بلکه هرگاه که فرزند انسان به ساختن «تغییری» برخیزد که ظرفیت «سلام و رهایی» نوینی خلق کند، به آفریدن یک «قدر» نوین نایل آمده است. اما در عین حال، از این وجه و معنی نیز غافل نباید بود که اگر همان «شب قدر» دیرین، همان «شب قدر محمدی-ص» که به اعتبار نزول قرآن صاحب «قدر» شده، به نوعی گذشته ماضی و راهی منقضی شده، اختصاص ندارد و محدود نیست. بلکه، انسان زمانه، هر زمان و متناسب با شرایط اجتماعی و تاریخی خودش، چنانچه شرط یادشده را محقق کرده، درجاتی از تقوی را ایجاد کرده و پیموده باشد که خود را در ردیف مخاطبان قرآن قرار بدهد، مصداق تازه‌یی از نزول قرآن بر قلبی برخوردار از «تقوی» را محقق کرده است.

آری و تا آنجا که به خداوندی خدا بر می‌گردد، هدف اعزام رسولان که همانا هدایت و رحمت آفرینی خداوند است، یک نعمت جاری و همیشگی و ذاتی خداوند مهربان است. و البته، که برخورداری از این نعمت توسط مخاطب بشری، بدین بر می‌گردد که چه کسی و در چه هنگامی در شمار اهل تقوی و شایسته خطاب وحی و راهنمایی خداوند باشد. چیزی که نسبت به امر مبنایی، یعنی رحمت خداوند، چونان «شرط لازم» است و باید فراهم باشد تا رحمت خداوند محقق شود. این شرط،

گویی گوش فرزند انسان بسته است و بدهکار هزار وحی هم که بر وی نازل کنی، نخواهد بود.

این درست همان آموزشی است که در اصطلاحات «مجاهدین خلق» رواج دارد که: لیله القدر را باید برای خود و برای خلق خود رقم بزنیم». یعنی به کارکرد ما، کارکرد انسان، بستگی دارد که آیا شرط تقوی را محقق کرده‌ایم؟

این، چنان که مشاهده می کنید، نتیجه یک بررسی در قرآن است که روشن می‌دارد: از یک سوی، منطقی نیست که فقط یک شب در ۱۵قرن قبل چنین کارایی و ارجمندی داشته باشد. و از سوی دیگر، این روزی و مشیت خداوند، متناسب و در پاسخ ظرفیت و عملکرد انسان، یعنی همان «تقوی»، بر هیچ واجد شرایط در هرجای تاریخ که باشد، بسته نیست. و این مسئولیت و عمل صالح انسانها است که سرنوشت شب قدر را رقم می زند، همان دستاورد و فضیلتی که نام عقیدتی و قرآنی آن «تقوی» است. نه آن که کی و کجا، برای مثال، در قرن هفتم و در مکه، متولد شده باشند.

بحث کلیدی و کلید مباحث

حال که بنا بر ظرفیت نوشته، ناگزیر از بستن این بحث هستیم، شایان اشاره است که اگر معنی مختصر و خلاصه تقوی، مصونیت از لغزش و پرهیزکاری از لغزشها است، جا دارد دریابیم که میدان و دامنه آن چیست و تا کجاست؟ و در همین مبحث، باید در نظر بگیریم که مطابق دین حنیف ما، اسلام انقلابی، «تقوی» ارزش ارزشها است و همه ارزشهای شناخته شده و یا کشف شونده توحیدی و اسلامی، تنها به اعتبار محتوای گوهر تقوی که در خود دارند، معتبر و بر همین پایه قابل رده‌بندی هستند. همان که قرآن گفته است: «ان اکرمکم عند الله اتقیکم..»(۸). (به طور مؤکد، کسانی از شما نزد خداوند ارجمندتر محسوبند که در مدارج تقوی برتر باشند). این همان پیامی است که نافی ارزشهای تبعیض‌آمیز خونی و نژادی، تبعیض فکری و دینی، تبعیض جنسی و جنستی است و نافی همه سنن، مقررات و روابطی است که جز بر «تقوی» شناخته و برجای باشد. اگر بررسی کنیم، این کلید یک انقلاب دائمی و وقفه‌ناپذیر بوده و خواهد بود، چرا که «تقوی» در پویش انسانی و اجتماع انسانی، مفهومی «پویا» دارد و یک استاندارد دگم نیست...

پانویس:

-«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -- إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ {۰۱} وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ {۰۲} لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ {۰۳} تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ {۰۴} سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ {۰۵}». (سوره۹۷).

۲-«إِنَّ اللهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلاَ مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ». (آیه۱۱ از سورهٔ رعد. سوره۱۳).

۳-از آیه ۳۸ سورهٔ احزاب (سوره۳۳)

٤- این مبحثی خارج از موضوع این نوشته و بیشتر متناسب با عید مبعث محمدی(ص) است. اما در حد اشارتی کوتاه، نگاه کنیم به زندگانی سراسر اعتراض بی‌آرام خاندان محمد(ص) به بت پرستی، نظام برده‌داری و سنن تحقیر زنان و دختران که در حالات آن حضرت و همسرش خدیجه و فرزندان و پسرخوانده‌هایشان زید و علی(ع). این در کنار چندین صاحب نام دیگر که در مجموع «احناف» خوانده می‌شدند و هرکدامشان کوششهایی در نفی بتها و یا معارضه با زن‌ستیزی و به خصوص با «دخترکشی» داشته و نام و روشهایشان در منابع تاریخی ثبت است. در همین راستا، به کسانی از بخشهای مختلف جامعه مکی باید توجه کرد که با همه دشواریها به دعوتش پاسخ مثبت داده و به وظایف و فداکاریهای این راه برخاستند...

۵- «ذَلِكَ الْكِتَابُ لاَ رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»(آیهٔ۲ از سوره البقره-سوره۲).

٦- متن: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلاَ يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إَلاَّ خَسَارًا». (آیه۸۲ از سوره الاسراء-سوره۱۷).

۷- از کتاب «المفردات» تألیف راغب اصفهانی که از مأخذهای معتبر در لغت قرآن است: «التقوي جعل النفس في وقايه مما يخاف هذا تحقيقه» (تقوی در حفاظت قرار دادن خویشتن خویش از هرچه بیم می‌رود که نفس -همان- محقق کند). همین مأخذ در بیان ریشهٔ این لغت آورده است: «الوقایهٔ: (مصدر فعل «وقی») حفظ الشیء مما یؤذیه ویضره ». (وقایه حفاظت هرچیز از عوامل آزار و زیان بر آن است).

۸- بخشی از آیهٔ۱۳ از سورهٔ حجرات(سوره۴۹). مبالغه نیست که سوره یادشده به تشریح جزئیات همین مبحث اختصاص دارد. تعمق در این سوره را توصیه می‌کنیم.

این علی کیست؟

به بهانه شبهای احیا رمضان

فرهاد صداقتی

اولین بارکه اسم حضرت علی را شنیدم، شاید سه یا چهار ساله بودم. دربیلاق بودیم. پدرم خورجین بار را بلند می کرد. سنگین بود و گفت یا علی، بعد آن را بلند کرد و روی قاطر انداخت، یادم هست که لحظه داشتم، این علی کیست؟ و چطوری کمک او کرد که من ندیدم. پرسیدم، چرا یا علی گفتی؟ و بعد چی شد خورجینی را که هی زور می‌زدی بلند کنی و نمی‌توانستی، یک مرتبه بلند کردی وروی قاطر انداختی؟ پدرم خندید وگفت: حضرت علی است دیگه، او پاک بود، مردخدا بود، خیلی قوی بود، هر جا مشکلی داری و کمک می‌خواهی بگو یا علی، کمکت می کند.

یکبار دیگر، در همین دوران کودکی، یادم می آید، مادرم بیمار بود. شب بود. نیم متر برف آمده بود وباد می وزید. بیرون رفتن مشکل بود. اوکسی را نداشت و مرتب ناله می کرد و هی می گفت: یا علی، یا علی. من که از درد کشیدن و بی کسی او در این نیمه شب ناراحت بودم، عقلم نمی‌رسید که بروم همسایه‌ها را صدا کنم، گریه می‌کردم و به او نگاه می‌کردم. ولی مرتب در ذهنم با این موضوع درگیر بودم که این علی کیست که یک زن دردمند هم او را صدا می کند.

حالا دیگر، یک عشقی هم به علی ناشناخته پیدا کردم که، انگاری خیلی مهربان وکمک‌کار درماندگان است. هرکس یاوری ندارد یا کمک می‌خواهد او را صدا می‌کند. این موضوع در ذهنم بود و مرتب در سنین کودکی با آن کلنجار می‌رفتم. به راستی نمی دانستم این علی کیست که این قدر قوی است و به آدمهاکمک می‌کند؟ سعی داشتم تصویری ا از او در ذهنم بسازم که بیشتر یک پهلوان قوی هیکل بود.یک روز درمسیر جاده‌سازی شهر نوساز ما دیدم، بیست الی سی نفر از مردان طنابی را به درختی بسته و می کشند تا آن را از ریشه درببیاورند و مسیر جاده‌سازی باز شود، مرتب می گفتند، یاعلی، یاعلی، در آن فضای کودکی، این شور و حال و کار جمعی با ترنم یک صدا و شعار، برایم خیلی خوشایند بود، به علی بیشتر مجذوب شدم و برایم انگیزه شد که بالاخره شخصیت علی را فهم و او را لمس کنم.

در شهر ما خانقاهی بود که بر سرراه مدرسه ما قرار داشت. از بلندگوی آن مرتب سروده‌هایی در مورد علی پخش می‌شد، شعرهای آن را حفظ کردم، بعدها دیدم وقتی نفرات گدا و بیابانگرد هم به شهر ما وارد می‌شوند، پشت درب هر خانه‌یی این شعرها را می‌خوانند و خوراکی یا پول از صاحبخانه می‌خواهند و می روند، برای درک شخصیت علی شروع به تلاش و صحبت با دیگران کردم ولی دیدم خیلیها فقط از یک حضرت علی صحبت می کنند که چنین و چنان بوده است. خودشان کمک‌کار دیگران نیستند، دنبال زندگی معمولی خودشان هستند و دنبال سودآوری و ثروت‌اندوزی هستند .

در جامعه بااین شیوه‌ها و پدیده‌ها با شخصیت علی آشنا شدم. دیدم شخصیتی جدا از زندگی مردم است و لی خصلتهایی داشته است که همه دوست دارند کاش مثل او بودند، باخودم گفتم، کاش همه مثل او بوده و در جامعه این خصلتها و رسم و رسوم علی جاری و حاکم بود. در مسافرتها ذهنم درگیر علی می‌شد که بالاخره این نمونه والگوی شخصیتی که در جانم افتاده است کیست؟ و باید چکارش کنم. پشت ماشینها نوشته بود «از علی آموز اخلاص عمل» یا مثلا: «من مشتعل عشق علیم چه کنم».تا این که اولین بار در کتابهای درسی سخنانی از علی را خواندم. دیگر به کسانی که از او حرف می‌زدند کاری نداشتم، چون در عمل چیزی مثل او نمی‌دیدم ولی می‌خواستم او را که این قدر کمک کار است و همه دم از او می‌زنند و در سختیها وتنگناها اسم اوا می‌برند لمس کنم، گدا با نام او لقمه نانی می گرفت، پهلوان با نام او در گود کباده می‌زد، مادر با نام او دردهایش را التیام می‌داد، حمال با نام او بار را بلند می کرد، موقع خداحافظی بعضاً به همدیگر می گفتند یا علی. عده‌یی هم به نام درویش در خانقاه به نام او هوهو وصفا می کردند.

همیشه تصوریم این بودم که هیکل او قوی بوده و در نتیجه من باید مرد زورمندی بشوم تا علی‌وار باشم یا کار دیگری باید بکنم؟ درزمینه کمک به فقرا هم چیزی نداشتیم که شبها بروم درخانه آنها بگذارم. در حسینیه‌ها ومساجد هم فقط تعریف جنگهای او و سکوت ۲۵ساله او و ازحکومت ۵ساله‌اش صحبت می‌شد و نفر روضه‌خوانی که بهتر تعریف می کرد پول بیشتری می گرفت .

گذشت وگذشت تا این که سال ۵۵ دردانشگاه پلی‌تکنیک بودم. درگوشه سالن غذاخوری نشریاتی را مخفیانه ریخته بودند وبچه‌ها به همدیگر، ندا می‌دادند که بروند بردارند. من هم یکی برداشتم. دفاعیات سعید محسن شهید بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق بود. درجایی گفته بود: «...فکر علی وسیستم علی یعنی قیام برعلیه ظلم، و امحای آن. .... وایجاد وحدت و برابری برای بشر...امروز نه تنها بیگانه نیست، بلکه نهایت آمال و آرزوی اوست، که ما برقله تاریخ اندیشه علی را محقق می‌بینیم ...» دراین جا بود که همه چیز در وجودم مثل یک براده آهن در زیر دو قطب آهنربا شکل گرفت. علی، علی، علی، نفسم درسینه حبس شد، تنم گرم شد، هنوزبعد ازسی سال آن لحظه راتجسم می کنم. آن گرما را حس می کنم، عاشق شده بودم، راه می‌رفتم ومثل نیوتون می‌گفتم یافتم یافتم. من شخصیت علی و چگونه مثل او بودن را یافته بودم .کسی که در جریان عمل خودش راه علی را رفته و در همین مسیر خونش را هم داده بود. علی را از کسی شناختم که با صداقت درک خودش از علی را اثبات کرده بود.در محیط دانشگاه راه می‌رفتم و جملات علی در ذهنم رژه می‌رفتند(صحبتها به مضمون هستند):

-زمین خدا بی حجت نمی‌ماند

-حق مردم را ازشما می‌گیرم حتی اگر درکابین زنانتان باشد

-اگر حجت مردم و رأی مردم نبود مهار شتر خلافت را برکوهانش رها می‌کردم

-این زندگی شما به اندازه عطسه بز هم برای من ارزش ندارد

-وای برکسی که دو روز او مثل هم باشد.

-در دنیا چنان زندگی کنید که انگار تا ابد هستید و چنان فکر کنید که یک لحظه بعد می‌میرید و نیستید

-عدل او در موقع شنیدن خبر خلخال درآوردن از پای آن زن یهودی، که گفت اگر کسی بشنود و بمیرد بر او اشکالی و ملامتی نیست، و هیهات هیهاتش ، تن مرا به رعشه می‌انداخت.

-عدل او موقعی که وقتی مسأله شخصی را حل می‌کرد شمع بیت المال را خاموش می‌کرد.تکانم می‌داد.

-نهیب او به پیشانی پینه‌بسته‌های ارتجاعی، نهیب او به قرآنهای بر سرنیزه رفته

-خشوع او موقعی که عمربن عبدود را انداخته بود ولی به خاطر تف او و خشم فردی خود، کناری نشسته بود تا نیت کشتن دشمن فردی نشودوازروی عصبانیت وانگیزه شخصی نباشد، ...

آری در آن لحظه من علی را درک کردم. من که گرایشهای مارکسیستی داشتم ودنبال مبارزه بودم و ازکار مذهبیها ی تنگ نظر متنفر بودم، بعد ازسالیان گمشده خودم را یافتم. چند بار به خودم گفتم: خودش است، خودش است.

به این ترتیب من علی را درک کردم چون، مجاهدین خلق را شناختم. و دانستم اینها هستند که حرف و عمل آنها یکی است. دانستم اینها هستند که با اسلام و دین معامله نمی‌کنند. دنیای جدیدی بود که برایم باز شد.

قبلاً هر وقت به هرکس می‌گفتم می‌خواهم علی‌وار زندگی کنم، یا مثل علی باشم، می‌گفت آن حضرت علی بود، داماد پیغمبر بود، ما که نمی‌توانیم مثل او باشیم، عشق او کافی است، ولی حالا من راه را پیدا کرده بودم، شاخص دستم آمده بود.

کما این که امروز می‌بینم، زندگی در تشکیلات مجاهدین و تحت رهبری پاکباز آن همان است که علی انتظار دارد. وقتی برادر مسعود از «آقا» صحبت می‌کند خودش یک حالت برافروخته‌یی دارد و من که می‌بینم با این صحنه‌ها، قلبم می‌تپد، خونم تازه می‌شود، تنم به رعشه افتاده و شعف ایدئولوژیک پیدا می‌کنم. راه و رسم علی را در مناسبات مجاهدین حس می‌کنم. و خدا ما را شایسته کند که مثل علی بر دین‌فروشان ریاکار و عوامفریب و شیاد پیروز بشویم تا این احساس همگانی شود. عشق و عاطفه‌های مادران و پدران و زحمتکشان نسبت به علی همه واقعی هستند اما ارتجاع برآنها سوار شده است.

حرف همین است که سعید محسن گفت: «فکر و سیستم علی یعنی قیام برعلیه ظلم». واین طوری است که به همه کمک می‌شود.همه چیز جای خود را می‌گیرد. در سیستم عدل علی هرکس به اندازه توان خودکار می‌کند وبه اندازه نیاز از بهداشت و آموزش و خدمات عمومی و سطح زندگی بالا برخوردار می‌شود، بعدها شعار حکومت عدل علی را هم با سخنرانی مسعود رجوی در دانشگاه تهران فهمیدم که در سال۵۸ درمسجد دانشگاه تهران، قانون اساسی علی را تشریح می‌کرد و دو سال و نیم بیشتر نگذشت که با نه گفتن به قانون اساسی ارتجاع ولایت فقیه، درعمل ره علی را رفت، این گونه است که شب احیا و علی علی گفتن مفهوم پیدا می‌کند. باشد که فردای سرنگونی دین‌فروشان ضدعلی حاکم برمیهنمان، آرمان علی را محقق کنیم.

حماسه خونین سپیده دمان آزادی...

(یادی از ۵مهر۱۳۶۰)

محمدعلی‌لیبیبی

۱۱نفر بودیم چپانده شده در سلولی به ابعاد ۳×۳ متر. سلولی با دیوارهای بلندآجری بندکشی شده، سقف مشبک آهنی و کف سیمان بتونی. تنها پتوی سربازی سلول را پهن کرده قطعه نایلونی ۱×۱ متر را به عنوان سفره در وسط آن باز کردیم تا قبل از شروع بازجوییهای شبانه شاممان را که تکه‌یی پنیر و نان لواش نازکی بود را صرف کنیم.

هنوز شام تمام نشده، یکی از بچه‌ها به نام «عباس» آهی کشید و گفت: «یادش بخیر! امروز هفتمین روز شهادتش بود ولی لحظه‌یی از یادم نمی‌رود» گفتم کی؟ گفت: «شهیدحبیب الله آشوری» بعد شروع کرد مقداری درباره خصوصیات اخلاقی و برجستگیهای ایدئولوژیک او گفتن. همه ما گرم شنیدن بودیم که ناگهان صدای رگباری مهیب همه را میخکوب کرد. گویی چندین تیرآهن همزمان از یک بلندی به زمین پرتاب شدند. سکوت سراسر اوین را فراگرفت. بعد شمارش تک تیرها شروع شد؛ یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت،... تا ۳۰ تک تیر شمردیم. بعد از لحظاتی سکوت، مجاهد شهید «احمد علوی» سکوت را شکست و با کلامی قاطع گفت: «این ۳۰گلوله به مغز خمینی و قلب سیاهش شلیک شد، این سی نفر جاودانه شدند، و خمینی و آخوندها و پاسدارانش مردند و دفن تاریخی شدند، و شما خواهید دید که به چه سرنوشتی دچار شوند».بعد نفس عمیقی کشید و ادامه داد: زمانی در سالهای ۵۰-۵۲ که ما با همین لاجوردی کثیف در زندان بودیم. این آدم بی‌چشم و رو قسم می‌خورد که اگر امام زمان ظهور کند، یکی از صحابه اولیه او «محمد آقا جباری» (کاندیدای معرفی شده سازمان برای انتخابات مجلس از قزوین) است، پشت سرش نماز می‌خواند و قسم راستش روی محمد جباری بود. ولی یک ماه پیش همین لاجوردی دژخیم او را با دستان خودش تیرباران کرد. آن روزها بارها می‌گفت: کثیف‌ترین و بدترین شغل زندانبانی است، و حالا سرجوخه اعدام پاک‌ترین...» هنوز جمله احمد تمام نشده بودکه یکمرتبه صدای تعدادی از خواهران و برادران که با تمام وجود از پشت بند٤ (محل تیربارانها) شعار «مرگ بر خمینی درود بر رجوی سلام بر آزادی» می‌دادند همه را مسحور کرد. همگی جاکن و سراپا گوش شدیم. ناگهان صدای رگبار دوم شعارها را قطع کرد، و باز شلیک تک تیر شروع شد. ۳۰ تیر خلاص دیگر شمردیم. من دراز کشیدم و به آسمان خیره شدم. اشک مجالم نمی‌داد. گویی ٦۰ستاره در آسمان اوین با ما نجوا می‌کنند و سرود فتح و پیروزی می‌خواندند. ناگهان صدای پای پاسداران در راهروهای بند که دوان دوان آمد وشد داشتند و نفراتی را کشان کشان و با عجله می‌بردند. یک مرتبه درب سلول ما هم باز شد و دژخیمی پرسید: «کدوم شما امروز دستگیر شدید؟» هیچ کس جواب نداد. دوباره سؤالش را تکرار کرد، بازهم کسی جواب نداد. غرغری کرد و چند فحش لمپنی داد و درب را محکم بست و رفت. یکی از ما به نام مسعود شروع به خندیدن کرد و گفت: «واقعاً که چقدر شیر تو شیره که خودشون هم گیج شده‌اند، مرتیکه احمق خودش چند ساعت پیش مرا به اینجا آورد و میدونست که من در تظاهرات امروز دستگیر شدم ولی حالا حسابی قاطی کرده و یادش نیست». همه با تعجب رو به او کردیم و پرسیدیم: «چی؟ کدوم تظاهرات؟ تو هم بودی؟» و او با آب و تاب زیاد، و خوشحال و پر غرور تظاهرات مسلحانه ۵ مهر را با جزئیات برایمان تعریف کرد. هنوز صحبتش تمام نشده بود که بازهم صدای شعارها و بعد رگبار مسلسلها و به دنبالش صدای تک تیرهای سومین جوخه تیرباران، همه را به پشت بند٤ پیوند داد.

آن شب تا ساعت ٤صبح حد اقل ۱۵جوخه اعدام را شمارش کردیم و خودمان هم صبح سرود خواندیم و تیرباران شدیم و دو باره زنده شدیم. ده باره پیمان بستیم، و اشک ریختیم و بر دژخیمان پوزخند تحقیر زدیم، و با غرور و افتخار، سجده شکر به جا آوردیم.

حوالی سحر صدای رگبارو تک تیرها قطع شد. بعدها فهمیدیم تعدادی از دستگیرشدگان را با طناب دار حلق آویز کرده‌اند . بعد از اذان صبح همه وضو گرفتیم ونماز جماعت خواندیم. و بعد هم دعای اللهم انصرالمجاهدین...را جمعی زمزمه کردیم و به خواب رفتیم.

دو سه هفته بعد از ۵مهر٦۰ در سلول ٤۵ با مجاهد قهرمان الماس عوض‌یار هم سلول بودم. او از مجاهدینی بود که توانسته بود در قسمت اطلاعات سپاه پاسداران در تهران نفوذ کند. الماس در اواسط مهرماه ٦۰ لو رفت و دستگیر و شکنجه، و در آبان ماه به شهادت رسید. او تعریف می‌کرد: «صبح روز ٦مهر پاسداری گزارش کار از اوین آورده بود. گزارش شامل برخی اسامی و عکسها از مجاهدین شهیدبود. وقتی پاکت راتحویلم داد از من خواست که رسید را امضاء کنم. خودکارش را به من داد و گفت: «دیشب حاجی (لاجوردی) با همین خودکار حکم اعدام ۵۰۰نفر را امضاء کرد، جوهر خودکار داشت تمام می‌شد . . . حالا یه کار سخت هم دفن کردن این همه جنازه است که الان برادران مشغولند» الماس که خیلی جا خورده بود گفته بود : اشتباه نمی کنی؟ ۵۰۰ نفر؟ پاسدار گفته بود تازه این قدرش را من خبر دارم!»

حال که یادی از الماس شد لازم است اشاره کنم او اهل شیرازبود. در اولین روزهای بعد از انقلاب ضد سلطنتی به عضویت سپاه پاسداران خمینی درآمده بود. خودش می گفت: «من مجاهد نبودم که در سپاه نفوذ کنم، پاسدار بودم که به قصد خدمت به کشورم به سپاه رفتم، ولی وقتی جنایتهای سپاه را دیدم و از طرفی تحت تأثیرات سخنرانیها و نوشته‌های برادر مسعود قرار گرفتم فهمیدم که به جای راه، به بیراهه رفته‌ام. در اواخر سال۵۸ مجاهد شدم و از من خواسته شد که در همان سپاه به مسؤلیتهایم عمل کنم، از آن پس مجاهدی بودم که در دل سپاه اجرای مأموریت می‌کردم. بارها و بارها همین مرتضی رضایی و محسن رضایی که الان فرمانده سپاه پاسداران است پشت سر من نماز خواندند. حالا هر کدامشان در بازجوییها و شکنجه‌های من حاضر می‌شوند. ولی خوشحالم که خیلی سوخته‌اند». شهید الماس توسط آنها بسیار شکنجه شده و دستهایش را مدتهای مدید به صورت قپانی بسته بودند. به طوری که دیگر دستهایش کار نمی‌کرد و برای ساده‌ترین کارهایش هم باید کمکش می‌کردیم. حتی غذاخورن برایش مشکل بود و من غذا به دهانش می‌گذاشتم. ولی روحیه سرشار و خنده همیشگی او هرگز قطع نمی‌شد. عینکش را گرفته بودند و به او نمی‌دادند، بعد از مدتی یکبار که به بازجویی رفته بود عینکش را آوردند تا چند خطی بنویسد. عینک و یک خودکار را کش رفته و با خود به سلول آورد. وقتی از پشت عینک نگاه می‌کرد آن قدر نگاهش پاک و جذاب بود که ناخودآگاه آدم را به خود جلب می‌کرد. قرآنی در سلول بود. او شروع کرد به خواندن قرآن. از سوره‌های کوچک شروع کرد. گاهی روی برخی از آیات با هم بحث می کردیم. صبح روز ۸ آبان وقتی بیدار شدیم بلافاصله گفت قرآن را بیاور، گفتم چه عجله‌یی داری بگذار بعد از صبحانه...گفت نه فرصت کم است. حدس زدم خوابی دیده، ولی کنجکاوی نکردم، دوسه صفحه از سوره بقره و سوره حمد باقی مانده بود،که آن را هم خواند. وقتی به «غیرالمغضوب علیهم ولا الضّالین» رسید گفت خدارا شکر که نه مغضوب شدیم و نه گمراه. به محض این که جمله‌اش را گفت درب سلول باز شد و دژخیمی او را برای اعدام صدا زد. در لحظه خداحافظی وقتی او را در آغوش کشیدم و اشک می‌ریختم، گفت: من رستگار شدم و چه سعادتی بالاتر از این ، چرا گریه می‌کنی؟ برادر مسعود مرا از دهان دیو بیرون کشید و مجاهد کرد» بعد سفارشاتی کرد و سبکبال پرکشید و رفت.

یکی دیگر از حماسه سازان ۵ مهر مجاهد شهید سید محمود رفیعی لیسانس و کارمند اداره راه آهن بود، محمود که در دوران دبیرستان ٦سال با من همکلاس بود، و یکی از زیرکترین و با هوشترین و بهترین دانش آموزان با نمرات بالای تحصیلی بود، از حسن تصادف در سلولهای اوین هم با من هم بندشده بود. ما که با هم یک احساس یگانگی و نزدیکی خاصی داشتیم، در تمام یک هفته‌یی که هم‌سلول بودیم تمام وقت با هم صحبت می‌کردیم. محمود از حماسه ۵مهر و جانبازیها و رشادتها و قهرمانیهای خواهران و برادرانش در تظاهرات ۵مهر بسیار تعریف می‌کرد.خود او هم موفق به اجرای کامل مأموریت و عقب‌نشینی از صحنه شده و هیچ ردی هم از خودش نگذاشته بوده. ولی در خیابان دیگری شناسایی شده و دستگیر می‌شود. بعد از تحمل دو هفته شکنجه‌های طاقت‌فرسا در روز ۱۹مهر ماه همراه با ۷۳مجاهد دیگر تیرباران و جاودانه شد.

وحالا ۲٦ سال از آن شب فراموشی ناپذیر می‌گذرد، حماسه‌ها و شبها و روزهای افتخار آفرین بسیاری را در این ۲٦سال داشته‌ایم. از شبی که در عملیات فروغ تا یک قدمی شهادت جنگ تن به تن با پاسداران داشتیم، تاشبهای بمباران و حماسه‌های دوران پایداری و...ولی هر ساله در شب ۵مهر تداعی تعهدات و پیمانها، یک احساس و انگیزه خاصی را در من زنده می‌کند. باشد تا روزی فرا برسد که بتوانیم هم درباره ۵مهر و هم شهیدان والامقام آن روز تاریخی بیشتر بنویسیم و بدانیم.

مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۷۱
Mojahed 871
دوشنبه ۲مهر ۱۳۸۶
۱۲رمضان ۱۴۲۸
September 24 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

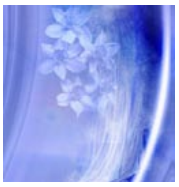

۱۵رمضان
سالروز ولادت امام حسن مجتبی (ع)
دومین پیشوای تشیع انقلابی
نور دیده و گوهر برگزیده رسول خدا
افشاگر دجالان زمان
و چراغ شب‌تاب حقیقت و ایمان

حماسه فروزان ۵مهر
روز فراگیر شدن شعار «مرگ بر خمینی»

۲۶سال پیش در ۵مهر و در روزهایی که حاکمیت سیاه آخوندی هر صدایی را در گلو خفه می‌کرد، میلیشای قهرمان مجاهد خلق با شعار «مرگ بر خمینی» به میدان شتافت تا با پاکباختگی و در اوج جسارت سکو سرد اختناق را بشکند و پرده سیاه آن‌را از هم بدرد. در صفحه۹

مراســم افطار در پاریس با حضور مسلمانان فرانسوی و شخصیتهای برجسته از کشورهای اسلامی

ـ رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در پیامی به این مراسم، حلول ماه مبارک رمضان را به مسلمانان فرانسه، هم چنین به مردم ایران، هموطنان تبعیدی در کشورهای مختلف، مجاهدان آزادی در شهر اشرف و اعضای مقاومت در داخل و خارج ایران تبریک گفت.

ـ خانم مریم رجوی تأکید کرد: هر روزه‌دار برای محترم شمردن پیام محمد، باید با دشمن آن یعنی رژیم ملایان مرزبندی کند. مفهوم تقوا برای مسلمانان حقیقی مرزبندی با رژیم ملایان و بنیادگرایی و تروریسم آن است

ـ پیر کاستانیو شهردار منطقه ۱۴ پاریس: من از مقاومت ایران حمایت می‌کنم و خود را در مبارزه آن به‌منظور دفاع از ارزشهای دموکراتیک و حقوق بشر سهیم می‌دانم

شهرزاد صدر

پیر کاستانیو(شهردار)

غالب‌بن شیخ

شیخ خلیل مرون

عبدالله ذکری

انیسه بومدین

زهیر محمود

مولود آئونیت

بتول فکار

استاد جلال گنجه‌ای

شنبه شب ۳۱ شهریور، در دهمین روز ماه مبارک رمضان مراسم افطاری توسط مقاومت ایران در پاریس برگزار شد. در این مراسم نمایندگان مسلمانان فرانسوی و شماری از شخصیتهای برجسته از کشورهای اسلامی از جمله مصر، اردن، فلسطین، سوریه، عراق، الجزایر و... هم‌چنین شماری از نمایندگان سفارتخانه‌های کشورهای مسلمان شرکت داشتند. پیر کاستانیو، شهردار منطقه ۱۴پاریس که جلسه در آن منطقه تشکیل شده بود، ضمن سخنانی به شرکت‌کنندگان خوش‌آمد گفت و از اهداف آنان در این جلسه حمایت کرد. در میان شرکت‌کنندگان شخصیتهای زیر حضور داشتند:

ـ عبدالله ذکری، عضو شورای مسلمانان فرانسه، عضو شورایعالی مساجد فرانسه و نماینده ریاست مسجد پاریس
ـ خلیل مرون، مدیر مسجد اوری در جنوب پاریس
ـ عبدالرحمن دهمانی رئیس شورای مسلمانان دموکرات فرانسه
ـ دکتر غالب بن‌شیخ اسلام‌شناس و رئیس کنفرانس جهانی ادیان هوادار صلح
ـ شیخ مسکین زاهو دبیر کل شورای امامان فرانسه
ـ انیسه بومدین حقوقدان، اسلام‌شناس، همسر رئیس‌جمهور پیشین الجزایر
ـ شیخ زهیر محمود، مدیر دانشکده مطالعات اسلامی و انستیتوی علوم انسانی اروپا
ـ بتول فکار، نویسنده و روشنفکر
ـ مولود آئونیت، دبیر کل جنبش ضدنژادپرستی و دوستی خلقها(مرآپ)
ـ استاد جلال گنجه‌ای، مسئول کمیسیون مذاهب و آزادی ادیان

همچنین شماری از اعضای شورای ملی مقاومت و مسئولان کمیسیونهای آن و گروهی از ایرانیان و حامیان مقاومت مقیم فرانسه نیز در این برنامه حضور داشتند.

دقایقی پس از اذان مغرب، خانم شهرزاد صدر مسئول دفتر خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، پیام ایشان به مناسبت ماه رمضان را قرائت کرد.

خانم رجوی در پیام خود حلول ماه رمضان را به مسلمانان فرانسه، هم‌چنین به مردم ایران، هموطنان تبعیدی در کشورهای مختلف، مجاهدان آزادی در شهر اشرف و اعضای مقاومت در داخل و خارج ایران تبریک گفت.

خانم رجوی با اشاره به مضامین تعالی‌بخش روزه، گفت: روزه‌داری تمرینی برای پرهیزکاری است که از آن انتخاب آزادانه حاصل می‌شود. ظرفیت انسانی را در فرد و جامعه بالا می‌برد و او را در مقابل مشکلات و سختیها و در برابر هیولای ستم و استبداد که امروز مظهر آن آخوندهای خونریز حاکم بر ایران هستند، توانا و پایدار می‌کند.

خانم رجوی گفت: بزرگترین ستم این دوران حاکمیت ملایان در ایران است. بنیادگرایی ملایان بزرگترین زیان برای مسلمانان محسوب می‌شود. هرگونه رابطه یا همسویی با ملایان بزرگترین زیان برای مسلمانان است.

این رژیم یک ظاهر اسلامی دارد. ادعا می‌کند که مهمترین مدافع دین است. جوانان را تحت‌عنوان دشمنان اسلام حق‌آویز می‌کند.زنان را به‌بهانه حفظ عفت اسلامی سرکوب می‌کند. مخالفان را به‌بهانه حفظ نظام اسلامی شکنجه می‌کند. به‌نام گسترش اسلام هر روز در عراق دهها نفر را منفجر می‌کند و می‌کشد.

اما واقعیت چیست؟ واقعیت این است که خودش بزرگترین دشمن اسلام است. خودش بزرگترین ضربه‌ها را به حیثیت و چهره اسلام و حضرت محمد وارد می‌کند.سرچشمه فساد و ارتجاع است.مظهر دجالگری است.

پس برای حفظ جامعه باید با این خطر مرزبندی کرد. هرگونه رابطه با این رژیم زشت است. هرگونه کمک به این رژیم گناه محسوب می‌شودو هرگونه همکاری با این رژیم خیانت به اسلام حقیقی است.

پس با روزه گرفتن از مظهر زشتی و ستم و بی‌عدالتی فاصله می‌گیریم. از سمبل کشتار و جنگ افروزی دوری می‌کنیم.

هر روزه‌دار برای محترم شمردن پیام محمد، باید با دشمن آن یعنی رژیم ملایان مرزبندی کند. مفهوم تقوا برای مسلمانان حقیقی مرزبندی با رژیم ملایان و بنیادگرایی و تروریسم آن است.

خانم مریم رجوی با اشاره به اعدامهای بی‌وقفه در ایران که در ۹ماه گذشته به ۲۵۰نفر رسیده است و هم چنین با اشاره به فقر جانکاهی که آخوندهای حاکم با چپاول و ویرانگری در ایران رواج داده‌اند، گفت: اسلام زندگی‌بخش است، نه آیینی برای اعدام و حق‌آویز.

دین عفو و مدارا‌ست، نه نظام شکنجه و کینه‌جویی و تنگ‌نظری. خواستار برخوردار کردن مردم از رفاه و آسایش است، نه آن که مردم را به گرسنگی و محرومیت بکشاند. برای آسان کردن کار مردم آمده است، نه برای سخت کردن زندگیشان و برای باز کردن زنجیر از دست و پای مردم آمده نه برای به بند کشیدن.

خانم مریم رجوی ضمن نیایشی در پایان این پیام از خدای بزرگ خواست که بلای هولناک بنیادگرایی را از سر مردم خاورمیانه و از سر همه مردم جهان دور کند، مردم ایران را از شر فاشیسم مذهبی رها سازد و به آنها یک زندگی بدون اعدام و شکنجه و بدون فقر و ناامنی عطا کند.

خانم رجوی خطاب به هموطنانمان در داخل ایران گفت: در این ماه، به مردم محروم و مستمند و به میلیونها نفری که بر اثر بیداد و چپاول آخوندها شبها گرسنه می‌خوابند، رسیدگی کنید، و آنها را از این فقر جانکاه نجات دهید و به‌خصوص کودکان محروم را از حمایت و محبت خود برخوردار کنید.

در پیشگاه خدای بزرگ دعا می‌کنیم که نماز و روزه و تلاش همه ما برای این هدفهای خالصانه قرین خیر و برکت شود.

بقیه در صفحه۴

تجمعات اعتراضی حامیان مقاومت در کانادا، انگلستان، نروژ و لوکزامبورگ علیه استمرار اعدامهای وحشیانه در ایـران

در صفحه۱۰

تورنتو ـ کانادا

مونترال ـ کانادا

آرندال ـ نروژ

نیوپورت ـ انگلستان

کاردیف ـ انگلستان

لوکزامبورگ

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران